





۴۸

اقدامات بانک مرکزی جهش نرخ ارز را متوقف کرد

کاروان، عضو اتاق بازرگانی ایران



۴۳

توفیق بانک مرکزی در مهار نقدینگی اعتبار مقام پولی را افزایش داد

یزدانی، استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی



۱۳

افزایش اعتبار بانک مرکزی انتظارات را مهار می‌کند

دکتر "یوانا کوکورس"
استاد اقتصاد دانشگاه پیرئوس یونان



۵

تورم در پایان امسال به کانال ۳۰ درصد کاهش می‌یابد

سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی



۲۹

بانک مرکزی با کنترل انتظارات بازار ارز را آرام کرد

سنجایی، دبیرکل اتاق مشترک
بازرگانی ایران و عراق



۱۵

بانک مرکزی آرامش را به بازارها بازگرداند

عادلی، رئیس کل اسبق
بانک مرکزی



ساماندهی ترازنامه بانک‌ها به کنترل تقاضای ارز منجر شد

۳۵
حزیری، رئیس اتاق مشترک
بازرگانی ایران و چین



۲۱

بانک مرکزی اثر مسائل سیاسی بر اقتصاد را مهار کرد

سایفی، مدیرعامل
بانک صادرات ایران

عبرت‌های بودجه ناتراز

۵۱

چرا کنترل تورم باید اولویت دولت چهاردهم باشد؟

۵۴

سیگنال دهی منفی ارز به بازارها متوقف شد

۵۷

بانک مرکزی کانادا چگونه در بازار ارز مداخله می‌کند؟

۶۸



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• مشاور سردبیر:

سینا احدیان

• همکاران این شماره:

حسین کمال زارع، جواد حیران نیا، رضا فراهانی
سید مهدی میرحسینی، امیرحسین موسوی، حمید کمار
پوریا صادقی، هانیه محمدی و هانیه اسماعیلی

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• دبیر سایت:

دنیا نظرسروش

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)
نبش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله
ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان

سرمقاله

۴	وفاق ملی برای مهار تورم
۵	تورم در پایان امسال به کانال ۳۰ درصد کاهش می یابد
۱۱	تضمینی برای توسعه پایدار اقتصادی
۱۳	افزایش اعتبار بانک مرکزی انتظارات را مهار می کند
۱۵	بانک مرکزی آرامش را به بازارها بازگرداند
۲۱	بانک مرکزی اثر مسائل سیاسی بر اقتصاد را مهار کرد
۲۹	بانک مرکزی با کنترل انتظارات بازار ارز را آرام کرد
۳۵	ساماندهی ترازنامه بانک ها به کنترل تقاضای ارز منجر شد
۴۱	کسری بودجه جلوی تحقق برنامه های بانک مرکزی را می گیرد
۴۳	توفیق بانک مرکزی در مهار نقدینگی اعتبار مقام پولی را افزایش داد
۴۸	اقدامات بانک مرکزی جهش نرخ ارز را متوقف کرد
۵۱	عبرت های بودجه ناتراز
۵۴	چرا کنترل تورم باید اولویت دولت چهاردهم باشد؟
۵۷	سیگنال دهی منفی ارز به بازارها متوقف شد
۶۱	موج وسیع برداشت سپرده ها از بانک های لبنانی
۶۸	بانک مرکزی کانادا چگونه در بازار ارز مداخله می کند؟
۷۲	دستاوردهای یک بانک تخصصی و توسعه ای

وفاق ملی برای مهار تورم

بر این، ثبات در بازار ارز نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد بازار ارز گارا و جلوگیری از نوسانات غیرقابل پیش‌بینی، یکی از الزامات مهم در کنترل تورم است.

بانک مرکزی طی یک و نیم سال گذشته به صورت مستمر برای کنترل تورم و ایجاد ثبات فضای اقتصاد کلان تلاش کرده است. یکی از این اقدامات، اعمال سیاست‌های کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها بوده است. بانک مرکزی با محدود کردن خلق پول توسط شبکه بانکی و کنترل نرخ رشد کل‌های پولی، در جهت مهار پایدار تورم حرکت کرده است. همچنین، بانک مرکزی اقدامات جدی و بنیادینی در راستای مدیریت و کنترل بازار ارز انجام داده است. سیاست‌گذار ارزی با ایجاد مرکز مبادله ارز و طلای ایران، توسعه ابزارهای بازار ارز و ایفای نقش فعال در تنش‌های سیاسی منطقه تلاش کرده تا از نوسانات شدید در بازار ارز جلوگیری کند. اگرچه آثار مثبت این اقدامات در تداوم روند نزولی تورم در طی یک و نیم سال گذشته و ثبات ارز در یک کریدور مشخص نمایان است، اما برای دستیابی به نتایج پایدار و کاهش مستمر تورم، تداوم این رویکرد مقام پولی لازم و ضروری است. اگرچه بانک مرکزی نقش کلیدی در کنترل تورم دارد، اما لازمه موفقیت در تحقق این هدف، همکاری و هماهنگی سایر نهادها و دستگاه‌های دولتی است. دولت باید با اتخاذ سیاست‌های مالی منضبط و جلوگیری از کسری بودجه، از فشار بر تامین پولی کسری بودجه جلوگیری کند و از تشدید سلطه مالی در اقتصاد ایران بپرهیزد.

یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های اخیر بارها توسط مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته، لزوم مهار تورم بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر خود با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت چهاردهم نکات مهمی را همچون رعایت اولویت‌های فوری از جمله تورم و گرانی بیان کردند. تأکیدات ایشان به مسئله تورم علاوه بر اینکه نشان‌دهنده اهمیت موضوع از منظر سیاسی و اقتصادی است، ضرورت همکاری همه‌جانبه نهاد‌های مختلف برای مهار تورم را آشکار می‌سازد.

تورم را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران برشمرد که تأثیر گسترده و عمیقی بر رفاه عمومی جامعه و ثبات اقتصادی کشور دارد. کنترل تورم یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی کشور است و در این راستا، بانک مرکزی به عنوان یکی از اضلاع کلیدی سیاست‌گذاری اقتصادی نقش برجسته‌ای در کنترل تورم ایفا می‌کند. با این وجود، مهار تورم نیازمند همکاری همه‌جانبه دولت به واسطه همراهی سیاست‌های مالی با پولی، سایر نهاد‌های تصمیم‌ساز نظیر مجلس شورای اسلامی به واسطه نقش موثر در تصویب بودجه سنوانی و حمایت عمومی جامعه است. پیش‌شرط کنترل تورم، مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌های هماهنگ است، از جمله مهم‌ترین الزامات مهار تورم، کنترل رشد نقدینگی است. در این راستا، بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب، نرخ رشد نقدینگی را به سطحی کنترل شده و قابل پیش‌بینی کاهش دهد. علاوه





سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی

تورم در پایان امسال به کانال ۳۰ درصد کاهش می یابد



شد. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در این همایش به تشریح وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی، شرایط روز حوزه پولی و بانکی و نحوه اجرای قانون بانکداری با محوریت بانکداری اسلامی پرداخت. مشروح سخنان سخنرانان این همایش را در ادامه می خوانید.

سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی، صبح سه شنبه بیستم شهریورماه با حضور رئیس کل بانک مرکزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، مدیران ارشد بانکی و پولی کشور، متخصصان و محققان این حوزه در سالن اجتماعات بانک مرکزی برگزار



تکانه‌های سیاسی را مهار کردیم

محمدرضا فرزین، رئیس

کل بانک مرکزی: در قانون

جدید، شاهد ارتقای

گفتمان بانکداری بدون ربا



به بانکداری اسلامی هستیم به گونه‌ای که در قانون جدید، ۷ مرتبه از عبارت بانکداری اسلامی استفاده شده است که نشانگر اهمیت همایش بانکداری اسلامی در دوره جدید است. در ابتدای سال جدید و با شهادت رئیس‌جمهور فقید و با وجود بروز تکانه‌های سیاسی و امنیتی، شاخص‌های متغیر کلان اقتصاد کشور در حوزه پولی و ارزی، وضعیت باثباتی را داشته و توانستیم این تکانه‌ها و نوسانات را کنترل کنیم.

رشد اقتصادی پایدار نیازمند تامین مالی پایدار

تولید ناخالص داخلی کشور براساس برآوردهای اولیه، رشد ۴.۲ درصدی را تجربه کرد که هرچند در مقایسه با رشد ۵.۷ درصدی بهار سال گذشته ارقام کمتری به ثبت رسید، ولی مشاهده ترکیب رشد نشان از بهبود وضعیت بخش کشاورزی از ۰.۶ درصد در بهار ۱۴۰۲ به ۳.۴ درصد در بهار سال جاری است. همچنین بخش صنعت نفت نیز همچنان نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور دارد و پیش‌بینی ما این است که نفت در سال جاری با رشد تولید، همراه باشد. همچنین صنایع و معادن و بخش خدمات با کاهش رشد مواجه بوده است. پیش‌بینی ما این است که در پایان سال به رشد ۳.۷ درصدی برسیم که هر چند این آمار در مقایسه با رشد اقتصادی کشورهای منطقه، رقم بالایی محسوب می‌شود، ولی همچنان با اهداف تعیین شده در برنامه هفتم توسعه فاصله دارد و باید تلاش کنیم با برنامه‌ریزی و کمک دستگاه‌های مسئول به اهداف تعیین شده نزدیک شویم.

بررسی شاخص رشد کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور نیز از رشد ۳.۵ درصدی شاخص کل حکایت دارد و در این حوزه بخش فلزات اساسی با رشد ۴.۵ درصدی و محصولات شیمیایی با رشد ۴.۸ درصدی، سهم بالایی در این رشد داشته است. صادرات غیرنفتی کشور در ۵ ماهه ابتدایی سال جاری به ۲۱.۹ میلیارد دلار رسیده که نشان از رشد ۱۰ درصدی در مقایسه با مدت

مشابه سال گذشته دارد. در همین مدت، ۲۶.۳ میلیارد دلار واردات نیز انجام شده که حاکی از رشد ۵.۵ درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته دارد. ناترازی موجود در اقتصاد کشور یکی از نگرانی‌های اصلی ما است. ناترازی در بودجه و ناترازی در نظام بانکی که بخشی از آن ناشی از ناترازی‌ها در دولت است، باید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین مسئله تامین مالی پایدار، یکی از مسائل اصلی اقتصاد کشور است و اگر می‌خواهیم به رشد اقتصادی پایدار دست یابیم تنها اتکا به منابع مالی نظام بانکی و سرمایه‌های داخلی کافی نیست و باید راهکارهای تامین مالی پایدار را در دستورکار قرار دهیم.

کنترل رشد نقدینگی و ثبات در بازار ارز منجر به کنترل تورم می‌شود

کاهش نرخ رشد پول به ۲۳ درصد نشان





درصد بوده است. برنامه ما این است که با کنترل نرخ رشد نقدینگی و ثبات در بازار ارز، تورم همچنان در مسیر کاهش باقی بماند.

اصلاحات نظام بانکی باید ادامه یابد

سال گذشته به ۸ بانک برنامه اصلاحی دادیم و به صورت ماهانه وضعیت این بانک‌ها را رصد و ارزیابی می‌کنیم. برخی بانک‌ها با اعمال برنامه اصلاحی توانسته‌اند شاخص‌های بانکی خود را بهبود دهند، ولی در خصوص برخی بانک‌ها هنوز نگرانی‌هایی وجود دارد.

اصلاح نظام بانکی نیازمند کمک نظام اقتصادی کشور است و از آنجایی که برخی ناترازی‌ها در نظام بانکی به بخش دولتی و بخشی مربوط به تکالیف مجلس است، باید همه دستگاه‌های ذیربط برای رفع این ناترازی‌ها کمک کنند. قانون برنامه به صراحت در خصوص موضوع افزایش سرمایه بانک‌ها صحبت کرده و دولت به

می‌دهد که انتظارات تورمی به دلیل آرامش در حوزه سیاست و اقتصاد کنترل شده است.

همچنین نرخ رشد شبه پول نیز به ۲۹ درصد کاهش یافته است. کنترل نقدینگی و ثبات بخشی به بازار ارز دولنگر اصلی کنترل تورم است و بانک مرکزی برای نقدینگی، رشد ۲۳ درصد با مثبت و منفی ۲ درصدی برای امسال هدف گذاری کرده است.

هر چند این نرخ در مردادماه به ۲۷،۵ درصد رسیده است، اما تلاش می‌کنیم با اعمال سیاست‌های پولی و انضباطی، نرخ رشد نقدینگی به هدف اعلام شده برسد. برآوردها نشان از کاهش تورم در سال جاری دارد و امیدواریم در پایان سال، تورم را در کانال ۳۰ درصد و رشد نقدینگی را در کانال ۲۰ درصد داشته باشیم.

همچنین تورم تولیدکننده در حال حاضر به ۲۸،۲ درصد رسیده است، در حالی که این رقم در مقطع مشابه سال گذشته ۳۴،۶

قانون جدید حوزه نظارت بانک مرکزی را تقویت کرد

تصویب و اجرای قانون جدید بانک مرکزی در حوزه نظارت به بانک مرکزی کمک شایانی کرد و امیدواریم با استفاده از ظرفیت‌های این قانون و افزایش اختیارات نظارت دقیق‌تر و کارآمدتری بر عملیات پولی و بانکی کشور اعمال شود. قانون‌گذاری در حوزه رمزارزها از دیگر تکالیفی است که قانون جدید بر عهده بانک مرکزی گذاشته است. رمزارزها و رمزداری‌ها در دنیا، نظام پولی و بانکی را با چالش مواجه کرده و ایران از این قضیه مستثنی نیست. در این حوزه سند اولیه تدوین شده و سعی کردیم سندی جامع باشد. این سند در مرحله مطالعاتی است و از همه افراد متخصص در این حوزه می‌خواهیم که با مطالعه سند به بهبود جوانب آن کمک کنند. این حوزه نیازمند جمع‌بندی سیاستی است و اگر مقررات لازم درباره نحوه فعالیت کسب و کارها در حوزه رمزارزها را نداشته باشیم، می‌تواند به بی‌ثباتی مالی منجر شود. سیاست‌گذاری در حوزه رمزداری‌ها چندوجهی است و باید وزارت اقتصاد، سازمان بورس، مجلس و سایر حوزه‌هایی که در این موضوع دخیل هستند، کمک کنند تا سند جامعی تصویب و ارائه شود.

بانک مرکزی را در مهار تورم کمک می‌کنیم

عبدالناصر همتی
وزیر امور اقتصادی و

دارایی: امروز حدود چهار دهه از بانکداری اسلامی



گذشته است و من خوشحال نیستم که بگویم ما نه تنها به بانکداری اسلامی نزدیک نشده‌ایم، بلکه از آن دور شده‌ایم و حتی از بانکداری متعارف نیز فاصله گرفته‌ایم. حتی اگر همه تحریم‌ها برداشته شده و به عضویت FATF هم درآییم، مشکلات سیستم بانکی ما در عرصه رقابت بین‌المللی، تازه شروع می‌شود. سیستم بانکی از نظر کیفیت سرمایه، حسابرسی دارایی‌ها، ترازنامه و ... مشکلات جدید خواهد داشت که امیدوارم در دولت چهاردهم اقدامات خوبی برای رفع این مشکل انجام شود. به استقلال بانک مرکزی اعتقاد دارم و از استقلال کارشناسی بانک مرکزی حمایت خواهم کرد، اما تاکید دارم که استقلال کارشناسی

عنوان متولی بانک‌های دولتی و سهامداران به عنوان متولیان بانک‌های خصوصی، باید برای افزایش سرمایه تمهیداتی در نظر بگیرند. خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری نیز یکی از موضوعات اساسی در اصلاح نظام بانکی است.

پرداخت ۵۵ درصد تسهیلات تکلیفی ازدواج و فرزند از ابتدای سال جاری

قانون بودجه حدود ۱۴۴ همت پرداخت تسهیلات ازدواج به شبکه بانکی تکلیف کرده است. آمارها نشان می‌دهد تا ۱۸ شهریور ماه سال جاری، ۷۵۰۶ همت تسهیلات ازدواج به ۲۲۷ هزار نفر پرداخت شده است.

یعنی تاکنون ۵۳ درصد تسهیلات تکلیفی پرداخت شده و ۱۱۱ درصد تکالیف محقق شده است، اما متقاضیان در صف، ۳۵۵ هزار نفر هستند. تکالیف و انتظاری که در اینبار از نظام بانکی وجود دارد، فراتر از منابع موجود در شبکه بانکی است و ممکن است دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در مورد نقدینگی و تورم را دچار مشکل کند. در این خصوص دیروز نامه‌ای به رئیس محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نوشته و ارسال کردیم تا در اولین فرصت با تشکیل جلسه در مجلس، موضوع تسهیلات تکلیفی مربوط به تسهیلات ازدواج و فرزند، آخرین گزارش‌ها و اقدامات مربوطه و منابع مالی لازم را مورد بررسی قرار دهیم. به هر حال بانک مرکزی تکلیف قانونی ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی برای پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزند را به شبکه بانکی ابلاغ کرده و شبکه بانکی نیز عددی را که در قانون دیده شده را می‌پردازد، اما این عدد پاسخگوی نیازهای متقاضیان نیست و باید فکر جدیدی در این زمینه شود. بانک مرکزی در یک ماه گذشته جلسات مختلفی برگزار کرده تا تسهیل و تسریع در پرداخت وام ازدواج و فرزند در دستور کار قرار گیرد. تا پایان امسال ۲۰۰ همت تسهیلات ازدواج و فرزند تکلیف شده پرداخت می‌شود و با برنامه‌های بانک مرکزی و همکاری بانک‌ها از این ارقام نیز فراتر می‌رویم، ولی با توجه به تعداد بالای متقاضیان در صف و متقاضیان آتی، پرداخت این تسهیلات، نیازمند ۸۰۰ همت منابع مالی است که از توان شبکه بانکی خارج است.



● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

بانک مرکزی به معنای این است که بانک مرکزی کار خود را به درستی انجام دهد. باید بپذیریم که وزیر اقتصاد به عنوان تنها عضو ستاد اقتصادی دولت به مجلس پاسخگوست و بنابراین سیاست‌های اقتصادی، پولی، ارزی و مالی باید در هماهنگی با یکدیگر انجام شود. بانک مرکزی مسئول کنترل تورم است و در قانون جدید نیز با قاطعیت اعلام شده که وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم است، اما ما کمک می‌کنیم که همکاران ما در بانک مرکزی در کنترل تورم موفق باشند. معتقد هستم که مشکل اصلی کنترل تورم به ناترازی بانک‌ها بازمی‌گردد و تا این مسئله حل نشود، کنترل تورم، سخت و دشوار خواهد بود. استقلال بانک مرکزی یعنی اینکه دولت چک بی‌محل نکشد تا بانک مرکزی ناچار به پاس کردن آن شود.

مسئله دیگر اینکه بانک مرکزی باید کار کارشناسی کرده و نباید تحت تأثیر قرار بگیرد، وقتی از استقلال بانک مرکزی صحبت می‌کنیم، منظور استقلال در سیاست‌گذاری و کار کارشناسی است. بانک مرکزی مسئولیت اعلام آمارهای اقتصادی را دارد، اگرچه مرکز آمار متولی قانونی اعلام آمار رسمی است، اما کشور نیاز دارد که به طور مداوم از اطلاعات و آمار مربوط به شاخص‌های اقتصادی کشور مطلع باشد. شفافیت برای اقتصاد، بسیار مهم است و ما باید اقتصاد را پیش‌بینی‌پذیر کنیم. در دوره‌ای که در بانک مرکزی بودم فشار زیادی وجود داشت تا در اعلام آمار، محدودیت ایجاد کنند که به نظر من، بانک مرکزی باید در مقابل این فشارها بایستد. بانک مرکزی باید پیشگام شده و آمار را ماهانه به طور شفاف اعلام کند و قطعا فعالان اقتصادی از این موضوع، استقبال خواهند کرد. به عنوان مثال، زمانی که می‌خواهند در آمریکا نرخ بهره را ۲۵ صدم درصد جابجا کنند، از یک ماه قبل همه پیش‌بینی‌ها مطرح می‌شود که معمولا ۸۰ تا ۹۰ درصد آنها درست است.

برای پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد، نقش سیستم بانکی و بانک مرکزی بسیار مهم است. نباید ارز چندنرخه داشته باشیم، ما می‌دانیم از بیرون فشار می‌آورند، اما بانک مرکزی نباید اجازه وقوع چنین مسئله‌ای را بدهد. باید جلوی رانت و ضربه خوردن به

صادرات را بگیریم و کاری کنیم که تراز تجاری ما مثبت شده و تورم کنترل شود.

بانک مرکزی برای انجام ماموریت‌های قانونی خود باید تجهیز شود

محمدحسین حسینی زاده
بحرینی، عضو هیات عالی
بانک مرکزی: چنانچه مقرر
است بانک مرکزی،



تنظیم‌گر و ناظر پولی باشد، قانون‌گذار باید دست بانک مرکزی را به لحاظ مجوزهای قانونی بکشد تا این نهاد بتواند ماموریت‌های خود را به پشتوانه قانون انجام دهد. باید با احیای مجدد قانون بانکداری جمهوری اسلامی که مقدمات آن فراهم شده، هر چه زودتر بانک مرکزی را به ابزارهای قانونی برای انجام ماموریت‌های خود تجهیز کرد. طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر و جامع‌تر بود که در آن هم بانک مرکزی و هم شبکه بانکی به دنبال قانونی شدن آن بودند تا وظایف و اختیارات دو طرف را در یک متن تعیین کند. اما مسیر به گونه‌ای پیش رفت که بخش مربوط به بانک مرکزی از دل طرح بزرگ‌تر و جامع تحت عنوان قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خارج شد و به نام قانون بانک مرکزی برای سیاست‌ورزی و نظارت بانک مرکزی تصویب شد و هم‌اکنون هم در مرحله اجرا است و به جعبه ابزار بانک مرکزی برای تنظیم‌گری و نظارت و به طور کلی سیاست‌ورزی تبدیل شده است که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران قانون پولی و بانکی کشور، برای تنظیم بخش بانکی و بانکداری کشور کفایت نمی‌کند. این قانون مشتمل بر سه بخش پولی، بانکداری و بخش مربوط به بانک مرکزی است و مباحث پولی و بخش‌های مربوط به بانک مرکزی در قانون بانک مرکزی آورده شد. بخشی که شامل موضوعات بانکداری است، همچنان اعتبار دارد.

اجرای بانکداری اسلامی مستلزم اصلاح روش‌ها، نرم‌افزارها و حسابداری بانکی

غلامرضا مصباحی مقدم
رئیس شورای فقهی بانک
مرکزی: قانون جدید بانک
مرکزی، سال گذشته ابلاغ و از خرداد ماه برای اجرا به کار گرفته شد.





مسئولیت اول بانک مرکزی، استقرار بانکداری اسلامی است. قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب شده بود و از آغاز سال ۶۳ در بانک‌ها به اجرا درآمد. مسئول اجرای بانکداری بدون ربا در این قانون مشخص نبود، اما اکنون بانکداری بدون ربا به بانکداری اسلامی تبدیل شده و بین این دو معنا تفاوت وجود دارد. همچنین مجری و مسئول استقرار این بانکداری، بانک مرکزی است. اجرای بانکداری اسلامی مستلزم اصلاح روش‌ها و نرم‌افزارهای بانکی است. به دنبال تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه‌هایی هم متناسب با آن به تصویب رسید که بانک‌ها به کار گیرند. ولی نرم‌افزارها و زیرساخت‌های مناسب برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا تهیه نشد و از این جهت مردم برکت بانکداری بدون ربا را به طور کامل احساس نکردند. اصلاح حسابداری بانکداری از دیگر الزامات اجرایی شدن بانکداری اسلامی است. حسابداری بانکداری ما، مبتنی بر نرخ بهره بوده و نیازمند این است که سازمان حسابداری و حسابرسی، از الگوی بانکداری اسلامی استفاده کند. هم‌اکنون به لحاظ حسابداری، تمام سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردم اعم از بلندمدت و کوتاه‌مدت در شبکه بانکی به عنوان بدهی بانک در ستون بستانکار قرار می‌گیرد که این درست نیست. بانک بدهکار سپرده‌گذاران نیست، بلکه وکیل سپرده‌گذاران است. این سپرده‌ها باید زیر خط قرار گیرند و سودی که بانک به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند در طرف بدهکار قرار می‌گیرد. این سپرده‌های مردم است که در جریان تولید، تجارت و تامین مالی قرار می‌گیرد. لذا بانک بدهکار سود نیست که در ستون بدهی‌ها درج شود و بانک احساس کند که به سپرده‌گذاران بدهکار است، بلکه این منابع مردم است و بانک نه مالک این منابع است و نه بدهی، سود دارد.

تغییر قواعد حاکم بر نظام بانکی امری ضروری است

فرشاد حیدری، رئیس موسسه عالی آموزش بانکداری ایران: بیش از پنجاه سال از تصویب قانون



پولی و بانکی و چهار دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد. در این مدت به‌رغم آنکه تدوین مجموعه‌ای سازگار، جامع و هماهنگ از قوانین و مقررات پولی و بانکی نوین و روزآمد، ضرورتی غیرقابل انکار برای اصلاح و بهبود ساختار مالی بانک‌ها در کشور، برای نیل به اهداف اقتصاد کلان بوده، اما همچنان قوانین و مقررات نظام بانکی کشور از کارآیی و اثربخشی مطلوب برخوردار نیست. قوانین بانک مرکزی عموماً با فاصله زمانی مورد بازنگری قرار می‌گیرند، اما قوانین بانکداری حسب شرایط روز و با فواصل زمانی کوتاه بازنگری می‌شوند. لذا حتی به فرض تدوین روزآمد قوانین بانکی در زمان خود، گذر زمان، تحولات و تغییر قواعد حاکم بر نظام بانکی در نتیجه وقایع سیاسی، اقتصادی و بحران‌های مالی در دهه‌های اخیر، بازنگری جدی در قوانین بانکی کشور را ضروری کرده است. تصویب قانون بانک مرکزی ضرورت همگام‌سازی قانون حوزه بانکداری، متناسب با تغییرات به عمل آمده در قانون بانک مرکزی را دو چندان می‌نماید. اقتضائات نظارت بر بانکداری کشور به ویژه در بُعد بسترهای قانونی نظارت در نظر و اجرا، اصلاح قوانین بانکی کشور را ضرورتی غیر قابل اجتناب ساخته است. طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران بعد از قانون بانک مرکزی، ضلع دیگری از اصلاحات قانونی و ساختاری در نظام بانکی است که به نحوه تأسیس و فعالیت مؤسسه‌های اعتباری و تفکیک آنها (به بانک‌های تخصصی، تجاری، توسعه‌ای، پس‌انداز و تسهیلات مسکن، قرض‌الحسنه و جامع) مدیریت مؤسسات اعتباری، استقرار حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری، رابطه مؤسسه اعتباری با سپرده‌گذاران، رابطه مؤسسه اعتباری با تسهیلات‌گیرندگان، پیشگیری از انباشت مطالبات غیرجاری، نظارت فعال بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها، مدیریت تعارض منافع، محرمانگی اسرار مؤسسه اعتباری و مشتریان، تأسیس نهادهای مکمل صنعت بانکداری مانند صندوق ضمانت سپرده‌ها، شرکت مدیریت دارایی‌ها، شرکت ارزشیابی دارایی و بدهی، قانون مؤسسات اعتباری و بازسازی و گزیر مؤسسات اعتباری و انحلال و تصفیه مؤسسات اعتباری پرداخته است.

تضمینی برای توسعه پایدار اقتصادی



محمد شیخ حسینی

مدیرعامل بانک توسعه تعاون

بانک توسعه تعاون با رویکردی نوآورانه به بانکداری اسلامی و ترویج اصول تعاون، فعالیت‌های گسترده‌ای برای تقویت فرهنگ تعاون و ارتقاء بخش تعاونی در امور اقتصادی انجام داده است. این بانک با ارائه خدمات مالی منطبق با اصول شرعی و برگزاری برنامه‌های آموزشی، تلاش داشته تا جایگاه خود را به عنوان یک نهاد کلیدی در ترویج بانکداری اسلامی و افزایش حمایت از بخش تعاون گسترش دهد.

تحقق بیشترین رشد شبکه بانکی

بانک توسعه تعاون به عنوان یکی از نهادهای پیشرو در بانکداری اسلامی، از ساختارهای مالی شرعی مانند عقود مشارکتی، مرابحه و اجاره به شرط تملیک استفاده می‌کند تا منابع مالی مورد نیاز برای پروژه‌های تعاونی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را فراهم سازد. این رویکرد، همسو با اصول اسلامی مانند عدم ربا، عدالت و شفافیت مالی است و به افزایش اعتماد عمومی و رونق توسعه اقتصادی کمک می‌کند. با توجه به مواردی که مطرح شد درصد تغییرات منابع، مصارف و مطالبات غیرجاری بانک توسعه تعاون با شبکه بانکی، نکاتی قابل تامل را آشکار می‌سازد. در سال ۱۴۰۲ منابع شبکه بانکی ۲۶ درصد رشد داشت اما منابع بانک توسعه تعاون با ۴۲/۵ درصد رشد همراه شد. بیشترین رشد شبکه بانکی در سال گذشته را بانک توسعه تعاون محقق ساخت. در این روند، رشد مصارف کل شبکه بانکی ۲۶ درصد بود، اما بانک توسعه تعاون توانست بیش از ۳۸ درصد رشد را به ثبت برساند. همچنین در خصوص تقویت رشد اقتصادی فعالان بخش تعاون، ارائه وام‌های کم بهره و تسهیلات مالی ویژه، با هدف افزایش حمایت از کسب‌وکارهای تعاونی مدنظر قرار گرفت. البته مشارکت فعال این بانک در نمایشگاه‌ها و سمینارها به معرفی خدمات، محصولات جدید و تقویت روابط میان اعضای بخش تعاون منجر شده است.

روند قابل توجه اعطای تسهیلات

اگرچه سهم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به

طرح‌های توسعه‌ای ۴ درصد بوده است، اما بانک توسعه تعاون به واسطه راهبرد توسعه‌ای و تعاونی ۳۳ درصد تسهیلات خود را به طرح‌های توسعه‌ای پرداخت کرد. براین اساس حدود ۶۰ درصد سپرده بانک از سوی تعاونی‌ها تأمین شد. البته ۳۳ درصد از این رقم مربوط به شرکت‌های تعاونی و ۳۵ درصد مربوط به اعضای تعاونی‌هاست. این در حالی است که تسهیلات پرداختی بانک توسعه تعاون نشان از آن دارد که ۳۰ درصد تسهیلات پرداختی به شرکت‌های تعاونی و ۳۶ درصد به تعاونگران و اعضای حقیقی شرکت‌های تعاونی پرداخت شده است.

همگام شدن در مسیر توسعه

از آنجاکه توسعه پایدار و افزایش مقاومت اقتصادی یکی از راهبردهای اساسی بانک توسعه تعاون به شمار می‌آید، این بانک به عنوان یک نمونه موفق در اجرای بانکداری اسلامی، به طور مداوم در تلاش است تا با به کارگیری دانش و فناوری‌های روز، به توسعه پایدار اقتصادی و ساماندهی چالش‌های اقتصادی کمک کند. در این روند همواره، تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در حمایت از بخش تعاون مد نظر قرار دارد. البته برای ارتقای بخش تعاون در اقتصاد ملی و در راستای عمل به شعار سال جاری، اختصاص ۸۰ هزار میلیارد ریال به طرح‌های تعاونی و توانمندسازی تعاونی‌ها عملیاتی خواهد شد. براین اساس، بانک توسعه تعاون با تمرکز بر اصول بانکداری اسلامی و ترویج فرهنگ تعاون، نقشی برجسته در توسعه اقتصادی و تقویت بخش تعاون ایفا کرده و گام‌های موثر دیگری نیز برخواهد داشت. همچنین با ادامه این رویکرد و تلاش‌های مستمر، می‌توان زمینه افزایش جهش اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های مالی قوی‌تر و شفاف‌تر برای فعالان بخش تعاونی را جامه عمل پوشاند. در مجموع تقویت فرهنگ تعاون، "تضمینی برای توسعه پایدار اقتصادی" خواهد بود. جا دارد دولت وفاق ملی بسترهای لازم برای تحقق افق آرمانی هدفگذاری سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون در اقتصاد ایران اسلامی را فراهم سازد.



عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

راه اندازی بازار توافقی از
ایجاد فشار مضاعف به
بازار ارز جلوگیری می کند



عبدالرضا مصری

سرپرست پژوهشگاه پولی و بانکی

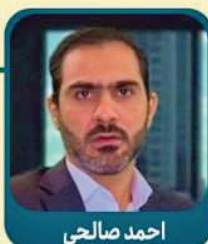
این بازار بازگشت درآمدهای
ارزی به چرخه اقتصاد را تسهیل
می کند و به تقویت تولید کمک
خواهد کرد



کوروش پرویزیان

کارشناس پولی و بانکی

خصوصی شدن اقتصاد و
کاهش تصدی گری دولت در
بخش تجارت از مهم ترین
مزیت های این بازار است



احمد صالحی

کارشناس بازارهای مالی

بازار ارز توافقی باعث بهبود
صادرات و افزایش سودآوری
شرکت های بورسی می شود



مصطفی صفاری



ایبنا
رسانه مرجع بانک مرکزی

بازار ارز توافقی از نگاه کارشناسان و فعالان اقتصادی



ایبنا
رسانه مرجع بانک مرکزی

تحلیلگر اقتصادی

با ایجاد بازار توافقی تامین
سرمایه در گردش
تولیدکنندگان تسهیل می شود
که این موضوع به رشد
اقتصادی می انجامد



حجت الله فرزانی

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق

راه اندازی بازار توافقی به معنای
حمایت از کسب و کارهای خرد است؛
بنابراین به حل مشکلات اقتصادی
کمک می کند



یحیی آل اسحاق

کارشناس مسائل اقتصادی

بازار توافقی زمینه ساز حضور
پررنگ تر فعالان اقتصادی و
ایجاد ثبات در بازار ارز است



رحمان سعادت

قائم مقام اسبق وزارت صمت

افزایش ارزآوری برای کشور و
تقویت ذخایر ارزی دستاورد
مهم بازار توافقی است



محمدصادق مفتاح

دبیر اتاق بازرگانی ایران و عراق

باتوجه به اینکه کشف قیمت در
تالار توافقی نزدیک ترین نرخ به
بازار آزاد است، شکاف بین قیمت
ها کاهش پیدا می کند



حمید حسینی

مرکز مبادلات ایران
Iran Center of Exchange



افزایش اعتبار بانک مرکزی انتظارات را مهار می کند

- اعتبار سیاست های بانک مرکزی در ایران، نحوه شکل گیری انتظارات، رقابت پذیری و... مسائل تعیین کننده در سیاست گذاری پولی محسوب می شود
- سیاست گذاران باید تلاش کنند مجموعه ای از سیاست ها را ایجاد کنند که عموم مردم به آن اعتماد داشته باشند
- وضعیت ترازنامه بانک ها بر مسیر تعیین نرخ سود، تامین اعتبار و کانال نرخ ارز تاثیرگذار است

دکتر "یوانا کوکورس"

استاد اقتصاد دانشگاه پیرئوس یونان



دکتر "یوانا کوکورس" استاد "نظریه و سیاست پولی" در دانشکده اقتصاد، تجارت و مطالعات بین الملل در دانشگاه پیرئوس یونان است. او دکترای خود را در رشته اقتصاد از دانشکده اقتصاد دانشگاه بیرمنگام انگلستان دریافت کرده است. تحقیقات او عمدتاً بر موضوعات مربوط به سیاست پولی و ثبات مالی، تأثیرات انتخاب تحت ابهام در عملکرد سیستم مالی و اجرای سیاست پولی و حاکمیت شرکتی در بخش بانکی متمرکز است. او تحقیقات خود را در کنفرانس های بین المللی در اروپا و آمریکا ارائه کرده است. در ژوئن ۲۰۱۷، جامعه بین المللی اقتصادی آتلانتیک (IAES) به او به دلیل مشارکت در تحقیقات، نشان علمی "عضو ماه IAES" را اعطا کرد.

وی همچنین سابقه تدریس در دانشگاه بیرمنگام انگلستان در رشته های اصول اقتصاد، اقتصادسنجی با کاربردهای مالی، نظریه ریسک، عدم قطعیت و سرمایه گذاری و اقتصاد محیط زیست را دارد. کتاب "سیاست پولی در اقتصادهای به هم وابسته"، از جمله آثار وی به شمار می رود که توسط انتشارات اسپرینگر منتشر شده است.

کتاب "سیاست پولی در اقتصادهای به هم وابسته" یک ارزیابی مجدد از رفتار سیاست پولی پس از بحران مالی جهانی بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ است و اشاره ویژه ای به سال های پس از دوران همه گیری کرونا (۲۰۲۰ تا کنون) دارد. یک رفتار سیاست پولی که به نظری می رسد شبیه کاستی های سیاست های "توقف" در دهه ۱۹۷۰ است، با تمام شباهت های اثرات



نامطلوب افزایش تورم و بهبود آهسته رشد. پیشنهاد اصلی بر تمرکز اصلی سیاست‌گذاران پولی در جلوگیری از غافل‌گیری در اجرای سیاست پولی است، تا محیطی مساعد برای تثبیت انتظارات تورمی با ثبات و اعتماد به ثبات سیستم مالی فراهم کند. در واقع این کتاب به بررسی چالش‌های پیش روی بانک‌های مرکزی پس از بحران مالی جهانی و رویدادهای پس از آن می‌پردازد. همچنین بر عدم تقارن در انتقال سیاست پولی در اقتصادهای منطقه یورو و در میان اقتصادهای بزرگ پیشرفته تاکید می‌کند. این کتاب همچنین پیشرفت‌ها در بحث سیاست پولی به سمت تخصیص کارآمد منابع را برجسته می‌کند.

مدل متعارف تثبیت اقتصاد کلان، که بار اصلی ثبات را به سیاست پولی اختصاص می‌دهد، اساساً به دلیل عدم وجود اصطکاک مالی منسوخ شده است. علاوه بر این، انجام فعالیت‌های مخاطره‌آمیز به خارج از محدوده مقررات در مواجهه با بازارهای مالی به سرعت در حال تحول، فوریت دارد. این کتاب یک چارچوب تحلیلی در زمینه تشدید جهانی شدن و افزایش وابستگی متقابل بین اقتصادها، صرفنظر از بررسی مجدد زنجیره تامین و روابط تجاری و همچنین چارچوبی سیاستی که پس از بحران مالی جهانی و بحران‌هایی که به طور کامل اصلاح شده است، ارائه می‌کند. همچنین این کتاب با ارائه پیشنهادی سیاستی، به این موضوع می‌پردازد که چگونه سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا مجموعه‌ای از سیاست‌ها را ایجاد کنند که عموم مردم به آن اعتماد داشته باشند و در شکل‌گیری انتظارات در مورد تورم و هزینه‌های آتی مورد توجه قرار دهند.

از آنجایی که ارزش پول ملی به دلیل کارکردهای خاص پول به عنوان وسیله پرداخت و تسویه بدهی، برعکس روند سطح عمومی قیمت است، این ارزش در قدرت خرید پول در اقتصاد داخلی منعکس می‌شود که در برخی مواقع فرسایش می‌یابد. افزایش تورم بر اثر رفتار سیاست پولی با یک تأخیر زمانی (که مربوط به بافت اقتصادی داخلی خاص و موقعیت یک کشور در بازارهای مالی و تجاری بین‌المللی است) در اقتصاد نفوذ می‌کند. بنابراین، تمرکز اصلی سیاست پولی در مدیریت انتظارات تورمی (میان مدت) با توجه به بافت اجتماعی-اقتصادی خاص هر کشور، از طریق طراحی و اجرای سیاست‌های پولی معتبر و یک سیستم مالی با ثبات است که ممکن است

وجوه را در یک کشور هدایت کند، روشی که به تخصیص مؤثر منابع کشور کمک می‌کند. وضعیت ترازنامه بانک‌ها (اعم از خصوصی و دولتی) بر مسیر تعیین نرخ بهره، استقرار و تأمین اعتبار و همچنین کانال نرخ ارز و در کنار آن نیز اتخاذ سیاست پولی به ویژه در اقتصادهای نوظهور تأثیری می‌گذارد. با این حال، برای سیاست‌گذاری عملی پولی که در ثبات ارزش پول ملی و جایگاه آن در بازارهای ارز اثر دارد (با تأثیر همزمان بر خالص صادرات)، مهم است بدانیم که سیاست پولی بر اقتصاد واقعی تأثیری می‌گذارد. برای اینکه بتوان جهت و قدرت اقدامات سیاستی را تعیین کرد، باید بدانیم که چرا اهمیت دارد و چگونه بر اقتصاد واقعی تأثیر می‌گذارد.

به نظر می‌رسد نمونه‌های موفق در احیاء ارزش پول ملی را بتوان در اقتصادهای آمریکای لاتین دنبال کرد. بیشتر اقتصادهای پیشرفته از تأمین نقدینگی گسترده برای مقابله با اثرات نامطلوب اقتصادی قرنطینه و شکست زنجیره تامین در طول شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ (طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۲) پرهیز کردند. بانک‌های مرکزی برزیل، شیلی، مکزیک، پرو و کلمبیا حتی در اوایل سال ۲۰۲۱ (به ویژه در برزیل) سریعاً نرخ‌های بهره را افزایش دادند و بنابراین پیامدهای میان مدت شوک تورم جهانی (که در بیشتر اقتصادهای پیشرفته در اواسط سال ۲۰۲۱ مشهود بود) را مهار کردند. با افت تورم در این کشورها از اواسط سال ۲۰۲۲، برزیل، شیلی و پرو از اواسط سال ۲۰۲۳ شروع به تعدیل سیاست خود با پیشبرد روند کاهش نرخ‌های بهره با تورم میان مدت کردند. در حالی که انتظارات تورمی میان مدت به خوبی در این منطقه ثابت مانده است.

برای ارائه نظری عمیق در مورد مسائل اقتصادی در ایران، من معتقدم که نیاز به بررسی گسترده‌تر و خاص‌تری از عوامل اجتماعی-اقتصادی است که مسائل اصلی را در طراحی سیاست‌های پولی مرتبط در ایران شکل می‌دهند. این موارد برای مثال شامل شکل‌گیری انتظارات عمومی و مشارکت‌کنندگان بازار مالی، اعتبار سیاست‌های بانک مرکزی، رقابت‌پذیری نه تنها در بخش‌های صنعتی سطح بالا، بلکه در بازارهای داخلی و بین‌المللی، ترجیحات بازار داخلی نسبت به کالاها و خدمات خارجی و داخلی، شدت عدم تقارن‌های منطقه‌ای از نظر عملکرد صنعتی/عملیاتی و سازماندهی تجاری در سطح کشور، می‌شوند.



سید محمد حسین عادلی، رییس کل اسبق بانک مرکزی
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

بانک مرکزی آرامش را به بازارها بازگرداند

- بانک مرکزی با توجه به چالش‌های ماه‌های اخیر، توانسته آرامش را به بازارها بازگرداند و سیاست‌ها موثر واقع شد
- ثبات بانک مرکزی باید حفظ شود و هر چه این بانک در وضعیت ثبات بیشتری قرار داشته باشد، به ثبات بازار نیز کمک خواهد کرد
- بانک مرکزی مانند آتش‌نشانی است که باید آتش را خاموش کند، اما ممکن است یک شیرگاز همچنان باز باشد
- کنترل تورم باید به صورت تدریجی انجام شود و هدف‌گذاری برای کاهش تورم نیز باید واقع‌گرایانه باشد
- بیشتر اقدامات منجر به افزایش نقدینگی و تورم، توسط دستگاه‌هایی غیر از بانک مرکزی و از طریق سیاست‌های مالی صورت می‌گیرد



اقتصاد کشور
ما به دلیل
مشکلات
متعدد و مزمن
به ویژه در یک
دهه گذشته
با چالش‌های
بزرگی روبرو
است

همانگونه که تمامی بانک‌های مرکزی در جهان، از حساس‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری و حفاظت از اقتصاد کشورها هستند، بانک مرکزی ایران نیز به عنوان یکی از نهادهای مهم و کلیدی سیاست‌گذاری شناخته می‌شود که تمامی تنظیمات مربوط به سیاست‌گذاری‌های پولی و ارزی کشور به منظور کنترل تورم، حفظ ارزش پول ملی و مدیریت کلان بر بانک‌ها را انجام می‌دهد. بانک مرکزی در دوره دو ساله اخیر با اجرای برخی سیاست‌های مشخص مانند تثبیت اقتصادی و کنترل ترازنامه بانک‌ها، گام‌های اساسی را در زمینه برقراری آرامش اقتصادی و تقویت پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی برداشت و با وجود تحولات و چالش‌های مهم سیاسی در ایران و منطقه، بانک مرکزی توانست با حفظ تعادل در نرخ‌ها، بازار ارز را از خطر جهش‌های سنگین قیمت‌ها دور نگاه دارد. حال در شروع به کار دولت چهاردهم، کنترل کل‌های پولی و اجرای سیاست‌های موثر پولی و ارزی، موثر واقع شده و تعادل در بازارها قابل لمس است. به منظور بررسی عملکرد بانک مرکزی در دوره اخیر با وجود چالش‌ها و مشکلات پیچیده سیاسی و امنیتی، با دکتر سید محمدحسین عادل، رییس کل اسبق بانک مرکزی در سال‌های ۶۸ تا ۷۳، گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

به نظر شما بزرگترین چالش و مسئله اقتصاد ما چیست و چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد که این چالش‌ها برطرف شود؟

اقتصاد کشور ما به دلیل مشکلات متعدد و مزمن، به ویژه در یک دهه گذشته، با چالش‌های بزرگی روبرو است. اما به نظر من، چالش فوری که نیاز به توجه دارد، موضوع تورم است. متأسفانه، تورم در کشور ما به یک پدیده مزمن تبدیل شده است. این وضعیت نه تنها معیشت مردم را به خطر انداخته، بلکه ثبات اقتصادی را نیز خدشه دار کرده است. وقتی ثبات اقتصادی از بین می‌رود، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و در نتیجه، اشتغال به اندازه کافی ایجاد نمی‌شود. بدون اشتغال، درآمد مردم کاهش می‌یابد و این امر به فقر بیشتر

منجر می‌شود. در سال‌های اخیر، شاهد تنزل طبقات اجتماعی هستیم. اگر طبقات اجتماعی را به سه دسته پایین، متوسط و بالا تقسیم کنیم، می‌بینیم که طبقات متوسط به پایین و پایین‌تر تنزل پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، متوسط تورم در ۶ سال اخیر ۴۴ درصد بوده است، به این معنی که قیمت‌ها هر یک سال و نیم دو برابر شده است، در حالی که قدرت خرید مردم به این سرعت افزایش نمی‌یابد، این وضعیت فشار اقتصادی را بر مردم افزایش می‌دهد و نابسامانی‌هایی را به وجود می‌آورد. نکته‌ای که باید در کنار تورم به آن اشاره کرد، تنزل ارزش پول است. کاهش ارزش پول باعث می‌شود مردم به دنبال تبدیل آن به دارایی‌های دیگر مانند دلار، طلا، خانه یا سایر کالاهای با دوام باشند. این امر منجر به ایجاد تقاضای کاذب و افزایش بیشتر تورم می‌شود. بنابراین، یکی از فوری‌ترین اقدامات، کنترل تورم است. کنترل تورم باید به صورت تدریجی انجام شود و هدف‌گذاری برای کاهش تورم باید واقع‌گرایانه باشد، به عنوان مثال، کاهش آن به کانال ۳۰ درصد، می‌تواند گام موثری باشد. اگر بتوانیم تورم را از ۵۲ درصد سال ۱۴۰۳ به عددی بین ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش دهیم، این امید را ایجاد می‌کند که این روند ادامه داشته باشد و خود نشانه‌ای مثبت برای بازار خواهد بود و انتظارات تورمی را معکوس می‌کند. بنابراین باید گفت مهم‌ترین مشکل ما مسئله تورم و کاهش ارزش پول است که بانک مرکزی مسئولیت اصلی درمان آن را بر عهده دارد، هر چند که مسئولیت ایجاد آن به عهده بانک مرکزی نیست.

چه عواملی سبب شده، تا این همه سال اقتصاد ما درگیر تورم‌های بالا باشد؟

عوامل مؤثر بر تورم را می‌توان به دسته‌های مختلفی تقسیم کرد. یکی از این دسته‌ها، عواملی است که به بانک مرکزی ارتباط دارد، از جمله پایه پولی و نقدینگی. افزایش نقدینگی و بالا رفتن پایه پولی به طور مستقیم به ایجاد تورم منجر می‌شود. با این حال، باید توجه داشت که افزایش نقدینگی نتیجه سیاست‌ها و اقداماتی است که تنها از بانک مرکزی سر نمی‌زند، بلکه بیشتر اقدامات منجر به افزایش نقدینگی و تورم توسط دستگاه‌های دیگر مخصوصاً عوامل سیاست‌های مالی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، بانک مرکزی مانند

وقتی ثبات
اقتصادی از
بین می‌رود
سرمایه‌گذاری
کاهش می‌یابد
و در نتیجه
اشتغال به
اندازه کافی
ایجاد نمی‌شود

سنگین می‌بینند و از آن راضی نیستند. این عدم اعتماد و شکاف بین دولت و ملت، به کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود. در نهایت، این چرخه معیوب که شامل کاهش درآمدها، افزایش هزینه‌ها و کسری بودجه است، باید متوقف شود. برای این کار، باید درآمدها را افزایش دهیم و این امر می‌تواند از جمله از طریق بهبود روابط با کشورهای دیگر و اصلاحات اقتصادی حاصل شود. با درمان تدریجی این مسائل، می‌توانیم به کنترل تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کنیم.

بانک مرکزی در حوزه اختیارات خود اقداماتی از جمله کنترل ترانزنامه بانک‌ها، تلاش برای برقراری آرامش در بازار ارز و ... را انجام داده است. این اقدامات تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد و اثرات منفی تورم را در اقتصاد کاهش دهد؟

همه اینها سیاست‌های خوبی است، اما در عمل همیشه پایدار نیستند. برخی از این سیاست‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت اثرات مثبتی داشته باشند، اما در عمل با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، طبق آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی، بین خرداد ۱۴۰۲ تا خرداد ۱۴۰۳، بدهی بخش دولتی ۴۴ درصد و سپرده‌های بخش دولتی ۳۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش نشان‌دهنده این است که بخش دولتی همچنان به بدهی‌های خود افزوده و در واقع وضعیت مالی‌اش بهبود نیافته است. همچنین، بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها از ۵۲ هزار میلیارد تومان در خرداد ۱۴۰۲ به ۶۹ هزار میلیارد تومان در خرداد ۱۴۰۳ رسیده که معادل ۳۱ درصد افزایش است. کنترل ترانزنامه بانک‌ها به معنای افزایش سپرده‌ها و کاهش مطالبات یا بدهی‌های بخش دولتی و غیردولتی است. اما این کار به دلیل وجود قوانین و تکالیف قانونی دشوار است. به عنوان مثال، در قانون بودجه ۱۴۰۳، بانک‌ها موظف به اعطای ۱۰۰ هزار میلیارد تومان قرض الحسنه برای حساب عدالت و پیشرفت و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات دیگر شده‌اند. این در حالی است که ۲۹۶ هزار میلیارد تومان نیز قرار است به عنوان اوراق مالی صادر شود

آتش‌نشانی است که باید آتش را خاموش کند، اما ممکن است یک شیر گاز همچنان باز باشد و شعله را افزایش دهد. این شیر گاز به عوامل اقتصادی بیرونی مربوط می‌شود که اصل و ریشه آن به سیاست‌های مالی و بودجه کشور برمی‌گردد. نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی در کشور بر این سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد. هزینه‌های حکمرانی باید با درآمدها ارتباط داشته باشد. یکی از مشکلات ما همین فقدان رابطه بین هزینه و درآمد است. اگر یک خانواده یا بنگاه اقتصادی نتوانند هزینه‌های خود را با درآمدهایشان هماهنگ کنند، به مشکلات جدی دچار خواهند شد. در کشور ما، هزینه‌های دستگاه‌ها و سازمان‌های دارای بودجه را هر سال افزایش می‌دهیم، در حالی که درآمدها به دلایل مختلف ممکن است ثابت یا کاهش یابد. این ناترازی یک ناترازی کلیدی است که باعث بروز تورم و مشکلات اقتصادی می‌شود. بودجه دولت باید به گونه‌ای مدیریت شود که هزینه‌ها با درآمدها هماهنگ باشد. به عنوان مثال، اگر یک خانوار با درآمد ماهیانه ۲۰ میلیون تومان، به ناگاه با کاهش درآمد مواجه شود، باید هزینه‌های خود را کاهش دهد. در کشور ما نیز باید به همین شکل فکر کنیم و هزینه‌های غیرضروری و موازی را شناسایی و کاهش دهیم. اصلاح ساختار بودجه به معنای مدیریت مؤثر هزینه‌هاست. عوامل غیراقتصادی، به ویژه روابط خارجی، نیز نقش مهمی در وضعیت اقتصادی کشور دارند. هیچ کشوری نمی‌تواند بدون ارتباطات سالم و همکاری با دیگر کشورها، وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشد. هزینه‌های مبادلاتی ناشی از تنش در روابط بین‌المللی، بار مالی سنگینی بر دوش کشور می‌گذارد. بر اساس پژوهش‌ها، هزینه‌های مبادلاتی ممکن است تا ۳۰ درصد از حجم مبادلات را شامل شود. به عنوان مثال، در سال ۱۴۰۲، حجم واردات و صادرات ما حدود ۱۵۰ میلیارد دلار بوده که ۳۰ درصد آن، معادل ۵۰ میلیارد دلار، هزینه‌های ناشی از تنش‌های بین‌المللی است. مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد، شکاف اجتماعی و عدم اعتماد مردم به دولت است. سرمایه اجتماعی به معنای اعتماد مردم به سیاست‌های دولت و همکاری با آنهاست. وقتی مردم احساس کنند که سیاست‌ها به نفع آنها نیست، این شکاف افزایش می‌یابد. بسیاری از مردم مالیات را به عنوان یک بار

کاهش ارزش پول باعث می شود مردم به دنبال تبدیل آن به دارایی های دیگر مانند دلار طلا، خانه یا سایر کالاهای بادوام باشند

که در نهایت بانک ها باید بخشی از این اوراق را خریداری کنند، حتی اگر مردم نیز اوراق را بخرند پول ها در نهایت از سپرده های بانکی می آید و این امر به معنای تحمیل بار مالی بیشتر بر دوش بانک ها است.

سیاست های پولی باید به گونه ای طراحی شوند که بانک مرکزی بتواند به طور مؤثر آنها را اجرا کند. در عین حال، این سیاست ها باید با شرایط اقتصادی موجود همخوانی داشته باشند. اگر بانک مرکزی به طور محکم و بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی عمل کند، ممکن است رکود ایجاد شود. به عنوان مثال، زمانی که جلوی ثبت سفارش ها گرفته شد، شایعانی مبنی بر کمبود ارز و کنترل های شدید به وجود آمد که منجر به کاهش واردات مواد اولیه و افزایش بیکاری شد. این در حالی است که تلاش برای کاهش نقدینگی به منظور کنترل تورم، در نهایت به افزایش قیمت ها منجر شد. همان پدیده ای که به رکود تورمی مشهور است. رئیس کل بانک مرکزی مسئولیت اصلی را در این زمینه بر عهده دارد. در شرایطی که نرخ ارز یا تورم بالا می رود، او به عنوان مسئول اصلی مورد انتقاد قرار می گیرد. بنابراین، او باید اختیارات لازم را برای مانور در شرایط مختلف داشته باشد و بتواند کنترل های لازم را اعمال کند. این کنترل ها ساده نیستند و ممکن است عواقب منفی نیز به همراه داشته باشند.

مرکز مبادله ارز اقدام خوبی است، اما باید به سمتی برود که نرخ ها واقعی تر شوند. مرکز مبادله ای که تحت محدودیت های اداری قرار دارد، نمی تواند به بهبود نرخ ارز کمک کند. فاصله زیاد بین نرخ ارز آزاد و نرخ مرکز مبادله، مانع از عملکرد مؤثر این مرکز می شود. بنابراین، باید به تدریج دخالت های دستوری کاهش یابد. در نهایت، سیاست کلی بانک مرکزی باید بر هدف گذاری برای کنترل تورم متمرکز باشد. این سیاست می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند، اما نیاز به پایداری و استمرار دارد. با اجرای تدریجی این سیاست ها و کاهش فاصله بین نرخ های مختلف، می توان به تدریج اثرات مثبت را در اقتصاد کشور مشاهده کرد.

در طول سال های گذشته شاهد بودیم که اتفاقات سیاسی به سرعت بر اقتصاد ما تأثیر می گذاشت و جو جامعه و تنش های ایجاد شده باعث

می شد نرخ ارز به صورت غیرعلمی و به سرعت تغییر کند. اما در چند ماه اخیر، با وجود چالش های منطقه ای، سقوط بالگرد رئیس جمهور و تنش های اخیر با رژیم صهیونیستی، تأثیرات قابل توجهی بر قیمت ها، به ویژه قیمت ارز مشاهده نکردیم. نقش مدیریت بانک مرکزی را در کنترل این انتظارات و اثرات منفی تاجه اندازه می دانید؟

قضاوت در این زمینه کمی دشوار است. مهم ترین اتفاقاتی که در یک سال و نیم اخیر رخ داده، افزایش فروش نفت و درآمدهای کشور بوده است. وقتی درآمدها افزایش می یابد، کسری بودجه کاهش پیدا می کند و این امر منجر به افزایش واردات و عرضه کالاهای می شود که در نهایت به کاهش قیمت ها کمک می کند. این عوامل رانمی توان نادیده گرفت. از سوی دیگر، اخبار مثبت نیز تأثیرگذار بوده اند. به عنوان مثال، قبل از انتخابات و در زمان مذاکرات، امیدواری هایی در بازار ایجاد شد. بازار به طور طبیعی به اخبار سیاسی واکنش نشان می دهد و معمولاً به درستی تشخیص می دهد که یک خبر کوتاه مدت یا بلندمدت است. اگر بازار ببیند که یک چالش یا تنش کوتاه مدت است و در بلندمدت بهبودهایی وجود دارد، انتظارات مثبت را تقویت می کند. به طور کلی، ارزیابی من این است که اتفاقات اخیر و افزایش درآمدها در کنترل تورم مؤثر بوده اند. همچنین، مدیریت بانک مرکزی نیز در این زمینه نقش داشته است.

هدف گذاری برای کنترل تورم و توجه به ترانزنامه بانک ها از جمله اقداماتی است که بانک مرکزی در این راستا انجام داده است. هر چند که ما از بانک مرکزی توقع نداریم که همه مشکلات را به طور کامل حل کند، اما توجه به این مسائل در مسیر درستی قرار دارد و بانک مرکزی با توجه به چالش های ماه های اخیر، توانسته است آرامش را به بازارها بازگرداند و سیاست ها موثر واقع شود.

با این حال، اگر به نوسانات نرخ ارز در ۲۰ سال اخیر نگاه کنیم، متوجه می شویم که نوسانات به طور معمول شامل دوره های سرکوب نرخ ارز و سپس افزایش ناگهانی آن بوده است. در حال حاضر، اگرچه در دوره ای از آرامش





صورت اجرای واقعی‌تر، چه کمکی به وضعیت اقتصادی کشور خواهد کرد؟

این نوع موافقتنامه‌های پولی با کشورهای همسایه به عنوان یک مُسکن عمل می‌کند و می‌تواند درمانی کوتاه‌مدت باشد. به ویژه، اتصال تقاضا برای خدمات و خرید کالاها به پول‌های ملی کشورها می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند. اما باید توجه داشت که این راهکارها به تنهایی کافی نیستند. تجارت با پول ملی هزینه‌های خاص خود را دارد. کیفیت کالاها، شیوه‌های تجاری و نیاز به دریافت پول نقد جهانی از جمله چالش‌هایی هستند که باید در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، آیا ما حاضر هستیم نفت خود را به کشوری مانند سریلانکا بدهیم و در عوض جای دریافت کنیم؟ در حالی که در بازار جهانی، نفت معمولاً با بهترین ارزها معامله می‌شود، این نوع مبادلات ممکن است برای ما به صرفه نباشد. شرکت‌های دولتی و خصولتی پتروشیمی ما نیز معمولاً تمایل دارند

قرار داریم، نمی‌توانیم به طور قطع بگوییم که این آرامش فقط نتیجه مدیریت فعلی است. اما بازار به طور کلی متوجه وجود یک پارادایم مثبت در بانک مرکزی شده است که به دنبال کنترل نوسانات است، هرچند که هنوز با استقلال مطلوب فاصله دارد.

بانک مرکزی در زمینه سیاست خارجی اختیارات محدودی دارد، اما تلاش‌هایی در این راستا صورت گرفته است. سفر اخیر آقای فرزین به روسیه و انعقاد پیمان‌های پولی با کشورهای همسایه، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند که هدف آنها کاهش هزینه‌ها و تسهیل تجارت است. به طور کلی، نظر شما در خصوص این پیمان‌ها چیست و تا چه اندازه می‌توان آنها را به کشورهای همسایه گسترش داد و در



مهم‌ترین
مشکل ما
مسئله تورم و
کاهش ارزش
پول است که
بانک مرکزی
مسئولیت
اصلی درمان آن
را برعهده دارد

که محصولات خود را با ارز جهانی بفروشند. به عنوان مثال، اگر با پتروشیمی‌ها مذاکره کنید، احتمالاً آنها تمایلی به فروش محصولات خود به صورت مبادله‌ای با کالاهای دیگر نخواهند داشت و ترجیح می‌دهند ارز جهانی دریافت کنند. بنابراین، این نوع توافق‌ها می‌توانند در کوتاه‌مدت مفید باشند و به تسهیل تجارت کمک کنند، اما نباید فراموش کنیم که اینها راه حل‌های اصلی نیستند. ما باید به تصمیم‌گیران اصلی کشور اطلاع دهیم که این توافقات تنها یک مُسکن هستند و برای حل مشکلات اقتصادی، نیاز به تصمیمات بنیادی و استراتژیک داریم.

با توجه به اینکه دولت جدید کار خود را آغاز کرده، چه توصیه‌ای به این دولت دارید تا مشکلات اقتصادی را بهبود بخشد و کدام اقدامات انجام‌شده در دوره اخیر، به ویژه در بانک مرکزی، باید در دولت چهاردهم پیگیری شود؟

یکی از نکات مهمی که باید به آن توجه شود، تفاوت بین دو واژه "تثبیت" و "ثبات‌سازی" است. مهم‌ترین کاری که دولت آینده می‌تواند انجام دهد، ایجاد ثبات است، نه تثبیت. ما نیازی به تثبیت نداریم، زیرا در تمام دوره‌های بعد از انقلاب، همواره به دنبال تثبیت بوده‌ایم و هیچ‌گاه به نتیجه مطلوب نرسیده‌ایم. در مقابل، ثبات‌سازی به معنای ایجاد آرامش و پایداری در اقتصاد است. به عنوان مثال، نیازی نیست که نرخ ارز یا نرخ سود را به طور ثابت نگه داریم، بلکه باید شرایطی فراهم کنیم که این

نرخ‌ها به ثبات برسند. اگر بخواهم نظر خود را در یک جمله بیان کنم، انتظار من این است که دولت با شناختی که از شرایط فعلی اقتصاد دارد و با توجه به اینکه مسئولان دو دستگاه کلیدی یعنی وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه، از اقتصاددانان هستند، تلاش کنند تا بانک مرکزی از ثبات نسبی خود خارج نشود و این ثبات ادامه یابد. هر چه بانک مرکزی در وضعیت ثبات بیشتری قرار داشته باشد، به ثبات بازار نیز کمک خواهد کرد. ثبات وانسجام تصمیمات بانک مرکزی به خود بانک مرکزی نیز کمک می‌کند. بنابراین، مسئولان بانک مرکزی، اعم از شورای فقهی و هیات عالی، باید دست به دست هم دهند تا این ثبات حفظ شود و اجازه ندهند که این ثبات به دلیل عوامل مختلف، از جمله مسائل سیاسی و اداری، مختل شود.

ما باید با ناترازی‌های موجود آشنا باشیم و برخی از آنها را به تدریج تعدیل کنیم. البته منظور من این نیست که به کارهای کوچک و کم قانع باشم، بلکه باید به طور تدریجی و آرام این کارها انجام شود. به عنوان مثال، مسئولان اقتصادی باید متعهد شوند که فشار کمتری به بانک مرکزی وارد کنند، حتی اگر این به معنای ایجاد مشکلاتی در بخش‌های دیگر باشد. اگر فشارها و تکالیف به بانک مرکزی کاهش یابد و تورم به کانال ۳۰ درصد برسد، این ۱۰ درصد کاهش می‌تواند به قدرت خرید مردم کمک کند. سوابق نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته، کشور توانسته است تورم را به زیر ۲۰ درصد برساند، هرچند که این وضعیت پایدار نبوده است. اما با کاهش تحمیل‌ها به بانک مرکزی، می‌توانیم به این هدف دست یابیم.

برش



دلایل ادامه ناترازی که به تورم ختم می‌شود

در کشور ما، هزینه‌های دستگاه‌ها و سازمان‌های دارای بودجه را هر سال افزایش می‌دهیم، در حالی که درآمد‌ها به دلایل مختلف ممکن است ثابت بمانند و یا کاهش یابد. این ناترازی یک ناترازی کلیدی است که باعث بروز تورم و مشکلات اقتصادی می‌شود. بودجه دولت باید به گونه‌ای مدیریت شود که هزینه‌ها با درآمد‌ها هماهنگ باشد. به عنوان مثال، اگر یک خانوار با درآمد ماهیانه ۲۰ میلیون تومان، به ناگاه با کاهش درآمد مواجه شود، باید هزینه‌های خود را کاهش دهد. در کشور ما نیز باید به همین شکل فکر کنیم و هزینه‌های غیرضروری و موازی را شناسایی و کاهش دهیم. اصلاح ساختار بودجه به معنای مدیریت مؤثر هزینه‌هاست.

۲۰



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

محسن سیفی، مدیرعامل بانک صادرات ایران در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

بانک مرکزی اثر مسائل سیاسی بر اقتصاد را مهار کرد

- یکی از اتفاقات مثبت در ساختار حاکمیت پولی اقتصاد ایران در چند سال گذشته، کنترل نقدینگی بوده است
- گام دوم بانک مرکزی باید هدایت نقدینگی موجود به سمت تولید باشد تا ناترازی بین عرضه و تقاضا در اقتصاد ایران برطرف شود
- یکی از ریشه‌های جدی ناترازی، توقعات حاکمیت، دولت و نهادهای مختلف از شبکه بانکی است
- حل مسئله ناترازی بانک‌ها ابزارهای مختلفی دارد که فراتر از بانک مرکزی و حتی دولت باید به آن پرداخته شود
- اثر ساماندهی موسسات مالی ناتراز در حوزه پولی و اقتصاد کشور قابل کتمان نیست و یکی از اصلی‌ترین نتایج آن، کنترل نقدینگی و ناترازی در اقتصاد کشور است

۲۱



اقتصاد

• شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ •



یکی از تغییرات مهمی که باید در ساختار حاکمیت پولی ایران رخ دهد، این است که نگاه و توقع ما از شبکه بانکی باید متناسب با واقعیت‌های آن باشد

رفع ناترازی بانک‌ها یکی از چالش‌های اساسی نظام مالی هر کشور به شمار می‌آید که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ثبات اقتصادی و عملکرد کلی بازارهای مالی داشته باشد. ناترازی بانک‌ها به معنای عدم تعادل در دارایی‌ها و بدهی‌های آنهاست که می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله عدم مدیریت مناسب ریسک، نوسانات اقتصادی و تحولات سیاسی باشد. در این راستا، اقدامات بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و سیاست‌گذار مالی، نقش حیاتی در بهبود وضعیت بانک‌ها و رفع ناترازی آنها ایفا می‌کند. بانک مرکزی با اتخاذ تدابیر مناسب می‌تواند به بهبود وضعیت بانک‌ها و رفع ناترازی آنها کمک کند. سیاست‌گذار پولی در دوره اخیر سه اقدام کلیدی را در راستای رفع ناترازی بانک‌ها به انجام رسانده که شامل افزایش نظارت بر بانک‌ها و تنظیم‌گری نظام بانکی، کنترل مقداری ترازنامه و تعیین تکلیف و انحلال مؤسسات ناتراز بوده است. در همین زمینه با دکتر محسن سیفی، مدیرعامل بانک صادرات ایران به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

نرخ رشد نقدینگی در یک و نیم سال گذشته روند نزولی خوبی داشته و کاهش آن از سطوح ۴۰ درصد در سال ۱۴۰۰ به کانال ۲۰ درصد نشان‌دهنده تلاش‌های مؤثر در کنترل کل‌های پولی است. در اسفند، نرخ رشد نقطه به نقطه ۲۴٫۳ درصد و در فروردین به کانال ۲۳ درصد رسید. آیا این تغییرات می‌تواند نشانه‌ای از بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فشارهای تورمی باشد؟

یکی از اتفاقات مثبت در ساختار حاکمیت پولی اقتصاد ایران در چند سال گذشته، کنترل نقدینگی بوده که گام اول در کنترل و هدایت نقدینگی به سمت اهداف مناسب و هدفمند محسوب می‌شود. در ده گذشته، با چالش‌هایی مانند ناترازی شبکه بانکی و رشد قابل ملاحظه نقدینگی در اقتصاد ایران مواجه بودیم. این اصلاحات، بخشی از ضرورت‌های اصلی ساختار پولی کشور به شمار می‌آید که

در سال‌های اخیر به نحو مطلوبی انجام شد و بانک مرکزی توانست بخشی از خلق نقدینگی در اقتصاد ایران را کنترل و مدیریت کند. اثر اصلی این کنترل در حوزه تورم به عنوان یکی از چالش‌های اصلی کشور نمایان شده و نقدینگی، از عوامل اثرگذار آن به شمار می‌رود، زیرا بخش عمده‌ای از تورم، پولی است. بنابراین، کنترل نقدینگی می‌تواند به طور قابل توجهی به کنترل تورم کمک کند. با این حال، میزان نقدینگی موجود در اقتصاد ایران نیز قابل توجه است و به نظریه رسد گام دوم بانک مرکزی باید هدایت این نقدینگی به سمت تولید و تقویت عرضه باشد تا ناترازی بین عرضه و تقاضا در اقتصاد ایران که به واسطه خلق نقدینگی به وجود آمده است، جبران شود و به فضای ثبات دست یابیم.

کاهش رشد نقدینگی می‌تواند به کاهش حجم تسهیلات اعطایی منجر شود، اما این موضوع نباید منجر به محدودیت بخش مولد شود. به عنوان یکی از مدیران شبکه بانکی دیدگاه‌تان در خصوص هدفمند کردن تخصیص تسهیلات چیست و نظام بانکی کشور به کدام سمت باید حرکت کند؟

مشکل اصلی در اقتصاد ایران، حجم بالای تقاضای نقدینگی است و توقعات مردم، دولت و حاکمیت از بانک‌ها به طور کلی نادرست است. ما می‌خواهیم تمام تعهدات دولت و برخی مسائل اجتماعی را با منابع شبکه بانکی حل کنیم. اولین گام در راستای هدفمند کردن برخی از تسهیلات و اصلاح ناترازی و نقدینگی در اقتصاد ایران، اصلاح و مدیریت درست توقعات از بانک‌ها و تأمین مالی است. به عنوان مثال، بخشی از تسهیلات تکلیفی و تبصره‌هایی که در قانون بودجه پیش‌بینی شده، بار سنگینی از ناترازی بودجه خانوار را بر دوش بانک‌ها می‌گذارد. یکی از تغییرات مهمی که باید در ساختار حاکمیت پولی ایران رخ دهد، این است که نگاه و توقع ما از شبکه بانکی باید متناسب با واقعیت‌های آن باشد. باید انتظارات ما از تأمین مالی و موضوعات مختلف، از جمله تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ها، با آنچه در شبکه بانکی وجود دارد، همخوانی داشته باشد. نکته دوم این است که باید



فرهنگ‌سازی برای تأمین مالی غیر نقدی را در این مسیر تقویت کنیم که شامل فرهنگ‌سازی در زمینه زنجیره تأمین است. اگر بتوانیم در ساختار حاکمیت پولی ایران، ابزارهای جدید و جذاب‌تری ایجاد کنیم، می‌توانیم بخشی از تسهیلات را به سمت مصرف صحیح هدایت کنیم و همچنین ناترازی شبکه بانکی را جبران کنیم که در نهایت به کنترل تورم در اقتصاد ایران منجر خواهد شد.

**یکی از چالش‌های اساسی
نظام بانکی کشور رفع ناترازی
بانک‌هاست، بانک مرکزی
سیاست‌هایی را در دوره اخیر
اعمال کرده که کنترل مقداری
ترازنامه یکی از این اقدامات
بوده است، این سیاست را
چقدر در رفع ناترازی‌ها موثر
می‌دانید؟**

یکی از راه‌های کنترل ناترازی و عدم تعادل در شبکه بانکی، استفاده از ابزارهای مناسب است. با این حال، واقعیت این است که اقتصاد ایران بیش از یک دهه با ناترازی شبکه بانکی مواجه بوده و این مشکل در سال‌های اخیر به وضوح بیشتر شده است. باید ریشه‌ها و دلایل ایجاد این ناترازی را شناسایی کنیم و به دنبال راه‌حل‌هایی برای رفع آن باشیم. این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه درک درستی از اثرات ناترازی برای تمام ارگان حاکمیت و جامعه ایجاد کنیم. به نظر می‌رسد بسیاری از بخش‌های مردم، دولت و حاکمیت اثرات واقعی این ناترازی را درک نکرده‌اند. تبیین اثرات ناترازی که نهایتاً منجر به ایجاد تورم می‌شود، باید به درستی انجام شود تا راه‌های مختلفی که برای رفع این ناترازی در اختیار سیاست‌گذاران پولی قرار می‌گیرد، قابل درک‌تر باشد. در غیر اینصورت، ممکن است

اعتقادات و شبهاتی نسبت به این ابزارها ایجاد شود. به رغم اینکه کنترل نقدینگی یک سیاست مناسب بوده، انتقاداتی به آن وارد است که ممکن است مانع تسهیلات‌دهی برخی از بانک‌ها شود و تولیدکنندگان نسبت به این مسئله اعتراض داشته باشند. اما این ابزار باید در کنار سایر ابزارها در اقتصاد ایران مورد توجه قرار گیرد. پیش‌زمینه این موضوع، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب است. وقتی ناترازی در شبکه بانکی وجود دارد و این حجم نقدینگی، ناترازی را افزایش می‌دهد، بانک مرکزی باید این ناترازی را جبران کند. وقتی اضافه‌برداشت از بانک مرکزی اتفاق می‌افتد، پول پُر قدرت به جامعه تزریق می‌شود و عملاً خلق نقدینگی می‌کنیم. نقدینگی که در اقتصاد ایران ایجاد می‌شود، منجر به افزایش تقاضا شده و اقتصاد ایران در آن شرایط نمی‌تواند کالا را تأمین و تولید کند و این مازاد تقاضا در اقتصاد ایران، منجر به تورم می‌شود. باید درک کنیم که این ناترازی نهایتاً منجر به ایجاد تورم می‌شود و اگر می‌خواهیم تورم را کنترل کنیم، گام اول کنترل ناترازی است. یکی از ریشه‌های جدی ناترازی، توقعات حاکمیت، دولت و نهادهای مختلف از شبکه بانکی است. این توقعات در قالب‌های مختلفی ایجاد می‌شود، از جمله تسهیلات تکلیفی که بیشتر از توان بانک‌هاست و به عهده بانک‌ها گذاشته شده است. ما در شرایطی قرار داریم که اقتصاد را بانک‌محور کرده‌ایم و تأمین مالی بخش عمده‌ای از خانوارها، تولیدات و زیرساخت‌ها به عهده بانک‌هاست. در حال حاضر، بانک‌ها توانمندی و قدرت تأمین مالی لازم را ندارند. بخشی از این ناترازی به ناترازی بودجه خانوار برمی‌گردد که توقعات تأمین مالی از سوی خانواده‌ها ایجاد می‌کند و ممکن است بانک‌ها را نزد مردم ناراضی کند. بخش دیگری که سیاست‌گذاران باید به آن

تبیین اثرات
ناترازی که
نهایتاً منجر
به ایجاد تورم
می‌شود، باید به
درستی انجام
شود تا راه‌های
مختلفی که
برای رفع
این ناترازی
در اختیار
سیاست‌گذاران
پولی قرار
می‌گیرد، قابل
درک‌تر باشد



یکی از
جدی ترین
ابزارهایی که
بانک مرکزی
و شبکه بانکی
کشور باید در
سال های آتی
برای مقابله با
ناترازی به آن
توجه کنند،
استفاده از
ابزارهای تأمین
مالی غیرنقدی
و مدل های
زنجیره تأمین
است

توجه کنند، دارایی هایی است که به بانک ها به بهانه های مختلف واگذار شده و منجر به ایجاد این ناترازی شده است. بدهی های دولت به شبکه بانکی در قالب دارایی هایی مانند ساختمان ها و شرکت های واگذار شده، عملاً جریان وجه نقد را از شبکه بانکی خارج کرده و چرخه پولی که از بانک خارج شده، در قالب وجه نقد به شبکه بانکی برگشته است. بخشی از مطالبات نیز مربوط به وصولی هایی است که بانک ها از طلبکاران خود داشته اند و بخشی دیگر مربوط به توقعات حاکمیت یا دولت از شبکه بانکی است. به عنوان مثال، واگذاری یک مؤسسه یا مدیریت بحران های اجتماعی به بانک ها، به دارایی های بانک ها افزوده و جریان وجه نقد را از بانک خارج کرده و قدرت تسهیلات دهی بانک ها را کاهش می دهد و عملاً به ناترازی کمک می کند. حل مسئله ناترازی بانک ها ابزارهای مختلفی دارد که فراتر از بانک مرکزی و حتی دولت باید به آن پرداخته شود. کنترل ترانزانه یکی از این ابزارهاست که اقدام درستی بوده، اما اگر در کنار سایر ابزارها از آن استفاده نشود، ممکن است نارضایتی هایی در شبکه بانکی و جامعه نسبت به بانک مرکزی و بانک ها ایجاد کند. به طور کلی، به نظر می رسد باید از تمام ابزارها برای رفع ناترازی شبکه بانکی استفاده کنیم.

بانک مرکزی باید چه سیاست هایی را دنبال کند که بانک ها به سمت ناترازی حرکت نکنند. اقدامات پیشگیرانه در بروز ناترازی بانک ها چه باید باشد؟

یکی از جدی ترین ابزارهایی که بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور باید در سال های آتی برای مقابله با ناترازی به آن توجه کنند، استفاده از ابزارهای تأمین مالی غیرنقدی و مدل های زنجیره تأمین است. جذاب کردن این ابزارها، طراحی ابزارهای مناسب و تسهیل این موضوعات برای مصرف کنندگان، تولیدکنندگان و شبکه بانکی ضروری است. همچنین، اگر نیاز باشد، باید در بازار سرمایه نیز از این ابزارها استفاده شود. تعامل با بازار سرمایه یکی از مهم ترین موضوعاتی است که در دوره یکی از حکمرانی پولی باید به آن پرداخته شود. موضوع دیگری که باید به آن توجه شود، مدل کسب و کار بانکی است. یکی از ریشه های ناترازی در اقتصاد ایران، مدل کسب و کار

بانکی است. بهای تمام شده پول در بانک ها نسبت به نرخ مؤثر تسهیلات، جذابیتی برای بانک ها ایجاد نمی کند و به همین دلیل، این کسب و کار برای آنها جذاب نخواهد بود. برخی از بانک های کشور به دلیل این وضعیت، دچار زیان عملیاتی هستند. زمانی که این کسب و کار برای شبکه بانکی جذاب نشود، سهامداران، مشتریان و بانکداران ناراضی خواهند بود. در کنار استفاده از ابزارهای تأمین مالی غیرنقدی که به کاهش ناترازی کمک می کند، به نظر می رسد بانک مرکزی یا حکمرانی پولی باید سیاست هایی را به کار گیرد تا مدل کسب و کار بانک ها اصلاح شود و برای بانکداری جذاب تر شود. این امر باعث می شود که بانک ها تمایل داشته باشند دارایی های منجمد و غیرنقدی خود را به دارایی های نقد تبدیل کرده و به چرخه اقتصادی برگردانند و در قالب تسهیلات در اختیار تولیدکنندگان و مردم قرار دهند. اصلاح این ساختار فراتر از وظایف بانک مرکزی است و نیازمند همکاری دولت، مجلس و سایر دستگاه ها است. همچنین، خود شبکه بانکی نیز باید در این اصلاحات مشارکت کند تا این تغییرات به درستی انجام شود.

تمرکز نظارتی بانک مرکزی به عنوان مقام پولی کشور باید بیشتر در چه حوزه هایی متمرکز باشد تا رفع ناترازی ها را بهتر مدیریت کند؟

ناترازی اساساً موضوعی نیست که تنها در بانک مرکزی حل شود. برای رسیدن به یک راه حل جامع برای رفع ناترازی ها، باید چند مسیر را طی کنیم. اولین گام، ایجاد فرهنگ مناسب در جامعه و بین نهادهای مختلف است تا درک بهتری از موضوع ناترازی و پیامدهای آن به وجود آید. دومین گام، به کارگیری همه ابزارهای موجود به صورت همزمان است. این شامل ابزارهای مالی، نظارتی و سیاست گذاری می شود که باید به صورت هماهنگ عمل کنند. سومین گام، همکاری و مشارکت سایر نهادها و دستگاه ها، از جمله مجلس و دولت، در حل مسئله ناترازی است. زمانی که این اقدامات به درستی انجام شوند، بانک مرکزی می تواند با توجه به مدلی که برای رفع ناترازی ایجاد شده، از ظرفیت نظارتی خود به نحو شایسته و مقتدرانه استفاده کند. اگر این سه مسیر به صورت همزمان دنبال نشود، ممکن است ورود نظارتی بانک مرکزی به این موضوعات موجب



باید ریشه‌ها
و دلایل ایجاد
ناترازی بانک‌ها
را شناسایی
کنیم و به دنبال
راه حل‌هایی
برای رفع آن
باشیم



است و موضوع نقدینگی در اقتصاد ایران، مبنای اصلی شکل‌گیری تورم به شمار می‌رود. تولیدکنندگان نیز باید این واقعیت را درک کرده و ابزار تأمین مالی غیرنقدی را بر نقدینه‌خواهی ترجیح دهند. همچنین، مردم باید ابزار غیرنقدی را در برخی تسهیلات مانند وام ازدواج از تولیدکنندگان بپذیرند تا حجم نقدینه‌خواهی کاهش یابد. در کنار این موارد، بانک مرکزی نیز باید مدل‌ها و الگوهایی که به کار می‌برد را توسعه دهد. شاید در برخی مواقع نیاز باشد که بعضی از این ابزارها سخت‌گیرانه‌تر باشند و با حتمی مدنی معلق شوند. در این شرایط، می‌توانیم از بانک مرکزی توقع داشته باشیم که به درستی عمل کند. در کل، نگاه و دغدغه بانک مرکزی در کنترل ناترازی شبکه بانکی و مدیریت نقدینگی در اقتصاد ایران قابل درک و تقدیر است. اما این مقدار کافی نیست و باید همه ارکان، تصمیم‌گیران و حوزه‌های سیاست‌گذاری در کشور به بانک مرکزی کمک کنند تا مسیری که آغاز شده، به سرانجام برسد.

**سال گذشته بانک مرکزی سه
موسسه نور، توسعه و کاسپین
را منحل کرد و سال جاری هم
قصد دارد ۸ بانک را به سمت
رفع ناترازی سوق بدهد، چه
نگاهی به این اقدام بانک**

نارضایتی بخشی از مردم، تولیدکنندگان یا شبکه بانکی شود. هرچند وظایف فعلی و موضوعاتی مانند کنترل مقداری نیازمند ورود و نظارت بانک مرکزی است، اما واقعیت این است که اگر سه مسیر قبلی طی نشود این نظارت مؤثر نخواهد بود. وقتی این اقدامات به صورت همزمان انجام شود، بانک مرکزی می‌تواند با اقتدار بیشتری به مسائل ورود کرده و به رفع ناترازی کمک کند.

**در راستای سیاست‌هایی که
بانک مرکزی در حوزه رفع
ناترازی‌ها در دوره اخیر داشته
است، چه پیشنهادهایی به این
نهاد برای بهبود عملکرد آن
دارید؟**

بانک مرکزی در حوزه کنترل مقداری ترازنامه‌ها و برخی سیاست‌ها و معرفی ابزارهای جدید، توانسته است به مسئله ناترازی ورود کند. با این حال، تا زمانی که این نگرش وجود داشته باشد که بانک مرکزی به تنهایی می‌تواند مسئله ناترازی اقتصادی ایران را حل کند، اتفاق بزرگی در این زمینه رخ نخواهد داد.

بانک مرکزی یکی از نهادها و ارکان اصلی است که باید به این مسئله بپردازد، اما سایر نهادها نیز باید در کنار آن وارد عمل شوند. مردم باید بپذیرند که یکی از عوامل جدی ایجاد ناترازی، تسهیلات و خلق نقدینگی



کاهش
تأثیرپذیری
اقتصاد، نرخ
ارز و موضوعات
اقتصادی
ایران از مسائل
سیاسی و
بین‌المللی
یک دستاورد
مثبت است و
در این مسیر
بانک مرکزی نیز
توانسته است
به طور مطلوبی
عمل کند

مرکزی دارید و پیامد آن چیست؟

اساساً این رفتارها و اتفاقات عقلایی و منطقی هستند. ما در شبکه بانکی با سه نوع مؤسسه مواجه هستیم: برخی از این مؤسسات به شکل درست و مناسبی فعالیت می‌کنند و در وضعیت خوبی قرار دارند. بخش دوم، مؤسسات در حال احیا و دارای برنامه‌های ریکواری مشخصی هستند که می‌توانند در یک دوره معین، به وضعیت بهتری دست یابند. این مؤسسات به واسطه دارایی‌ها، منابع و پشتوانه‌هایی که دارند، قابلیت احیا دارند. بخش سوم نیز موسساتی هستند که احیای آنها یا بسیار سخت است و یا اساساً غیرممکن. بانک مرکزی یا هر نهاد دیگری که در حوزه حکمرانی پولی و اقتصادی کشور تصمیم‌گیر است، باید در خصوص نوع سوم این مؤسسات تصمیم‌گیری کند. قرار دادن این مؤسسات در حالت بلاتکلیف و عدم تصمیم‌گیری در مورد آنها، چالش جدی به وجود می‌آورد. در این دوره، بانک مرکزی در خصوص برخی از مؤسسات تصمیمات درستی اتخاذ کرد و اقدام به ادغام و انحلال برخی از آنها کرد. این اقدامات در مسیر ساماندهی مؤسسات و بانک‌ها، گام مثبتی بود و هشداری برای سایر مؤسسات و بانک‌ها به شمار می‌رفت که اگر نتوانند خود را احیا و ریکواری کنند، ممکن است چنین سرنوشتی گریبان آنها را نیز بگیرد. اثر ساماندهی مؤسسات مالی ناتراز در حوزه پولی و اقتصاد کشور قابل کتمان نیست و یکی از اصلی‌ترین نتایج آن، کنترل نقدینگی و ناترازی در اقتصاد کشور است.

در سال گذشته تمام تلاش و تمرکز ما در بانک صادرات ایران بر این بود که مسئله ناترازی که البته قابل ملاحظه و بحرانی نبود، با رشد منابع کنترل شود. هدف ما این بود که با افزایش منابع، بخشی از این ناترازی را جبران کنیم و در عین حال قدرت تسهیلات‌دهی را در همان سطح نگه داریم که این هدف محقق شد. در شش ماه اول سال گذشته، نزدیک به ۲۰ همت منابع جذب شد، اما در شش ماه دوم با تمرکز بیشتر، به خصوص در جذب منابع ارزان قیمت، توانستیم ۱۲۰ همت منابع جذب کنیم. در حال حاضر، در دوره یک ساله نسبت به سال قبل، بیش از ۲۲۰ همت منابع در بانک صادرات ایران جذب شده که نشان‌دهنده تلاش ما برای حل مسئله ناترازی از طریق تجمع و جذب منابع، نه با کنترل مصرف،

است. ضمن اینکه مصرف ما در حد متعادل و بر اساس نرخ‌های مناسب نسبت به منابع حفظ شده است. همچنین باید توجه داشت که ما با موضوعاتی از جمله تسهیلات تکلیفی، تسهیلات مسکن و نبصره‌های بودجه از یکسو و توقعاتی از مشتریان و تولیدکنندگان از سوی دیگر مواجه هستیم که در ادوار گذشته تسهیلات دریافت کرده‌اند. کمترین توقع آنها این است که بخشی از این تسهیلات، به واسطه اینکه سرمایه در گردش بوده، برای کمک به تولید، تمدید یا افزایش یابد تا جریان تولید کشور دچار اختلال نشود. سعی کردیم با نگاهی متوازن به این دو موضوع، انحراف زیادی نسبت به کنترل مقداری نداشته باشیم و در چارچوب کنترل مقداری ترازنامه بانک مرکزی حرکت کنیم. در یک سال گذشته، مسئله افزایش پرداخت تسهیلات را با افزایش منابع جبران کردیم.

در ۱۶ ماه اخیر، با وجود تنش‌های گسترده‌ای نظیر جنگ اوکراین، بحران غزه و اقدامات رژیم صهیونیستی، ثبات نسبی در نرخ ارز ایران مشاهده شده است. اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اساساً اقتصاد ایران و به طور کلی اقتصاد در همه جای دنیا تحت تأثیر رفتارهای سیاسی قرار دارد، اما در ایران این تأثیر بیشتر و به خصوص در حوزه اقتصاد و مسائل پولی، به ویژه موضوعات ارزی، مشهود است. اقدام صحیح در اصلاح ساختار اقتصادی در هر کشوری باید به گونه‌ای باشد که این وابستگی را کاهش دهد و استقلال اقتصاد از حوزه سیاست را تقویت کند. در دوره‌هایی که نرخ ارز کمتر تحت تأثیر رفتارهای اقتصادی و اتفاقات سیاسی و حتی بین‌المللی قرار می‌گیرد، آن دوره موفق‌تری است نسبت به زمانی که تأثیرپذیری بیشتری وجود دارد. در سال‌های گذشته، شاهد بودیم که در برخی مواقع، اتفاقات سیاسی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر نرخ ارز گذاشت. اما سال گذشته این مسئله کنترل شد که یک اتفاق مثبت به شمار می‌رود. این روند باید ادامه یابد و استراتژی تدوین شده برای استقلال اقتصاد از حوزه سیاست به طور مناسب‌تری پیگیری شود. کاهش تأثیرپذیری اقتصاد، نرخ ارز و موضوعات اقتصادی ایران از مسائل سیاسی و

بین‌المللی یک دستاورد مثبت است و در این مسیر، بانک مرکزی نیز توانسته است به طور مطلوبی عمل کند.

ثبات نرخ ارز چه تأثیری بر سایر بازارها و همچنین پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد داشته است؟

ثبات اقتصادی برای هر کشوری یک مزیت به شمار می‌آید. یکی از ارکان اصلی ثبات اقتصادی، ثبات نرخ ارز و پیش‌بینی رفتارهای آینده اقتصادی است. فرقی نمی‌کند که یک تولیدکننده داخلی در این کشور سرمایه‌گذاری کند یا یک تولیدکننده خارجی در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری نماید، یا یک سرمایه‌گذار معمولی سپرده‌ای را در شبکه بانکی نگه دارد، به طور کلی، وقتی با یک اقتصاد با ثبات مواجه هستیم، رفتار متغیرها و افرادی که در این اقتصاد سرمایه‌گذاری می‌کنند، قابل پیش‌بینی و مناسب‌تر خواهد بود. بنابراین، نرخ ارز یکی از مؤثرترین عوامل است، زیرا بر رفتار بازیگران عرصه اقتصاد و تولید تأثیر می‌گذارد. ثبات نرخ ارز به ثبات اقتصاد کمک می‌کند و امیدوارم در آینده این ثبات افزایش یابد و اقتصاد ایران پیش‌بینی‌پذیرتر شود.

از نظر شما بهترین اقدامات بانک مرکزی در دوره اخیر چه بوده و کدام سیاست نیازمند پیگیری در دولت چهاردهم است؟

چند اتفاق مهم در حوزه حاکمیت پولی کشور رخ داد که مهم‌ترین آن تصویب قانون جدید بانک مرکزی بود. این قانون، یک تحول بزرگ به شمار می‌آید که می‌تواند به استقلال بانک مرکزی و تأثیرگذاری آن در رفتارهای اقتصادی

ایران در آینده کمک کند. این اقدام در این دوره، یک اتفاق مثبت بود. یکی دیگر از تحولات مثبت، کاهش نرخ رشد نقدینگی بود که به کنترل تورم در سال‌های آینده کمک خواهد کرد. نکته بعدی، ایجاد و استفاده مناسب از ابزارهای تأمین مالی غیرنقدی، به‌ویژه زنجیره تأمین، است که در این دوره به طور جدی‌تری مورد توجه قرار گرفت. امیدوارم که در دوره‌های آینده، این سه موضوع به طور شایسته‌تر، با سرعت بیشتر و کیفیت بالاتر ادامه یابد.

اگر خودتان را در جایگاه سیاست‌گذار پولی ببینید، کدام یک از اقدامات را بیشتر پیگیری می‌کنید و چه پیشنهادی دارید؟

در حوزه اجرا، اگر بخواهیم واقعیت ماجرا را بررسی کنیم، یکی از چالش‌های امروز شبکه بانکی کشور، موضوعات تکلیفی است. اگر در تمامی ارگان حاکمیت کمک شود تا برخی از این تکالیف که بردوش بانک‌هاست و بخشی از تعهدات دولت که بانک‌ها به عهده می‌گیرند، نظام‌مند شود و در ساختار مناسبی به آن پرداخته شود، می‌توانیم بخشی از این تکالیف را از دوش شبکه بانکی برداریم تا بانک‌ها به رسالت اصلی خود بازگردند. دغدغه همه ما در شبکه بانکی و سیاست‌گذاران پولی، مالی و اقتصادی کشور باید این باشد که بانک‌ها به فلسفه و رسالت اصلی خود برگردند. رسالت اصلی بانک‌ها واسطه‌گری وجوه است و باید همه کمک کنیم تا بانک‌ها به این رسالت بازگردند. گاهی اوقات، تکالیف موجود در اجرای این رسالت اخلاص ایجاد می‌کنند و در برخی موارد، واگذاری بخشی از دارایی‌ها یا وجود دارایی‌های منجمد که شبکه بانکی نمی‌تواند به تنهایی درباره آنها تصمیم

کاهش
تأثیرپذیری
اقتصاد، نرخ
ارز و موضوعات
اقتصادی
ایران از مسائل
سیاسی و
بین‌المللی یک
دستاورد مثبت
است



تأثیر تصویب قانون جدید در استقلال بانک مرکزی

چند اتفاق مهم در حوزه حاکمیت پولی کشور رخ داد که مهم‌ترین آن تصویب قانون جدید بانک مرکزی بود. این قانون، یک تحول بزرگ به شمار می‌آید که می‌تواند به استقلال بانک مرکزی و تأثیرگذاری آن در رفتارهای اقتصادی ایران در آینده کمک کند. این اقدام در این دوره، یک اتفاق مثبت بود.

بگیرد، چالش‌های جدی ایجاد می‌کند. این دارایی‌ها، که گاهی شامل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی هستند، ممکن است مولد و سودده نباشند و به دلیل حمایت از برخی اتفاقات در اقتصاد ایران یا بابت مطالبات به بانک‌ها واگذار شده باشند. این دارایی‌ها باید به وجه نقد و منابع بانکی تبدیل شوند تا در جریان بانکی مورد استفاده قرار گیرند. بخشی از مطالبات از دولت نیز وجود دارد که اعداد کوچکی نیستند و وصول بخشی از این مطالبات یا ورود آنها به جریان وجه نقد شبکه بانکی می‌تواند به رسالت اصلی بانک‌ها، یعنی واسطه‌گری وجوه و پرداخت تسهیلات، کمک کند.

مورد بعدی، علاوه بر همه این موارد که ممکن است در سخنان مدیران شبکه بانکی تکراری باشد، مسئله زیرساخت‌های فناوری اطلاعات است. اگر بخواهیم در یک بانک خوب، عملیات بانکی مؤثری انجام دهیم. وقتی استراتژی و سیاست‌گذاری اقتصادی بر این است که بخشی از شعب بانک‌ها جمع‌آوری، ادغام و کاهش یا بند، این اقدام به لحاظ کاهش هزینه‌ها منطقی است، اما برای حفظ کیفیت دسترسی مردم به خدمات بانکی، باید به سمت دسترسی الکترونیکی حرکت کنیم. زیرساخت‌های فعلی و اتفاقاتی که در شبکه بانکی رخ می‌دهد، به ویژه در مجموعه‌های IT کشور، نیازمند یک تحول بزرگ است. این زیرساخت‌ها برای چند میلیون مشتری طراحی شده بودند، در حالی که تعداد مشتریان در سال‌های اخیر به میزان دو، سه برابر و شاید ده‌ها برابر افزایش یافته است. بنابراین، زیرساخت‌ها باید متناسب با این افزایش توسعه یابند. برخی از این زیرساخت‌ها، مانند ارائه خدمات اینترنتی و وجود اینترنت در نقاط مختلف کشور، زیرساخت‌های مخابراتی و ارتباطی، بر عهده بانک‌ها نیست و تأمین امنیت آنها را نیز هر بانکی به تنهایی نمی‌تواند بر عهده گیرد. یکی از مواردی که بانک مرکزی می‌تواند بیشتر به آن ورود پیدا کند، مسئله زیرساخت‌ها و امنیت حوزه فناوری اطلاعات و دسترسی ارگان، مجموعه‌ها و حوزه‌های مختلف به خدمات الکترونیکی است. بانک مرکزی باید به عنوان نهاد تأثیرگذار در حوزه حکمرانی پولی، به این مسئله در سال‌های آینده توجه جدی کند تا بانکداری کشور دچار اختلال نشود.

یکی از اهداف بانک‌ها حمایت از تولید و صادرات کشور است، آخرین گزارش و آمار از تأمین مالی واحدهای تولیدی در بانک صادرات را اعلام کنید.

ما بیش از ۶۲۰ هزار میلیارد تومان مانده مصارف داریم که بخش زیادی از این مصارف در حوزه‌های تولیدی پرداخت شده که بخشی به صورت سرمایه در گردش و بخشی نیز در قالب سرمایه ثابت است. مقداری از این مصارف، سالانه تمدید شده و تسهیلات جدید نیز با نرخ مناسبی که نسبت مصارف به منابع را رعایت کند، پرداخت می‌شود. ما سعی کرده‌ایم نسبت مصارف به منابع را در محدوده ۷۵ تا ۸۰ درصد حفظ کنیم، ضمن اینکه ۲۱ درصد از تسهیلاتی که پرداخت کرده‌ایم، تسهیلات تکلیفی بوده است. تلاش کردیم تا نگاه بانک صادرات ایران را به ارائه خدمات مدرن به طور جدی‌تری پیگیری کنیم و حرکت تحولی بانک صادرات ایران از حوزه بانکداری سنتی به مدرن را با شتاب بیشتری به جریان بیندازیم. در این مسیر، در سال اول تمام تلاش ما بر این بود که چک الکترونیک را در بانک صادرات ایران راه‌اندازی کنیم و به عنوان چک نو معرفی کنیم. این اقدام محقق شد و امروز بیش از ۵۰۵ هزار دسته چک الکترونیکی برای مشتریان خود صادر کرده‌ایم که معادل بیش از پنج میلیون و پانصد هزار برگ چک است. این برگه‌های چک اکنون در شبکه بانکی در جریان هستند و چک الکترونیک به عنوان یک سرویس قابل ارائه و مورد پذیرش از سوی مشتریان، با استقبال خوبی مواجه شده است. سایر بانک‌ها نیز پس از بانک صادرات به تدریج به این سرویس اضافه شدند، اما فاصله قابل توجهی بین بانک صادرات و دیگر بانک‌ها وجود دارد. ما توانسته‌ایم بخش نسبتاً خوبی از خدمات چک بانک صادرات را در قالب چک الکترونیک به مشتریان ارائه کنیم. پس از چک الکترونیک، سرویس‌های دیگری از جمله سامانه وثیقه الکترونیک به نام "سامانه ست" را در اختیار مشتریان قرار دادیم. بخشی از تسهیلاتی که پرداخت می‌کنیم، با وثیقه‌گذاری این "سامانه ست" انجام می‌شود. علاوه بر این، برات الکترونیک و سفته الکترونیک را نیز به چرخه خدمات بانک صادرات ایران اضافه کردیم که هر یک از این خدمات به نوبه خود مورد استقبال مشتریان بانک صادرات قرار گرفته‌اند.

جهانبخش سنجابی، دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

بانک مرکزی با کنترل انتظارات بازار ارز را آرام کرد

- بانک مرکزی به سمت معرفی مراجع جدید برای آرامش بخشی به انتظارات تورمی حرکت کرده است
- سیاست‌ها و کارکردهای اجرایی بانک مرکزی در زمینه ارز نیمایی یا ارز مبادله‌ای، به خوبی پیش بینی پذیر بوده است
- با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، اتخاذ سیاست تثبیت انتخابی نبوده، بلکه یک ضرورت است
- سیاست عقد پیمان‌های پولی دوو چند جانبه رامی توان به عنوان نوعی واکسیناسیون در برابر تحریم‌ها در نظر گرفت



۲۹



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

با وجود تشدید تحریم‌ها و درگیری‌های سیاسی انتظارات تورمی نتوانست فشار زیادی بر نرخ ارز وارد کند که این امر مدیون توجه رئیس کل بانک مرکزی به مقوله رسانه است

بازار ارز ایران همواره تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی قرار دارد و نوسانات آن می‌تواند به سرعت بر زندگی روزمره مردم و فعالیت‌های اقتصادی تأثیرگذار باشد. این نوسانات، نه تنها بر قیمت کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی نیز منجر شود. در سال‌های اخیر، با وجود چالش‌های ناشی از تحریم‌ها و بحران‌های بین‌المللی، تاب‌آوری ارزی در ایران به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. این وضعیت نشان‌دهنده تغییرات مؤثری در سیاست‌های اقتصادی و مدیریتی کشور است که به کاهش نوسانات نرخ ارز منجر شده و به نوعی نشان‌دهنده توانایی کشور در مواجهه با بحران‌ها و مدیریت بهتر منابع ارزی است.

در این راستا، نقش بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول در مدیریت بازار ارز و ایجاد ثبات اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. این نهاد با اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ، تلاش کرده است تا با کنترل عرضه و تقاضا، نوسانات ارزی را کاهش دهد و اعتماد عمومی را نسبت به ثبات اقتصادی کشور تقویت کند. همچنین، بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای مختلف، از جمله مداخلات ارزی و تنظیم سیاست‌های پولی، سعی در ایجاد یک محیط اقتصادی پایدار دارد که بتواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند. به طور کلی، این تحولات نشان‌دهنده یک رویکرد جدید در مدیریت اقتصادی کشور است که می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی مردم و تقویت اقتصاد ملی منجر شود.

در گفتگو با جهان‌بخش سنجابی، دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق به بررسی عوامل مثبت این وضعیت و تأثیر سیاست‌های بانک مرکزی بر کاهش نوسانات نرخ ارز و همچنین، به تحلیل انتظارات تورمی ناشی از تحولات سیاسی و اجتماعی و نقش رسانه‌ها در مدیریت این انتظارات پرداخته‌ایم. با توجه به شرایط کنونی و چالش‌های موجود، این گفت‌وگو به دنبال شفاف‌سازی دیدگاه‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت بازار ارز و کاهش آسیب‌پذیری آن در برابر تحولات جهانی است. در نهایت، با توجه به اهمیت پیمان‌های پولی و ظرفیت‌های موجود در

این زمینه، به بررسی چگونگی استفاده از این ابزارها برای مقابله با تحریم‌ها و ایجاد ثبات در اقتصاد کشور پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

بازار ارز ایران همواره دچار تلاطم‌هایی است که بخش عمده‌ای از آن ناشی از تحولات سیاسی است. این تحولات تأثیر زیادی بر قیمت ارز دارند. با این حال، در دوره اخیر تاب‌آوری بازار ارز بیشتر شده است. به نظر شما، عوامل مثبت این وضعیت چه مواردی هستند و نقش بانک مرکزی در این زمینه چقدر بوده است؟

واقعیت این است که هر دستاوردی که سنجیده می‌شود، بخشی از آن تابع ورودی‌ها و فرآیندهایی است که بر آن ورودی‌ها انجام می‌شود. به عبارت دیگر، اگر کاهش نوسانات نرخ ارز را در یک و نیم یا دو سال گذشته مشاهده می‌کنید، حتماً این نتیجه اقدامات و فرآیندهایی است که در این مدت انجام شده است. نرخ ارز به عنوان یک کالا، تابعی از عرضه و تقاضا است. اگر تعادل بین این دو برقرار شود، نرخ ارز در یک محدوده مشخص قرار می‌گیرد و نوساناتش کاهش می‌یابد. عمده‌تأ نوسانات شدید زمانی رخ می‌دهد که این تعادل به هم بخورد. به نظر می‌رسد که در این دوره، بانک مرکزی اقدامات مثبتی در مدیریت عرضه و تقاضا انجام داده است. هر چند انتقادات زیادی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که در کل، این مدیریت به نحو مطلوبی انجام شده است.

دومین عاملی که بر نوسانات نرخ ارز تأثیر دارد، انتظارات تورمی ناشی از پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و بحران‌های بین‌المللی است. در یک و نیم سال گذشته، ما در شرایطی بودیم که به یک جنگ نزدیک شدیم و تحریم‌های جدیدی نیز اعمال شد. با این حال، انتظارات تورمی نتوانست فشار زیادی بر نرخ ارز وارد کند. من این را مدیون توجه بانک مرکزی و شخص رئیس کل بانک مرکزی به مقوله رسانه می‌دانم. به نظر می‌رسد بانک مرکزی متوجه شده که برخی مقامات دولتی و نهادهای رسمی، مرجعیت آرامش‌بخشی اجتماعی خود را از دست داده‌اند. بانک مرکزی به سمت معرفی مراجع جدید برای آرامش‌بخشی به انتظارات تورمی



پدیده‌های داغ
در یک فضای
اجتماعی
محدود
نمی‌توانند
همیشه ادامه
داشته باشند
و مردم به
عنوان بازیگران
اقتصادی، دیگر
به راحتی تحت
تأثیر تحریکات
قرار نمی‌گیرند

است؟ و اگر سیاست‌هایی مانند تثبیت اجرا نمی‌شود، وضعیت بازار ارز چگونه می‌بود؟

سیاست نرخ ارز ثابت، قطعاً سیاستی شکست خورده است. این سیاست با هزاران ایراد مواجه است و نمی‌توان برای آنها مزایای قابل توجهی تعریف کرد. هر کسی که الفبای اقتصاد را بداند، می‌داند که این سیاست در ادوار مختلف بیشتر مشکلات ایجاد کرده است. اما سیاست دوم، سیاست تثبیت است. ما می‌توانیم سه نوع سیاست را اتخاذ کنیم:

۱. **نرخ ارز آزاد:** این سیاست منوط به تأمین ارز برای همه تقاضاهاست. به عنوان مثال، در کشور همسایه ما، عراق، هر تقاضای مشروعی که اعلام شود، می‌تواند به ازای هر ۱۳۲۰ دینار که به صرافی یا بانک پرداخت کند، یک دلار دریافت کند. درآمدهای نفتی عراق و نبود تحریم‌ها این امکان را فراهم کرده است. در حال حاضر، در بازار عراق نرخ ارز آزاد به بالای ۱۶۵ هزار دینار به ازای هر صد دلار رسیده است و تفاوت نرخ ارز آزاد و نیمایی در حدود ۱۵ تا ۱۶ هزار دینار در هر صد دلار است. بنابراین، ما نتوانسته‌ایم سیاست نرخ ارز ثابت را به درستی اجرا کنیم، نه در ۴۲۰۰ تومان موفق بودیم و نه در ۲۸۵۰۰ تومان.

۲. **سیاست شناورسازی نرخ ارز:** اگر شما یک بنگاه اقتصادی باشید و به عدالت محوری توجه نکنید، به سمت شناورسازی نرخ ارز خواهید رفت. بسیاری از فعالان اقتصادی به دنبال این هستند که بانک مرکزی نرخ ارز را آزاد بگذارد تا بازار خودش قیمت‌ها را تعیین کند. این رویکرد جزو سیاست‌های بانک جهانی و توصیه‌های انجمن حسابرسان بین‌المللی نیز هست، اما شرایط کشور ما متفاوت است.

۳. **سیاست تثبیت:** با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، اتخاذ سیاست تثبیت به نظر می‌رسد که انتخابی نبوده، بلکه یک ضرورت است. با توجه به ضریب جینی، وضعیت زیرخط فقر و بیارانه‌بگیران، به نظر می‌رسد که این سیاست ضروری بوده است. اگر من هم در مقام رئیس کل بانک مرکزی بودم، احتمالاً چاره‌ای جز اجرای این سیاست نداشتم.

نقد من به سیاست تثبیت این است که باید با برنامه‌ریزی مشخص، فاصله بین نرخ ارز آزاد و نرخ ارز تثبیت شده را کاهش می‌دادیم. به عنوان مثال، اگر نرخ ارز نیمایی حدود ۴۳ هزار تومان باشد و نرخ آزاد ۶۰ هزار تومان، این فاصله ۱۷ هزار تومانی می‌تواند فساد و سوءاستفاده ایجاد کند. این اختلاف باعث بروز پدیده‌هایی مانند

حرکت کرد و این موضوع اثر مثبتی داشت. نکته سومی که به آن اشاره می‌کنم، این است که پدیده‌های داغ در یک فضای اجتماعی محدود نمی‌توانند همیشه ادامه داشته باشند. مردم به عنوان بازیگران اقتصادی، دیگر به راحتی تحت تأثیر تحریکات قرار نمی‌گیرند. انتظارات تورمی زمانی تحریک می‌شود که تقاضا برای خرید ارز افزایش یابد. به همین دلیل، عقلانیت مردم نیز در این شرایط نقش مهمی ایفا کرده است. در نهایت، این سه عامل در کنار هم شرایطی را رقم زدند که به کاهش نوسانات نرخ ارز منجر شد و ما در یک و نیم سال گذشته شاهد جهش‌های خارق‌العاده‌ای نبودیم.

به نظر شما، آیا مردم در برابر اخبار منتشر شده به نوعی واکنش شده‌اند؟

دقیقاً. در واقع، می‌توان گفت که مردم به نوعی "حساسیت‌زدایی" پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، آستانه تحریک‌پذیری آنها افزایش یافته و حساسیت‌شان نسبت به اخبار و تحولات کاهش یافته است. این یکی از دستاوردهای مثبت این دوره به شمار می‌آید. به نظر من، هر کسی که مسئولیت مدیریت این وضعیت را بر عهده دارد، باید به سه اقدام کلیدی توجه کند:

اول مدیریت عرضه و تقاضا است، بانک مرکزی باید به طور مؤثر و حتی در برخی موارد به صورت پلیسی، عرضه و تقاضا را مدیریت کند. دوم استفاده از علوم ارتباطات است، به رسمیت شناختن فضای علوم ارتباطات و بهره‌گیری از قدرت نرم رسانه‌ها، به خصوص از چهره‌های آرامش‌بخش غیر دولتی، می‌تواند به تثبیت وضعیت کمک کند.

کاهش حساسیت مردم مورد سوم است، باید تلاش شود که دایره حساسیت و تحریک‌پذیری مردم کاهش یابد و آستانه حساسیت آنها افزایش پیدا کند. اگر هیچ اتفاق غیرمنتظره‌ای نیفتد، به نظری می‌رسد که می‌توان این روند را تا حداقل یک سال تا یک سال و نیم آینده ادامه داد.

**بسیاری مخالف تثبیت سیاست
بودند و بر این باورند که بانک
مرکزی باید به طور کامل از
حوزه سیاست‌گذاری نرخ ارز
خارج شود و اجازه دهد بازار
خود قیمت‌ها را تعیین کند. با
توجه به شرایط کشور و تحریم‌ها،
آیا چنین چیزی امکان‌پذیر**



در شرایط
کنونی نمی‌توان
به سمت
سیاست
آزادسازی یا
شناورسازی نرخ
ارز رفت

"بیش‌اظهاری" در واردات و "کم‌اظهاری" در صادرات می‌شود و برخی صادرکنندگان را از چرخه صادرات خارج می‌کند. در نهایت باید گفت اتخاذ سیاست تثبیت نه به عنوان یک انتخاب، بلکه به عنوان یک ضرورت بوده است. هر کسی که به این حوزه ورود کند، متوجه خواهد شد که در شرایط کنونی، نمی‌توان به سمت سیاست آزادسازی یا شناورسازی نرخ ارز رفت. اما باید توجه بیشتری به پیامدهای ناخواسته این سیاست‌ها داشت و تلاش کنیم تا این مشکلات را کاهش دهیم.

در حوزه پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز چقدر موفق بوده‌ایم؟ یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی، پیش‌بینی‌پذیری بازارها است. به نظر شما، بانک مرکزی تا چه اندازه توانسته در این حوزه بهبود ایجاد کند؟

در ابتدا باید پرسیم کدام نرخ را مد نظر دارید؟ به عنوان مثال، نرخ ارز مبادله‌ای به وضوح پیش‌بینی‌پذیر است، زیرا فرمول محاسبه آن کاملاً مشخص است و شامل تمامی عرضه و تقاضا، ذخایر ارزی و ارز قابل عرضه در مرکز مبادله ارز می‌شود. به نظر من، سیاست‌ها و کارکردهای اجرایی بانک مرکزی در زمینه ارز نیمایی یا ارز مبادله‌ای به خوبی پیش‌بینی‌پذیر بوده است. اگر شما مطمئن بودید که بانک مرکزی ارز شما را تأمین می‌کند، می‌توانستید ارزتان را در محدوده ۴۱ تا ۴۳ هزار تومان دریافت کنید. این موفقیت به ویژه به این خاطر بود که ۸۵ درصد واردات ما از این محل تأمین می‌شد و آثار مثبتی به همراه داشت.

اما اگر به نرخ ارز آزاد نگاه کنیم، هرچند که در حال حاضر جهش‌های ناگهانی نرخ ارز را شاهد نیستیم، اما این باور که پتانسیل بروز نوسانات در هر لحظه وجود دارد، هنوز در ذهن فعالان اقتصادی باقی مانده است. به عنوان مثال، با انتخاب یک کاندید، ممکن است نرخ ارز به طور ناگهانی کاهش یابد و سپس دوباره به سطوح قبلی خود برگردد. به همین دلیل، نگرانی جدی در مورد نوسانات نرخ ارز آزاد وجود دارد.

خوشبختانه، در یک دوره دو ساله، تثبیت نوسانات در یک محدوده خاص اتفاق افتاد و آستانه تحریک‌پذیری مردم افزایش یافت و یکی از دلایل ثبات در بازار همین موضوع بود و موجب شد برخی رسانه‌ها و گروه‌های سفته‌باز

که معمولاً سعی در تحریک بازار داشتند، نتوانند به منافع کلانی دست یابند. نکته مهم در سیاست تثبیت این است که تاجران و مصرف‌کنندگان عمده ارز، در روند واردات و صادرات، نسبت به تعهدات خود پیش‌بینی‌هایی داشتند. به عنوان مثال، آنها می‌دانستند که برای ثبت سفارش‌های خود یک چشم‌انداز مشخص دارند و باید تا تاریخ معینی تعهدات ارزی خود را رفع کنند. اما یک نکته مهم که بانک مرکزی باید به آن توجه کند، کاهش تعداد دفعات چرخش و بهره‌وری پول در تجارت و تولید است. به عبارت دیگر، اگر در گذشته با ۱۰۰ هزار دلار می‌توانستیم چهار چرخه واردات و فروش انجام دهیم، اکنون به دلیل سیاست‌های انقباضی، این چرخه به یک یا دو بار کاهش یافته است. این کاهش در تعداد چرخه‌ها به معنای کاهش بهره‌وری و بازدهی سرمایه است. بنابراین، باید به این نکته توجه کنیم که با طولانی شدن فرآیند تأمین ارز و نقل و انتقالات، بهره‌وری حوزه تجاری و تولید کاهش یافته است و نیاز به برنامه‌ریزی دقیق‌تری در این زمینه داریم.

یکی از ظرفیت‌های موجود در زمینه توسعه مناسبات بانکی، پیمان‌های پولی است. بسیاری این موضوع را مؤثر می‌دانند. با توجه به شرایط تحریمی ایران، این نوع اقدامات و ایجاد پیمان‌های پولی یک یا چندجانبه تا چه اندازه می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند، به ویژه از نگاه فعالان اقتصادی؟

پیمان‌های پولی، چه در شرایط تحریمی و چه در شرایط غیرتحریمی، یکی از سیاست‌هایی است که دولت‌ها و فعالان بخش خصوصی به دنبال آن هستند. این سیاست به نوعی مانند حذف نقش مداخله‌گر یک شخص ثالث در روابط تجاری عمل می‌کند. اگر بتوانیم عرضه مستقیم کالا و خدمات را انجام دهیم، هزینه‌ها برای ما کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، در گذشته برای رفتن به میدان توپخانه باید به یک آژانس زنگ می‌زدید، اما امروز با استفاده از اپلیکیشن‌ها می‌توانید به طور مستقیم راننده را انتخاب کنید. این تغییر باعث کاهش قیمت، افزایش عرضه و رضایت بیشتر مصرف‌کننده می‌شود. بنابراین، سیاست پیمان‌های پولی دو و چندجانبه قطعاً سیاستی

نکته مهم در
سیاست تثبیت
این است
که تاجران و
مصرف کنندگان
عمده ارز، در
روند واردات و
صادرات
نسبت به
تعهدات خود
پیش بینی هایی
داشتند

پولی داشته است. خود پیمان ها قطعاً اقدامی مثبت هستند، اما به دلیل اینکه تراز تجاری ما با کمتر کشوری برابر است، باید به سمت سیاست پیمان های پولی چند جانبه برویم. همچنین، ایجاد اتاق های پای پای تسویه چند جانبه، مانند دبیرخانه ACU در بانک مرکزی، می تواند یکی از راهکارهای مؤثر در این شرایط باشد.

باید به سمت پیمان های چند جانبه و اتاق های بین المللی با منطقه ای برویم. این بدان معناست که نمی توانیم تنها به دو بازیگر اکتفا کنیم. به عنوان مثال، فرض کنید ما به عراق کالا می دهیم، عراق نفت به هند می دهد و هند به ما کالا می دهد. در این حالت، کافی است یک پیمان سه جانبه داشته باشیم. یعنی چه؟ یعنی ما ۱۰ میلیارد دلار کالا به عراق می دهیم، که حدود یک میلیون دلار آن را مصرف می کنیم و در ازای آن دینار می گیریم. سپس می گوئیم شما از هند طلبکارید و دینار من را بگیرید و به جای آن روپیه بدهید. این روپیه نیز به صورت اعتباری خواهد بود. سپس من که واردکننده از هند هستم، با روپیه ای که دارم بدون هیچ گونه ترس از تحریم های آمریکا و بدون هیچ گونه محدودیتی کالا وارد می کنم. این روند می تواند با کره و امارات نیز انجام شود و همچنین با ترکیه، زیرا ترکیه واردکننده نفت از عراق است و بخشی از شبکه فروش نفت عراق در امارات و دیگر نقاط قرار دارد. اگر بتوانیم به سمت پیمان های سه جانبه یا بیش از سه جانبه پولی برویم، این پیمان ها بسیار موفق تر از پیمان های دو جانبه خواهند بود. به عنوان مثال، در حوزه چین می توانیم به این سمت حرکت کنیم، زیرا تقریباً تراز تجاری ما با چین برابر است و با درصدی بالا و پایین که قابل اغماض است. اما واقعاً در مورد عراق، پیمان دو جانبه پولی به نفع ما نیست و بیشتر به نفع عراقی ها خواهد بود.

در مورد روسیه نیز بستگی به تراز تجاری ما دارد. اگر ما بیشتر کالا به روسیه بدهیم و کمتر وارد

قابل توجه است و نباید به سادگی از آن گذشت. اما تحقق و موفقیت این سیاست به چند عامل بستگی دارد. اگر پیمان دو جانبه باشد، باید تراز مبادلات یا تراز تجاری دو کشور متناسب و متعادل باشد. به عنوان مثال، اگر با کشورهای مختلف مانند روسیه، امارات یا هند پیمان پولی دو جانبه ای ببندیم، این پیمان زمانی ارزشمند است که به همان میزان که ما کالا یا خدمات صادر می کنیم، همان مقدار کالا یا خدمات دریافت کنیم. در این صورت، می توانیم بخش زیادی از نیازمندی های خود را تأمین کنیم بدون اینکه تحت تأثیر تحریم های دلار آمریکا قرار بگیریم. در صورتی که تراز مبادلات دو طرفه متعادل نباشد، پیمان دو جانبه نمی تواند مؤثر باشد. به عنوان مثال، اگر ما با عراق پیمان پولی دو جانبه ببندیم، آنها به راحتی دینار می دهند، اما ما سالانه ۱۰ میلیون دلار به عراق صادرات داریم و کل واردات ما در این زمینه حداکثر یک میلیارد دلار است.

پیمان های پولی دو جانبه باید با پیمان های تکمیلی تجاری همراه باشند یا به پیمان های سه جانبه تبدیل شوند. به عنوان مثال، می توانیم پیمان دو جانبه با عراق را به یک پیمان سه جانبه تبدیل کنیم که شامل ایران، عراق و چین باشد. در این صورت، ما کالا را به عراق می دهیم و دینار دریافت می کنیم و سپس می توانیم دینار را به یوآن تبدیل کرده و کالا وارد کنیم. این روش می تواند تأثیر تحریم های آمریکا را کاهش دهد.

همچنین باید نرخ واقعی تعیین شود. یکی از آسیب های پیمان پولی این است که اگر یک نرخ ثابت ملاک مبادله قرار گیرد، ممکن است به دلیل نوسان تقاضا و عرضه، این نرخ تغییر کند. اگر تفاوت معناداری بین نرخ مورد انتظار مشتری و نرخ عرضه و تقاضا وجود داشته باشد، پیمان دو جانبه یا چند جانبه ممکن است دچار رکود شود. در مجموع یکی از نقاط قوت بانک مرکزی، دیپلماسی فعالی است که در حوزه مناسبات

تثبیت نوسانات ارز، دست سفته بازان را از منافع کلان کوتاه کرد

در یک دوره دو ساله، تثبیت نوسانات در یک محدوده خاص اتفاق افتاد و آستانه تحریک پذیری مردم افزایش یافت و یکی از دلایل ثبات در بازار همین موضوع بود و موجب شد برخی رسانه ها و گروه های سفته باز که معمولاً سعی در تحریک بازار داشتند، نتوانند به منافع کلانی دست یابند.



اگر بتوانیم
به سمت
پیمان‌های
سه جانبه
یا بیش از
سه جانبه
پولی برویم
این پیمان‌ها
بسیار موفق‌تر
از پیمان‌های
دوجانبه
خواهند بود

یک جانبه آمریکا در عرصه تجارت خارجی کمک کنند. البته باید توجه داشت که این راهکارها هزینه‌هایی را به ما تحمیل می‌کنند، اما این هزینه‌ها به مراتب کمتر از هزینه‌های ناشی از دور زدن تحریم‌ها است. به طور کلی، سیاست بی‌اثر کردن تحریم‌ها، به مراتب معقول‌تر از سیاست دور زدن آنهاست. وقتی شما به دنبال بی‌اثر کردن یک مشکل هستید، مانند واکسیناسیون در برابر بیماری، در واقع مقاومت خود را در برابر آن افزایش می‌دهید. به عبارت دیگر، وقتی واکسینه شوید، حتی اگر در معرض ویروس قرار بگیرید، بدن شما می‌تواند با تولید آنتی‌ژن‌ها قبل از بروز علائم، آن را از بین ببرد. بنابراین، سیاست عقد پیمان‌های پولی دو و چند جانبه را می‌توان به عنوان نوعی واکسیناسیون در برابر تحریم‌ها در نظر گرفت. در مقابل، سیاست‌های دور زدن تحریم، مانند استفاده از واسطه‌ها، تغییر پرچم و هویت، و پیدا کردن فیس‌های غیرایرانی، بیشتر شبیه به استفاده از ماسک برای جلوگیری از ورود ویروس هستند. در واقع، سیاست‌های واکسیناسیون به مراتب بهتر از سیاست‌های قرنطینه‌ای هستند. این اصل در فضای اجتماعی و ادبیات پزشکی اجتماعی کاملاً مقبول است و هیچ‌کس در صحت آن تردید ندارد.

کنیم، که در حال حاضر اینگونه است، پیمان دوجانبه پولی الزامی به نفع ما نخواهد بود و بیشتر در شرایط تحریمی به نفع روسیه است. اما اگر با ترکیه بتوانیم از طریق شخص ثالث به توافق برسیم، می‌توانیم از منافع آن بهره‌مند شویم. به طور کلی، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی، یکی از زیرساخت‌های پیمان پولی این است که می‌توانیم پول آن کشور را به ارز ثالث تبدیل کنیم. بنابراین، جهت‌گیری به سمت عقد پیمان‌های سیاسی دوجانبه یا سیاست‌های دلارزدایی و یوروزدایی می‌تواند سیاست درستی باشد.

بنابراین از نگاه شما گسترش این پیمان‌ها راهکار خوبی برای مقابله با تحریم‌ها خواهد بود؟

شرایط ایده‌آل یک بحث جداگانه است. آنچه که من مطرح می‌کنم، ناظر بر شرایط فعلی و اقتضائات موجود است. در شرایطی که با واقعیتی به نام تحریم و عدم ارائه خدمات بانکی به ایرانیان به دلیل ملاحظات مربوط به FATF مواجه هستیم، می‌توان گفت که پیمان‌های پولی یکی از راهکارهای مؤثر برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها در داخل کشور است. این پیمان‌ها می‌توانند به کاهش اثر تحریم‌های بین‌المللی و



مجید رضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

ساماندهی ترازنامه بانک‌ها به کنترل تقاضای ارز منجر شد

- صاحبان قدرت و ثروت خواهان استمرار بی‌نظمی عمده در اقتصاد هستند
- سامان‌دهی ترازنامه بانک‌ها به تثبیت نرخ ارز کمک کرده و توانسته بازار تقاضا را کنترل کند
- باید به هر شکل ممکن جلوی خروج سرمایه از کشور گرفته شود
- اقداماتی مانند ایجاد بازار مبادله و سیاست‌های سختگیرانه در بازگشت ارز صادراتی توانسته بازار عرضه و تقاضا را به تعادل نسبی برساند



هر کدام از حوادث اخیر می‌توانست ۳۰ تا ۴۰ درصد نوسان در نرخ ارز ایجاد کند، اما طی این دوران هیچ‌گاه نرخ ارز بیشتر از ۴ یا ۵ درصد نوسان نداشت

بازار ارز ایران در طول تاریخ خود همواره تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی قرار داشته و این تأثیرات منجر به تلاطم‌های مکرر در این بازار شده است. از اوایل دهه پنجاه، اقتصاد ایران به سمت وابستگی به نفت و دولتی شدن پیش رفته و این موضوع باعث شده است که نوسانات ارزی و تورم به یک واقعیت دائمی تبدیل شود. با این حال، در یک سال گذشته، کارشناسان از افزایش تاب‌آوری بازار ارز خبر می‌دهند و به‌رغم تحولات سیاسی سنگین، شاهد نوسانات شدید ارزی نبوده‌ایم. این تغییرات مثبت در شرایطی رخ داده است که اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی از جمله تحریم‌ها و ناترازی‌های مالی مواجه است. در گفتگو با مجیدرضا حریری، رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین به بررسی عوامل مؤثر بر این تاب‌آوری و چگونگی کنترل نوسانات ارزی و همچنین، به تحلیل سیاست‌های بانک مرکزی و تأثیر آنها بر بازار ارز و اقتصاد کشور پرداختیم. آیا این سیاست‌ها می‌توانند به بهبود شرایط اقتصادی کمک کنند؟ و چگونه می‌توان از فرصت‌های جدیدی که در عرصه بین‌المللی به وجود آمده، بهره‌برداری کرد؟ این پرسش‌ها و دیگر مسائل مرتبط با بازار ارز ایران، محور گفت‌وگوی تازه‌های اقتصاد با حریری بوده است.

بازار ارز ایران در دوره‌های مختلف همواره دچار تلاطم بوده و مسائل سیاسی داخلی و خارجی به طور خاص بر روی ارز تأثیرگذار بوده است. به گفته کارشناسان، تاب‌آوری بازار ارز در یکسال گذشته افزایش چشمگیری داشته و با وجود اتفاقات سیاسی سنگین، شاهد تلاطمات ارزی شدیدی نبوده‌ایم و نوسانات تحت کنترل قرار گرفته است. نظر شما در مورد عوامل این وضعیت چیست؟

از اوایل دهه پنجاه، اقتصاد ما تحت تأثیر عوامل منفی متعددی قرار گرفته است. اقتصاد ما به سمت نفتی و در نتیجه دولتی شدن پیش رفته و اداره اقتصاد کشور بیشتر بر پایه فروش نفت و

میزان ارز حاصل از آن بوده تا براساس کار، تولید و ایجاد ارزش افزوده. اولین بحران اقتصادی که با آن مواجه شدیم، چهار یا پنج سال بعد از سال ۵۰ بروز کرد و اگر نشریات آن زمان را مطالعه کنید، متوجه می‌شوید که مسائل اقتصادی مشابهی مطرح شده است، مانند افزایش اجاره‌خانه و قیمت تخم‌مرغ. با این حال، به دلیل فروش خوب نفت، توانستیم قیمت ارز را کنترل کنیم. با ورود به فضای انقلاب و جنگ، ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی به وجود آمدند و ما همیشه این ناآرامی‌ها را در کنار تبعات اقتصادی تحمل کردیم، چرا که اقتصاد ما عمدتاً وابسته به فروش نفت بوده تولید. مانند فردی که با یک بیماری مزمن مثل دیابت یا فشار خون زندگی می‌کند، ما نیز عادت کردیم و با تورم ۲۲ درصدی، که میانگین تورم ۴۰ سال اخیر ماست، کنار آمدیم. یاد گرفتیم که در شرایطی با کمی رشد و در مواقعی با رکود زندگی کنیم، بدون اینکه تحت فشار شدید قرار بگیریم و جهش‌های ناگهانی تورمی و ارزی را تجربه کنیم. تا اینکه ویروس تحریم به این بیماری مزمن افزوده شد. دشمنی که با آن روبرو بودیم، نقاط ضعف ما را شناسایی کرد و پی برد که اقتصاد، آسیب‌پذیرترین بخش است. آنها می‌دانستند که نمی‌توانند به صورت نظامی با ما مقابله کنند، زیرا ما تا انتها ایستادگی می‌کنیم. بنابراین، با هدف آسیب به اقتصاد، به سرمنشاء مشکلات ما یعنی فروش نفت و قطع ارتباط سیستم بانکی ما با دنیا حمله کردند. این دو عامل به نوعی ویروسی شد که به جان اقتصاد ما افتاد و بی‌نظمی‌هایی را به وجود آورد که ریشه‌های آن از پیش وجود داشت.

ما از قبل دچار شلختگی در سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی بودیم. این شلختگی در حوزه بانکداری هم مشهود بود، چه در زمان دولتی بودن بانک‌ها و چه در زمان تأسیس بانک‌های خصوصی. به عنوان مثال، فردی که از یک بانک وام می‌گرفت، ممکن بود برای تأسیس بانک دیگری اقدام کند. فردی در جاده کرج زمینی را ساخت و اعلام کرد که آن را به عنوان رهن در بانک قرار می‌دهد و وام می‌گیرد تا دوباره ساختمان‌هایی بسازد. اما پس از مدتی، وام را پرداخت نکرد و بانک آن ملک را به قیمتی نجومی برداشت. این نوع بازی‌ها همیشه وجود داشته و هر رئیس بانک مرکزی که به این سمت آمده، جرات و شهامت در افتادن با این زنجیره فساد مالی را نداشته است. چرا که این زنجیره‌های فساد، قدرت سیاسی برای افراد ایجاد می‌کند و به راحتی می‌توانند یک رئیس بانک مرکزی را برکنار کنند و رسانه‌ها به او حمله کنند.



تقاضای
کاذب ناشی
از خلق پول و
ناترازی های
موجود در
بانک ها و
بدهکاران
کلانی است
که پول را
بر نمی گردانند
و در بازار ارز
دخالت و
سفته بازی
می کنند

قیمت های ناچیز و تسهیلات یارانه ای، ترجیح می دهند ارز خود را در بازار غیررسمی نگه دارند. در سال های اخیر، شاهد خروج سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه و ورود ۱۵ میلیارد دلار کالای قاچاق بوده ایم. بانک مرکزی نمی تواند این ارز را تأمین کند و به همین دلیل، قاچاقچیان و واردکنندگان بیش از پیش اظهار می کنند که کم از کم اظهار می کنند وجود می آورند. صاحبان قدرت و ثروت خواهان استمرار این بی نظمی عمدی هستند.

به نظر می رسد به انتهای فساد نزدیک شده ایم و تقریباً تمام کوپن فساد را خرج کرده ایم. مدیریت اقتصاد به دست کسی افتاد که تمایل داشت این وضعیت را ساماندهی کند و جلوی هرج و مرج را بگیرد. وزارت اقتصاد نیز در این مسیر همراهی کرد و توانست بازاری را که در دو سال اخیر، به ویژه در سال ۱۴۰۲، تحت تأثیر ناآرامی های سال ۱۴۰۱ قرار داشت، بهبود بخشد. این در حالی است که از نیمه سال ۱۴۰۲ با چالش های جهانی مواجه شدیم، از جمله جنگ اوکراین که تأثیر زیادی بر اقتصاد دنیا گذاشت. پس از آن، ما با مسائل دیگری نیز روبه رو شدیم، از جمله تنش های میان ما و اسرائیل و حوادثی مانند سقوط بالگرد رییس جمهور. ترور شهید هنیه نیز در دو یا سه هفته اخیر جهش هایی را ایجاد کرد که در حال ساماندهی به این موضوع هستیم. هر کدام از حوادث اخیر می توانند ۳۰ تا ۴۰ درصد نوسان در نرخ ارز ایجاد کند، اما طی این دوران هیچ گاه نرخ ارز بیشتر از ۴ یا ۵ درصد نوسان نداشت، اما مادر طی این دو سال، دو دوره تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده ایم. بنابراین، انتظار می رود که حداقل نصف این تورم در حوزه نرخ ارز نیز مشاهده شود. به همین دلیل، افزایش نرخ ارز از ۴۰ هزار تومان به ۵۸ هزار تومان کاملاً طبیعی است.

کسانی که در سال ۱۴۰۱ ارزی را به عنوان کالای سرمایه ای خریداری و نگه داری کرده اند، نسبت

در مورد بحث نرخ ارز و عرضه و تقاضا، باید گفت که صحبت از بازار آزاد در شرایطی که ۹۰ درصد عرضه کنندگان آن تحت کنترل حاکمیت هستند، منطقی نیست. بیش از ۸۰ درصد تقاضا نیز حاکمیتی است و در این شرایط صحبت از عرضه و تقاضا به نوعی شوخی است. این مباحث بیشتر به این دلیل مطرح می شود که برخی بخواهند خود را در علم اقتصاد توجیه کنند و دیگران نیز برای آنها سینه بزنند. اما واقعیت چیز دیگری است. مادر کشوری زندگی می کنیم که ۹۰ درصد منابع ارزی عرضه شده ناشی از نفت و صادرات غیرنفتی است که توسط شرکت های حاکمیتی، دولت، آستان ها و بنیادها انجام می شود. ۸۰ درصد تقاضا نیز از همین منابع ناشی می شود، به جز تقاضاهایی که دولت برای مسائل امنیتی، نظامی و بهداشتی دارد. در سال های اخیر، در بورس تنها ۵ تا ۱۰ درصد سود برده اند و می گویند مردم سهامدار هستند، در حالی که مدیریت این شرکت ها همچنان در دست خودشان است. بسیاری از روسای بانک مرکزی و وزرای اقتصاد این واقعیت ها را می دانستند و مسئله ای پنهان نبوده است. به نقطه ای رسیدیم که ادامه این وضعیت غیرممکن شده بود. در این شرایط، افرادی پیدا شدند که شهامت ایستادن پای حرف هایشان را داشتند، زیرا این ایستادگی معمولاً به توهین و فشار منجر می شود.

رئیس بانک مرکزی قبلی نیز به عدم شفافیت و عدم رعایت قوانین اشاره کرده بود و هنوز هم به او انتقاد می شود. قبل از استقرار آقای فرزین، آقای همتی در اتاق بازرگانی بابت گفتن این حقیقت که بخش زیادی از صادرات ما با کارت های بازرگانی یک بار مصرف انجام می شود، مورد انتقاد قرار گرفت. در حالی که از صادرکنندگان خواسته می شود ارز خود را به چرخه رسمی بیاورند، بسیاری از آنها به دلیل



دوره فساد اقتصادی و بی نظمی مالی و پولی در کشور به پایان رسید

اگر امروز عده ای فکر کنند که می توانند به شرایط گذشته بازگردند و بانک تأسیس کنند یا وام بگیرند و در بازار سرمایه فعالیت کنند، باید بدانند که این دوره تمام شده است. هر کسی که بخواهد به این روش ها ادامه دهد، مانند کسی است که در شلوغ ترین میادین شهر بمب ساعتی گذاشته است، ممکن است این بمب یک ساعت دیگر یا پنج ساعت دیگر منفجر شود. موضوع فساد اقتصادی و بی نظمی مالی و پولی در کشور ما به پایان رسیده و ادامه آن به ضد خودش تبدیل خواهد شد.

کسانی که در سال ۱۴۰۱ ارز به عنوان کالای سرمایه‌ای خریداری و نگهداری کرده‌اند، نسبت به همه بازارها ضرر کرده‌اند حتی اگر پول خود را در بانک گذاشته و سود بانکی دریافت کرده باشند

به همه بازارها ضرر کرده‌اند، حتی اگر پول خود را در بانک گذاشته و سود بانکی دریافت کرده باشند. این یک موفقیت است و بخشی از آن به اراده و خواست مدیران برمی‌گردد. به نظر می‌رسد که دوره فساد و مدیریت نادرست اقتصاد به پایان رسیده است. اگر امروز عده‌ای فکر کنند که می‌توانند به شرایط گذشته بازگردند و بانک تأسیس کنند یا وام بگیرند و در بازار سرمایه فعالیت کنند، باید بدانند که این دوره تمام شده است. هر کسی که بخواهد به این روش‌ها ادامه دهد، مانند کسی است که در شلوغ‌ترین میادین شهر بمب ساعتی گذاشته است، ممکن است این بمب یک ساعت دیگر یا پنج ساعت دیگر منفجر شود. موضوع فساد اقتصادی و بی‌نظمی مالی و پولی در کشور ما به پایان رسیده و ادامه آن به ضد خودش تبدیل خواهد شد. اگر من بخواهم رانت‌خواری کنم، ابتدا باید اقتصادی وجود داشته باشد که بتوانم در کنارش فعالیت کنم. این چاه در حال خشک شدن است و اگر جوی وجود نداشته باشد، حتی قوی‌ترین پمپ دنیا هم نمی‌تواند آب بدهد. بنابراین باید گفت آقای رانت‌خوار، اگر این روند را ادامه بدهی، دیگر رانتی وجود نخواهد داشت که به شما داده شود. این تبعات اقتصادی، اجتماعی و... نیز به دنبال خواهد داشت.

اقدامات یک سال اخیر بانک مرکزی در بهبود زیرساخت‌های بازار ارز، از جمله راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا، تأمین نیاز واقعی ارز برای واردات و تعریف دیپلماسی بانکی چه تأثیری بر تسهیل روندهای تجاری و کاهش هزینه‌های اقتصادی داشته است؟

برای سامان‌دهی به حوزه سیاست‌گذاری‌های ارزی، نیاز داریم که عرضه افزایش یابد. در دو سال اخیر، با دیپلماسی اقتصادی فعال‌تری که داشته‌ایم، توانسته‌ایم نفت را بهتر بفروشیم و این افزایش فروش نفت به ما کمک کرده تا در بخش عرضه دست‌مان بازتر شود. همچنین ما باید بخش تقاضا را کنترل کنیم، چرا که تقاضای کاذب ناشی از خلق پول و ناترازی‌های موجود در بانک‌ها و بدهکاران کلانی است که پول را برنمی‌گردانند و در بازار ارز دخالت و سفته‌بازی می‌کنند. سامان‌دهی ترازنامه بانک‌ها به تثبیت نرخ ارز کمک کرده و توانسته بازار تقاضا را کنترل کند. یکی از بخش‌های

تقاضا، خروج سرمایه است که باید به هر شکلی کاهش یابد. باید عرضه‌کنندگان ارز صادرات غیرنفتی را ملزم کنیم که ارز خود را در جایی قابل رصد عرضه کنند تا بدانیم ارز صرف چه مواردی می‌شود. اقداماتی مانند بازار مبادله و سیاست‌های سختگیرانه در بازگشت ارز صادراتی و توافق‌هایی که با پتروشیمی‌ها انجام شده، توانسته بازار عرضه و تقاضا را به تعادل نسبی برساند و سیاست‌گذار را به جایی برساند که دستش در هر دو طرف بازتر باشد و هم طرف عرضه و هم تقاضا قابل برنامه‌ریزی باشند.

نتیجه این اقدامات ۱۰۰ درصدی نیست، اما اگر ادامه یابد، شرایط می‌تواند بهبود یابد. مهم نیست که رئیس بانک مرکزی چه کسی باشد، این سیاست درست است. اگر نفر بعدی هم به این سیاست ادامه دهد، می‌توانیم از زیر فشارهای نوسانات نرخ ارز خارج شویم. چون معمولاً در گذشته به این شکل بوده که ما در دو یا سه سال به تثبیت نرخ ارز پرداخته‌ایم و در دو یا سه سال دیگر به سمت سیاست‌های بازار که ربطی هم به اقتصاد ما ندارد، بازگشته‌ایم.

باید توجه داشته باشیم که عرضه و تقاضا برای بازارهای واقعی است و ما بازار واقعی نداریم. هر کسی که یک ترم اقتصاد خوانده، درست است که عرضه و تقاضا را یاد گرفته، اما اگر به انحصار و شکست بازار توجه کند، متوجه می‌شود که ما با این مشکلات مواجه هستیم و نباید به عرضه و تقاضا به تنهایی متکی باشیم. هر کسی که به مقام مسئولیت برسد، مجبور است این سیاست را ادامه دهد، زیرا در حال جا افتادن است. پیشنهاد مشخص من برای تکمیل این سیاست این است که تعداد نرخ‌ها را کاهش دهیم. نمی‌گویم که باید به نرخ تک‌نرخ برسیم، اما به جای پنج نرخ فعلی، می‌توانیم به دو نرخ برسیم. به جای اینکه روی نرخ ارز بایستیم، باید بازاری ایجاد کنیم که تمام ارزهای غیرنفتی در آن عرضه شود. پتروشیمی و فولاد باید در یک بازار باشند و هرکسی که تقاضای مشروع دارد، در این بازار بیايد و با هم رقابت کنند.

ما باید کالاها را دسته‌بندی کنیم و برای صادرکنندگان پتروشیمی و فولاد، یارانه‌هایی که به آنها داده‌ایم را مشخص کنیم. این یارانه‌ها به این دلیل است که مصرف‌کننده داخلی قدرت خرید بالاتری داشته باشد. اما اگر این کالاها به خارج صادر شوند، باید یارانه‌ها را بازگردانند. این یارانه‌ها باید به صندوق ریالی برگردد و دولت ارز را ریال کند و هزینه‌ها را پرداخت کند. در نهایت، بانک مرکزی باید نیازهای مشروع افراد را پاسخ



در دوران گذار
از هژمونی
اقتصادی غرب
به سرکردگی
آمریکا به یک
دوره جدید قرار
داریم که ممکن
است در ۱۰ تا ۳۰
سال آینده، نفر
اول اقتصاد دنیا
تغییر کند



دهد. اگر این سیاست‌ها ادامه یابد، می‌توانیم ارتباط بین تورم و نرخ ارز را سامان دهی کنیم. بخش زیادی از تورم ما ناشی از نوسانات نرخ ارز است و اگر این نوسانات را کنترل کنیم، می‌توانیم بخشی از تورم را کاهش دهیم و این سیکل تأثیر متقابل نرخ ارز و تورم را قطع کنیم.

عملکرد بانک مرکزی را در حوزه پیش‌بینی‌پذیر کردن بازارها چطور می‌بینید و چه پیشنهاداتی در این زمینه دارید؟

باید به سمتی برویم که تعداد نرخ‌ها را کاهش دهیم و در بازار تقاضا، به تقاضاهای مشروع و ضروری پاسخگو باشیم. در یک سال و نیم اخیر، با وجود موفقیت‌هایی که داشته‌ایم، نقصان‌هایی نیز وجود داشته است. در برخی مقاطع، صف تخصیص بالای ۶ ماه را تجربه کرده‌ایم که طبیعی است این روند می‌تواند به ضرر برخی افراد منجر شود. من به این نظر که انبارهای تولید به دلیل صف تخصیص خالی شده‌اند، باور ندارم، زیرا نشان می‌دهد که در هیچ کالایی تولید ما افت نکرده است. مشخص است که مواد اولیه وارد شده و تقاضاهای کاذب کاهش یافته است. قاعدتاً افرادی که ذی‌نفع هستند، صدای بلندی خواهند داشت. صحبت از چندین همت رانت است و این رانت را عده‌ای معدود، کمتر از هزار نفر، به خود اختصاص می‌دهند و از این طریق پول زیادی به دست می‌آورند. اینکه چند رسانه و کارشناس را خریداری کنند، کار دشواری نیست. برخی افراد به عنوان اینفلوئنسر در فضای مجازی و کارشناسان بورس و ارز مطرح می‌شوند و با یک میلیارد تومان می‌توان آنها را خرید. روزنامه‌ای

که کل هزینه‌هایش در سال ۲۰ میلیارد تومان است، اگر کسی این مبلغ را بپردازد، به بلندگوی بنگاه‌های بزرگ حاکمیتی در رشته‌های معدنی و پتروشیمیایی تبدیل می‌شود و تعداد آنها هر روز بیشتر می‌شود.

نیازی نیست که من به عنوان سیاست‌گذار با این افراد تعامل کنم یا در برابر آنها رسانه‌ای ایجاد کنم. سیاست‌گذار باید با اطمینان به درستی سیاست‌هایش و از طریق نشست‌های دوره‌ای با صاحب‌نظران و ذی‌نفعان، کار را پیش ببرد. مردم عادی چه کار دارند و چه می‌دانند که تفاوت دلار ۴۰ هزار تومانی و ۶۰ هزار تومانی چیست؟ در چرخه زندگی آنها، این واقعیت وجود دارد که جنسی را گران‌تر می‌خرند و سفره معیشت‌شان کوچک‌تر می‌شود، اما ذی‌نفعان مشخص هستند.

تا قبل از اتفاقات اخیر، به این سمت می‌رفتیم و اولین نشست را نیز برگزار کردیم. متأسفانه ناگام ماندیم و با تأخیر در تشکیل هیأت دولت جدید و مشخص شدن معاونان و وزرا مواجه شدیم. اوایل سال جدید در جلسه‌ای با آقای فرزین پیشنهاد دادم که کسانی که فریاد می‌زنند را دعوت کنید تا دور میز بنشینند و نظراتشان را بیان کنند. در این جلسه مشخص می‌شود که آیا آنها حرف‌های درست می‌زنند یا بی‌ربط. در اولین جلسه، کسی حرف بی‌ربطی نزد، زیرا اگر کسی به تنهایی جلوی دوربین بنشیند، ممکن است حرف‌های زیادی بزند، اما اگر ۵۰ نفر دور هم جمع شوند و همه صاحب‌نظر باشند و سیاست‌گذار نیز حضور داشته باشد، آمار و اطلاعات در دسترس است و می‌دانند که چقدر از بانک‌های ایران وام گرفته شده و پس داده



درصد قابل توجهی از مشکلات مبادلات مالی کشور در فضای بین‌المللی را می‌توان از طریق راه‌های دیگری مانند تهااترو پیمان‌های پولی ساماندهی کرد

نشده است. در این شرایط، کسی نمی‌تواند بزرگ‌نمایی کند، زیرا در همان لحظه، اطلاعات واقعی ارائه می‌شود. اگر حرفی صادقانه اما بی‌ربط زده شود، کارشناسان حضور دارند و نمی‌توان در برابر آنها ادعای بی‌اساس کرد. هر رئیس‌ی که به بانک مرکزی می‌آید، با جمع کردن ذی‌نفعان دور یک میز، دردهای آنها را درک می‌کند و می‌بیند که حرف‌های درستی دارند. همچنین، سیاست‌گذار با چالش‌های زیادی مواجه است که نمی‌داند چرا مجبور به انجام آنها می‌شود. هر قدر ذی‌نفعان و سیاست‌گذار به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، در ادامه سیاست‌هایی که منجر به اصلاح روابط پولی، بانکی، مالی، ارزی و بازار سرمایه می‌شود، مؤثرتر خواهند بود.

گسترش پیمان‌های پولی و بانکی در شرایط تحریمی چقدر اثرگذار خواهد بود؟

دو اتفاق مهم در حال وقوع است. اولاً، هژمونی اقتصادی دنیا در حال تغییر است. ما در دوران گذار از هژمونی اقتصادی غرب به سرکردگی آمریکا به یک دوره جدید قرار داریم که ممکن است در ۱۰ تا ۳۰ سال آینده، نفراول اقتصاد دنیا تغییر کند. در گزارش‌های ۷ تا ۸ سال اخیر به نام کشورهایی مانند هند و اندونزی اشاره شده است که در حال ظهور هستند. این تغییر به دنبال یافتن جایگزینی برای روابط موجود است، به ویژه در زمینه معاملات با ارزهایی غیر از ارزهای جهانی غربی مانند دلار و یورو. در این راستا، یوان چین به عنوان ارزی که هم در سبد ارزهای جهانی قرار دارد و هم تمایل دارد با کشورهایی که با آن معامله می‌کنند، تقویت شود، خود را بیشتر نشان می‌دهد. به عنوان مثال، چین اعلام کرده که نفت را از کشورهایی خریداری می‌کند که پرداخت را به یوان انجام دهند. حتی عربستان سعودی که ارتباط اقتصادی‌اش با دلار قابل توجه است، اعلام کرده که نفت را به یوان می‌فروشد. این یک بخش از تغییرات است که به طور طبیعی برای ما فرصت ایجاد می‌کند. اگر سازمان همکاری‌های شانگهای را صرفاً یک سازمان اقتصادی ندانیم و آن را بر اساس روابط امنیتی تعریف کنیم، در مورد بریکس نمی‌توان چنین نظری داشت. بریکس به منظور زیر سوال بردن نظم اقتصادی موجود جهانی و هژمونی اقتصاد آمریکا و غرب شکل گرفته است. اقتصادهای نوظهور در تلاشند تا خود را در روابط اقتصادی جهانی غالب کنند. این تحولات به نفع

ماست و ما توانسته‌ایم به نوعی در این روند وارد شویم.

مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد، افزایش تعداد اعضای "باشگاه تحریمی‌ها" است. آمریکا سلاح تحریم که هر چند دهه یک بار علیه کشوری استفاده می‌کرد را اکنون به یک سلاح روزمره تبدیل کرده است. اگر ایران به تنهایی تحریم شود، اثر آن زیاد است، اما وقتی ونزوئلا، کره شمالی، روسیه و دیگر کشورها نیز تحریم می‌شوند، یک باشگاه تحریمی شکل می‌گیرد که به یک قطب تبدیل می‌شود و هم بازار مصرف و هم بازار فروش را در اختیار دارد. این وضعیت به ما این امکان را می‌دهد که نوع دیگری از مبادله مالی را با کشورهایی مانند روسیه تعریف کنیم. ما دیگر نیازی به سیستم پیام‌رسان عمومی مانند سوئیفت نداریم و می‌توانیم روابط مالی دوجانبه‌ای ایجاد کنیم. این روابط دوسویه می‌تواند به سوی سوم نیز تعمیم یابد. اگر فشارها افزایش یابد، ممکن است ونزوئلا نیز به این سمت بیاید و چین نیز ظرفیت‌هایی برای همکاری دارد.

این یک موهبت است که آمریکا به ما داده است. شش سال پیش و قبل از دوران ترامپ، چنین فرصتی نداشتیم. هر چه تعداد کشورهای تحریمی بیشتر شود، باشگاه ما قوی‌تر می‌شود و ما به عنوان پیشکسوت تحریمی‌ها، روابط جدید مالی تعریف خواهیم کرد. امیدوارم در بریکس، صندوق‌های مشترک یا واحدهای پولی مشترک یا نوعی از مبادله مالی تعریف کنیم. در حال حاضر، قالب محاسباتی ما دلار است، اما حتی در این قالب نیز می‌توانیم روابط مالی ملی‌تری برقرار کنیم. در بریکس و سازمان کنفرانس شانگهای، صحبت از تأسیس یک بانک مشترک برای توسعه زیرساخت‌ها وجود دارد. بانک توسعه زیرساخت آسیا از سال ۲۰۱۴ تشکیل شده و ایران نیز ۱۳ درصد از سهام آن را خریداری کرده است. اینها فرصت‌های جدیدی هستند، اما بهترین شرایط برای استفاده از این فرصت‌ها زمانی است که درگیری‌های ما با دنیا کمتر باشد و بتوانیم با آرامش از این فضا بهره‌برداری کنیم. هر چه تنش‌ها بیشتر باشد، حتی فرصت استفاده از راه‌های فرعی نیز کمتر می‌شود، زیرا آنهایی که تنش ایجاد می‌کنند، مانع از آرامش فکری ما خواهند شد. از همه این ظرفیت‌ها می‌توان استفاده کرد و درصد قابل توجهی از مشکلات مبادلات مالی کشور در فضای بین‌المللی را می‌توان از طریق راه‌های دیگری مانند تهااترو پیمان‌های پولی ساماندهی کرد.

کسری بودجه جلوی تحقق برنامه‌های بانک مرکزی را می‌گیرد

- کسری بودجه مزمن در اقتصاد ایران، که ۳۰-۴۰ سال ادامه داشته، به فشارهای بیرونی بر بانک مرکزی منجر می‌شود
- تورم در ایران به دلیل کسری بودجه و نه کمبود تولید است در حالی که در بسیاری از حوزه‌ها مازاد تولید وجود دارد
- اصلاحات در قیمت‌گذاری انرژی و کاهش کسری بودجه می‌تواند تنش‌های ارزی را حل کند، اما این اصلاحات به دلیل فشارهای بیرونی انجام نمی‌شود

محمود زرین‌ماه

اقتصاددان



۴۱



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

مرکزی انجام می‌شود. معمولاً راهکارهای کارشناسی به دلیل مصلحت‌های روزمره قربانی می‌شوند و این یک مشکل دائمی است. قانونی که اخیراً مجلس تصویب کرد نیز با وجود وعده‌های اولیه برای افزایش استقلال بانک مرکزی، به این

بانک مرکزی به طور دوره‌ای و تاریخی از استقلال کافی برخوردار نیست. در حالی که بانک‌های مرکزی کشورهای پیشرفته از استقلال لازم برخوردارند، در ایران این وضعیت متفاوت است و سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً خارج از بانک

مجلس
هزینه‌های
قطعی برای
دولت تعیین
می‌کند
بدون اینکه
درآمدهای
قطعی
پیش‌بینی
شود، که این
موضوع به
استقراض و تورم
منجر می‌شود

۴۲



اقتصاد

• شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ •

هدف نرسید و این وضعیت ادامه دارد. رئیس کل بانک مرکزی در صورتی که بتواند مستقل کار کند می‌تواند در اصلاح ساختار اقتصادی تأثیرگذار باشد، اما تاکنون این امر محقق نشده است و به نظر نمی‌رسد که به زودی بتوان این کار را انجام داد. زیرا رئیس کل بانک مرکزی توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود و این انتصاب خارج از چارچوب‌های علمی و تحلیلی حوزه اقتصاد صورت می‌گیرد.

طی یکی دو سال گذشته، رئیس کل بانک مرکزی روش‌هایی برای کنترل نقدینگی، کنترل پایه پولی و جلوگیری از استقراض بانک‌ها تدوین کرد، اما فشارهایی که از بیرون به وجود می‌آید، عمدتاً به دلیل کسری بودجه است. تا زمانی که این مشکل مزمن کسری بودجه در اقتصاد وجود دارد که متأسفانه برای ۴۰-۳۰ سال است که در اقتصاد ما ادامه دارد، این داستان ادامه خواهد داشت. مجلس، هزینه‌های قطعی برای دولت تعیین می‌کند، بدون اینکه درآمدهای قطعی پیش‌بینی شود. در واقع، درآمدها معمولاً تحقق پیدا نمی‌کند و این موضوع منجر به استقراض از بانک مرکزی و فروش اوراق خزانه و در نتیجه تورم می‌شود.

به عنوان مثال، امسال حدود ۸ میلیارد دلار کسری بودجه داریم که معادل ۴۰۰ همت است و این کسری در شرایط تورم ۲۶-۲۵ درصدی، قابل مشاهده است. بانک مرکزی باید چه کار کند؟ مشخص است که وقتی کسری بودجه وجود دارد، برای تأمین حقوق کارکنان و بازنشستگان، یارانه‌ها و سایر هزینه‌ها به پول نیاز است و این موضوع به افزایش قیمت دلار منجر می‌شود. بانک مرکزی چه کار کند؟ بانک مرکزی ناچار است با عرضه قطره چکانی یا عرضه گسترده‌تر دلار، برای کنترل نرخ ارز تلاش کند.

در ایران، با این رویکردی که در اقتصاد داریم، بانک مرکزی نمی‌تواند مستقل عمل کند. تا زمانی که بانک مرکزی به عنوان منشاء و منبع تأمین مالی دولت و چالش‌های آن نقش‌آفرینی کند، وضعیت به همین شکل باقی خواهد ماند. بنابراین، ما باید به گونه‌ای دیگر این مسئله را حل کنیم. وقتی در کشور ۵ میلیارد دلار بنزین رایگان به مردم می‌دهید و فقط ۸ میلیارد دلار کسری بودجه دارید، این

کسری منشاء تورم ۳۰-۲۰ درصدی می‌شود. آیا نباید این مشکل حل شود؟ تا زمانی که این مسائل را درست نکنیم، بانک مرکزی نیز قربانی همین رویه‌ها خواهد بود.

بانک مرکزی باید محل کارشناسی‌های بزرگ و پیشرفته در کشور باشد، اما نمی‌تواند به خوبی عمل کند. این کارهایی که الان بانک مرکزی انجام می‌دهد، نقش‌آفرینی خوبی است، اما فشارهای بیرونی بر این نهاد وجود دارد و بانک مرکزی ناچار است که کسری بودجه دولت را تأمین کند. این موضوع باعث افزایش پایه پولی و افزایش پول پُر قدرت در کشور می‌شود. تورم معمولاً دو عامل دارد: یکی کمبود تولید و دیگری بالا بودن نقدینگی. در حال حاضر، ما واقعاً با مشکل تولید مواجه نیستیم. تبلیغات گسترده در بیلبوردها، اینترنت و رسانه‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از حوزه‌ها مازاد تولید داریم. با این حال، چرا هنوز تورم داریم؟ تورم به دلیل کسری بودجه است.

اگر ما اصلاحاتی در قیمت‌گذاری انرژی انجام و کسری بودجه را کاهش دهیم، می‌توانیم تنش‌های ارزی را حل کنیم، اما این کار انجام نمی‌شود. این وضعیت به دلیل فشارهای بیرونی و هراس افکنی دشمن است. هر رئیس‌جمهوری که می‌آید، قول می‌دهد که قیمت بنزین افزایش نخواهد یافت، اما عملیاتی نمی‌شود. در حال حاضر، هزینه‌های تصفیه و حمل و نقل بنزین بسیار بیشتر از قیمت فعلی آن است. ما تا زمانی که این مشکلات را حل نکنیم، همچنان با این چالش‌ها مواجه خواهیم بود. از سال ۹۰ تاکنون، قیمت دلار به شدت افزایش یافته است.

سن بازنشستگی در کشور ما پایین است و ما باید به افراد بازنشسته حقوق پرداخت کنیم. این قوانین و سیاست‌ها هزینه‌ها را بالا می‌برد و اگر این مسائل را حل نکنیم، به طور مداوم با این مشکلات مواجه خواهیم بود. اصلاحات باید در یک یا دو سال آینده انجام شود. همچنین، وضعیت مالیات در کشور نشان می‌دهد که ایران بهشت اشرافی‌گری است. تصمیمات مالیاتی به طور موثر اجرا نمی‌شوند و مشکلات ما در جای دیگری نهفته است. اینها مسائل کلانی بود که مطرح کردم و باید حل شوند. اگر این مشکلات حل نشوند، ما به طور مداوم با این چالش‌ها مواجه خواهیم بود.

مهدی یزدانی، استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

توفیق بانک مرکزی در مهار نقدینگی اعتبار مقام پولی را افزایش داد

- دستیابی بانک مرکزی به هدف کنترل رشد نقدینگی، توانست به افزایش اعتبار این نهاد نزد کارگزاران اقتصادی کمک کند
- سیاست ها باید به سمت ثبات ارزی معطوف شوند، اما باید توجه داشت که بین ثبات وثابت کردن نرخ ارز، تفاوت وجود دارد
- انضباط های ایجاد شده در ترازنامه های بانک ها پدیده ای مثبت در اقتصاد است و اثرات خوبی به همراه خواهد داشت



۴۳



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

زمانی که نرخ
ارز نوسان
پیدامی کند
این نوسانات
می تواند منجر
به ایجاد ریسک
در اقتصاد
شود و شرایط
نامتلاطمی
برای
سرمایه گذاری و
ارتباطات کشور
با دنیای خارج
به وجود آورد

اقتصاد ایران در سال های اخیر با
چالش های متعددی روبرو بوده است
که یکی از مهم ترین آنها ریسک نرخ ارز
است. این ریسک به دلیل نوسانات مداوم
و غیرقابل پیش بینی نرخ ارز به وجود
می آید و می تواند تأثیرات عمیقی بر روی
متغیرهای کلان اقتصادی، سرمایه گذاری
و تولید داشته باشد. ریسک نرخ ارز نه تنها
به نوسانات اقتصادی مرتبط است، بلکه
می تواند انتظارات تورمی را تحت تأثیر
قرار دهد و به تبع آن، بر تصمیم گیری های
اقتصادی و تجاری تأثیر بگذارد. عوامل
متعددی از جمله شرایط سیاسی، جنگ
روانی و فشارهای خارجی به این نوسانات
دامن می زنند. در این میان، نقش بانک
مرکزی در مدیریت این ریسک ها و ایجاد
ثبات اقتصادی بسیار حیاتی است. آیا
بانک مرکزی می تواند با سیاست های
مناسب، نوسانات نرخ ارز را کنترل کند و
به ثبات اقتصادی دست یابد؟ این سوالی
است که در مصاحبه با مهدی یزدانی،
استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی به
آن پرداخته ایم. در این گفت و گو به بررسی
ریشه های ریسک نرخ ارز، تأثیرات آن بر
اقتصاد و راهکارهای ممکن برای کاهش
این ریسک ها خواهیم پرداخت. با توجه
به پیچیدگی های موجود، درک عمیق تر از
این موضوع می تواند به سیاست گذاران و
فعالان اقتصادی کمک کند تا تصمیمات
بهتری اتخاذ کنند و از تبعات منفی
نوسانات نرخ ارز جلوگیری کنند. متن
زیر حاصل گفت و گوی هفته نامه تازه های
اقتصاد با این استاد دانشگاه است.

گفته می شود اقتصاد ایران دچار ریسک نرخ ارز است. ریسک نرخ ارز به چه معناست و چرا دچار آن هستیم؟

به طور کلی، نرخ ارز می تواند سه نوع ریسک را
برای اقتصاد به وجود آورد، زیرا نرخ ارز نمایانگر
ارتباطات یک کشور با دنیای خارج است و به
تبع آن، ریسک ها را نیز نشان می دهد. اولین نوع
ریسک، ریسک اقتصادی است. زمانی که نرخ
ارز نوسان پیدا می کند، این نوسانات می تواند
منجر به ایجاد ریسک در اقتصاد شود و شرایط
نامتلاطمی برای سرمایه گذاری و ارتباطات
کشور با دنیای خارج به وجود آورد. دومین نوع
ریسک، ریسک حسابداری است. با افزایش

نرخ ارز، اعداد و ارقام در صورت های مالی
تغییر می کند و این تغییرات می تواند به ریسک
تبدیل شود. به عبارتی، زمانی که یک شرکت
یا کارخانه زیرمجموعه هایی در کشورهای
دیگر دارد، نوسانات نرخ ارز می تواند منجر به
مشکلاتی در تبدیل دارایی ها بین این واحدها
شود. مهم ترین ریسک، همانطور که اشاره
شد، ریسک اقتصادی است. نوسانات نرخ ارز
بر متغیرهای اقتصاد کلان تأثیر می گذارد. در
چارچوبی مانند اقتصاد ایران، که نرخ ارز به
عنوان لنگری برای تورم عمل می کند، نوسانات
نرخ ارز می تواند انتظارات تورمی را به شدت
تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، نوسانات نرخ
ارز به دلیل وابستگی تولید کشور به نهاده های
واسطه ای وارداتی، می تواند تولید را نیز تحت
تأثیر قرار دهد و نوساناتی در آن ایجاد کند. به
دنبال نوسانات نرخ ارز، تلاطم در تولید به وجود
می آید و این تغییرات می تواند انتظارات تورمی
را تغییر دهد و به تبع آن، تورم را تحت تأثیر قرار
دهد. در کشور ما، این ریسک ها به وضوح وجود
دارد. اگرچه مقام پولی برای این باور است که بازار
آزاد را محدود کرده و عمق بازار را قبول ندارد، اما
به هر حال نوساناتی که در آن بازار اتفاق می افتد
به سایر بخش های اقتصاد سرایت می کند و
باعث می شود اقتصاد شرایط متلاطمی را تجربه
کند و نااطمینانی به طور کلی در اقتصاد افزایش
می یابد.

عوامل سیاسی، جنگ روانی و آثار منفی ناشی از آن، تا چه حد می تواند به هیجانی شدن نرخ ارز منجر شود؟

برای درک اینکه چرا نوسانات در نرخ ارز اتفاق
می افتد و چگونه این نوسانات ریسک هایی را به
وجود می آورد، باید به عوامل تعیین کننده نرخ
ارز توجه کنیم. به طور کلی، ما فاندمنتال ها یا
متغیرهای بنیادی اقتصاد را داریم که تغییرات
نرخ ارز را ایجاد می کنند. زمانی که تغییراتی در
این متغیرها رخ می دهد، به تبع آن تغییراتی در
نرخ ارز نیز مشاهده می شود، حتی اگر در برخی
زمان ها نرخ ارز ثابت نگه داشته شود. در نهایت،
این وضعیت می تواند منجر به "اورشوتینگ"
یا جهش ناگهانی نرخ ارز به سمت بالا شود.
علاوه بر این، ساختار اقتصادی و انتظارات نیز
نقش مهمی در نوسانات نرخ ارز دارند. زمانی
که ساختار سیاسی به گونه ای است که انتظارات
تورمی را تشدید می کند، افراد به منظور حفظ
ارزش دارایی های خود در شرایط تورمی، به



سمت بازارهایی مانند بازار ارز می روند و برای ارز تقاضا ایجاد می کنند. بنابراین، هر دو دسته عوامل اقتصادی و سیاسی می توانند منجر به نوسانات نرخ ارز شوند و نمی توانیم تنها یکی از آن ها را مؤثر بدانیم.

بانک مرکزی برای کنترل هیجانات بازار ارز چگونه باید اقدام کند؟ آیا محدود کردن دامنه نوسانات ارز و سیاست تثبیت را توصیه می کنید؟

بانک مرکزی باید به دنبال ایجاد ثبات در سطح کلان اقتصاد باشد، که شامل ثبات در تولید، قیمت ها و بازار ارز است. بازار ارز به عنوان یک فاکتور کلیدی می تواند به ایجاد ثبات اقتصاد کلان کمک کند. بنابراین، برنامه ریزی و استراتژیک ضروری است. نمی توان به سادگی گفت که باید اجازه دهیم بازار نوسانات خود را داشته باشد. بانک مرکزی باید به بازار آزاد ارز توجه بیشتری داشته باشد، چرا که در چند سال اخیر این بازار به حاشیه رفته و در مواردی نادیده گرفته شده است. سیاست هایی باید اتخاذ شود که نوسانات بازار ارز را کنترل کند. حتی اگر نرخ ارز در بازار به رسمیت شناخته نشود، تأثیرات آن بر کل اقتصاد قابل توجه خواهد بود. مهم است که سیاست ها به سمت ثبات معطوف شوند، اما باید توجه داشت که بین ثبات و ثابت کردن نرخ ارز تفاوت وجود دارد. ما دو مفهوم داریم: *fixing* و *stability*. اگر هدف این باشد که با ثابت کردن نرخ ارز به ثبات دست یابیم، این لزوماً درست نیست. بانک مرکزی باید در برخی مواقع اجازه دهد که نرخ ارز تعدیل شود. در نهایت، بانک مرکزی باید به نرخ بازار به عنوان یک فاکتور مهم در سیاست های تثبیت خود توجه کند تا بتواند به برنامه های موفق خود دست یابد.

انتظارات منفی در جامعه چه میزان می تواند بر رشد غیرمنطقی ارز تأثیر بگذارد؟

بخش زیادی از تحرکات در بازارهای مالی، از جمله بازار ارز، تحت تأثیر رفتارهای اجتماعی قرار می گیرد. به عنوان مثال، هنگامی که گروه زیادی از مردم به یک بازار هجوم می آورند، نرخ ها در آن بازار به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد، به ویژه اگر شرایط بنیادی اقتصاد نیز مناسب نباشد. زمانی که چند دوره تورم بالای ۴۰ درصد تجربه شده باشد، افراد به طور منطقی تصمیم می گیرند که به بازار ارز و سایر بازارهای موازی روی بیاورند تا خود را در مقابل نوسانات نرخ ارز حفظ کنند. این رفتار در زمان هایی تشدید می شود که عوامل سیاسی نقش آفرینی می کنند. در این مواقع، یک حرکت ناگهانی به سمت یک بازار خاص می تواند منجر به نوسانات غیرمنطقی شود. بنابراین، باید توجه داشته باشیم که برای دستیابی به ثبات در اقتصاد کلان، باید تمامی عوامل را در نظر بگیریم. هر تصمیمی که اتخاذ می شود، اثرات خاص خود را دارد و باید این اثرات به دقت بررسی شوند تا بتوان براساس آنها تصمیم گیری کرد.

آیا نقش رسانه ها در دامن زدن به اخبار منفی و یا اثرگذاری رسانه بر کنترل انتظارات را مؤثر می دانید؟

رسانه ها یکی از منابع مهم انتظارات تورمی هستند. مردم به اخبار و اطلاعات منتشر شده در رسانه ها توجه می کنند، اما این بدان معنا نیست که باید رسانه ها را محدود کنیم و یا صورت مسئله را پاک کنیم، چرا که افراد از کانال های مختلف اطلاعات را دریافت می کنند. اینکه بخواهیم رسانه ها را به عنوان یک مشکل شناسایی کنیم، منطقی نخواهد بود. باید ساختار و بنیان های اقتصادی،

زمانی که ساختار سیاسی به گونه ای است که انتظارات تورمی را تشدید می کند، افراد به منظور حفظ ارزش دارایی های خود در شرایط تورمی، به سمت بازارهایی مانند بازار ارز می روند



رسانه ها مشکل تورم نیستند

رسانه ها یکی از منابع مهم انتظارات تورمی هستند. مردم به اخبار و اطلاعات منتشر شده در رسانه ها توجه می کنند، اما این بدان معنا نیست که باید رسانه ها را محدود کنیم و یا صورت مسئله را پاک کنیم، چرا که افراد از کانال های مختلف اطلاعات را دریافت می کنند. اینکه بخواهیم رسانه ها را به عنوان یک مشکل شناسایی کنیم، منطقی نخواهد بود.

بانک مرکزی
باید به بازار
آزاد ارز توجه
بیشتری داشته
باشد، چرا که
در چند سال
اخیر این بازار به
حاشیه رفته و در
مواردی نادیده
گرفته شده
است

همچنین چارچوب‌های سیاستی و تصمیم‌های
سیاسی اتخاذ شده را مورد بررسی قرار دهیم.
اگر فکر کنیم که با محدودیت رسانه‌ها می‌توان
نوسانات را کنترل کرد، این یک آدرس غلط
است. افراد عقلایی تصمیم می‌گیرند و امنیتی
کردن بازار، یورش به بازار و دستگیری چند
نفر با حتی مجازات‌های شدید، مشکلات را
حل نمی‌کند. چرا که افراد بر اساس اطلاعات
موجود بهترین تصمیمات را می‌گیرند. به عنوان
مثال، اگر کسی هزار سکه ثبت‌نام کرده، این کار
غیرمنطقی نیست، بلکه ناشی از سیاست‌های
نادرست اتخاذ شده توسط سیاست‌گذاران
است. در حال حاضر، نیز شرایط به همین صورت
است. اگر بخواهیم فقط به کنترل حلقه‌های
آخر بپردازیم، تأثیری نخواهد داشت. باید به
مراحل قبل برگردیم و سیاست‌های دقیق‌تری
اتخاذ کنیم. تنها در این صورت می‌توانیم بازارها
را کنترل کرده و ثبات را به سطح اقتصاد کلان
برگردانیم.

توصیه شما به بانک مرکزی برای حرکت در مسیر ثبات بخشی در بازار ارز در سال جاری چیست؟

بانک مرکزی باید به خوبی درک کند که بین
"ثبات" و "ثابت کردن" تفاوت وجود دارد.
تثبیت نرخ ارز در نهایت در یک ساختار
اقتصادی مانند اقتصاد ما منجر به جهش‌های
ناگهانی نرخ ارز می‌شود که پیامدهای منفی
بیشتری به همراه دارد. اگر اجازه دهیم نرخ ارز
بر اساس مکانیسم‌های طبیعی و در طول زمان
تغییر کند، آثار منفی آن در سطح اقتصاد
کمتر خواهد بود نسبت به زمانی که کنترل
می‌کنیم و سپس ناگهان نرخ ارز جهش پیدا
می‌کند. نکته دوم این است که بانک مرکزی
باید بررسی کند که چه تقاضاهایی وجود
دارد که پاسخ داده نمی‌شود و به همین دلیل
به سمت بازار آزاد می‌رود. برای تقاضاهای
مختلف، مکانیسم‌های متفاوتی تعریف شده
تا نرخ ارز کنترل شود، اما بخش زیادی از این
تقاضاهای بی‌پاسخ مانده و رقم قابل توجهی از
خروج سرمایه‌ها و پروازهای سرمایه‌ای ناشی
از آن است. به عنوان مثال، افرادی کارخانه
و خانه‌های خود را به فروش می‌رسانند و از
اقتصاد خارج می‌شوند، به همین دلیل نرخ
ارز افزایش می‌یابد. به نظر من، بانک مرکزی
باید توجه بیشتری به بازار آزاد داشته باشد و
عمق آن را افزایش دهد تا بتواند به سمت این
بازار حرکت کند. تجربه دهه ۸۰ نشان می‌دهد

که پس از یکسان‌سازی نرخ ارز، باید به بازار ارز
توجه بیشتری داشت و سعی کرد نرخ ارز رسمی
با نرخ بازار تفاوت چندانی نداشته باشد. البته
باید در نظر داشت که شرایط کنونی اقتصادی
ایران از نظر ارتباطات بین‌المللی و درآمدهای
نفتی بسیار متفاوت از دهه ۸۰ است. در آن
زمان، امکان کنترل این فاصله بین بازار آزاد و
نرخ رسمی وجود داشت. اکنون شرایط کمی
سخت‌تر است، اما وظیفه سیاست‌گذار همین
است. اگر سیاست‌گذار به این وظایف توجه
نکند و نتواند نرخ را کنترل کند و به سمت بازار
برود، هر کسی می‌تواند بر صندلی بانک مرکزی
بنشیند.

افزایش اقتدار و اعتبار بانک مرکزی در سیاست‌گذاری پولی تا چه میزان در کاهش انتظارات تورمی مؤثر است؟

اعتبار بانک مرکزی مسئله‌ای حیاتی است.
در بانک‌های مرکزی موفق در دنیا، اعتبار و
شهرت این نهاد بسیار بالا است و هر چه اعتبار
مقام پولی بیشتر باشد، انتظارات تورمی به
طرز قابل توجهی کنترل‌پذیرتر خواهد بود.
اعتبار بانک مرکزی از این ناشی می‌شود که
سیاست‌هایی را اعلام کند و سپس به آنها دست
یابد. به عنوان مثال، اگر پیش‌بینی شود که تورم
به ۲۵ یا ۳۰ درصد خواهد رسید و بانک مرکزی
بتواند در پایان دوره، این رقم را محقق کند، این
موضوع اعتبار مقام پولی را تقویت می‌کند.
این اعتبار قطعاً بر کنترل انتظارات و نوسانات
نرخ ارز تأثیرگذار است. با این حال، باید توجه
داشت که ممکن است نوسانات کوتاه‌مدت را
تجربه کنیم. به عنوان مثال، بانک مرکزی ممکن
است به عنوان یک نهاد معتبر اعلام کند که قصد
دارد نرخ ارز را به سطح مشخصی برساند، اما در
میان سال، حوادث غیرمترقبه‌ای ممکن است
رخ دهد که اثرات کوتاه‌مدت بر این روند داشته
باشد. با این وجود، نکته بسیار مهم این است
که اعتبار بانک مرکزی به عنوان عاملی کلیدی
در کنترل نوسانات نرخ ارز عمل می‌کند.

نرخ رشد نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد به محدوده ۲۳ تا ۲۵ درصد رسیده است. تحلیل شما از این کاهش نرخ رشد نقدینگی چیست؟

یکی از سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی کنترل
رشد نقدینگی بود که به این هدف دست یافت.



در بانک‌های
مرکزی موفق
دنیا، اعتبار
و شهرت این
نهاد بسیار بالا
است و هر چه
اعتبار مقام
پولی بیشتر
باشد، انتظارات
تورمی به طرز
قابل توجهی
کنترل پذیرتر
خواهد بود



اعتبارات به بخش تولید می‌تواند منجر به کاهش نقدینگی شود که این امر نتایج بدتری به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، انضباط‌های ایجاد شده در ترازنامه‌های بانک‌ها می‌تواند پدیده‌ای مثبت در اقتصاد باشد و اثرات مثبتی به همراه داشته باشد.

برای مقابله با اثرات منفی کسری بودجه دولت بر سیاست‌های پولی چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

مکانیزمی که گفته می‌شود تورم ناشی از فشار تقاضاست و نقدینگی منجر به تورم می‌شود، مربوط به کسری بودجه است. زمانی که کسری بودجه وجود دارد، برای تأمین آن فشارهایی به وجود می‌آید و حجم پول و نقدینگی برای تأمین مالی دولت و شرکت‌های دولتی افزایش می‌یابد. به عنوان مهم‌ترین سیاست در این زمینه، توصیه ما این است که به کارایی شرکت‌های دولتی و بخش دولتی توجه بیشتری داشته باشیم. اگر کارایی این بخش‌ها افزایش یابد، می‌توانیم این مشکل را کنترل کنیم و نگرانی‌ها کاهش می‌یابد. در حال حاضر، بخش دولتی ما با حداقل کارایی فعالیت می‌کند و اگر این کارایی افزایش یابد، می‌توان امور را با بودجه‌های پایین‌تر مدیریت کرد و نگرانی‌ها از این سمت برطرف خواهد شد. به این ترتیب، می‌توان با همان بودجه‌های معمول، امور را به نحو مؤثری مدیریت کرد.

به نظر من، این موفقیت برای بانک مرکزی مثبت است و می‌تواند به اعتبار این نهاد کمک کند و شهرت مقام پولی را در نظر کارگزاران اقتصادی تقویت کند، با این حال، باید در نظر داشت که اگر هدف از کاهش نقدینگی کنترل تورم باشد، تأثیر تورم در جامعه صرفاً ناشی از نقدینگی نیست. در کشور ما، به دلیل وابستگی تولید به نهاده‌های واسطه‌ای، نوسانات نرخ ارز می‌تواند منجر به تورم هزینه‌ای شود. بنابراین، دستیابی به هدفی مانند کنترل و کاهش تورم تنها از طریق کاهش نقدینگی ممکن نیست. بلکه لازم است که هر سه نوع تورم (تورم ناشی از تقاضا، تورم ناشی از هزینه و تورم ناشی از انتظارات) به طور همزمان کنترل شود تا بتوان به کاهش واقعی تورم دست یافت.

حل چالش رشد نقدینگی چه نتایجی به همراه دارد؟

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که تورم یک پدیده پولی است و زمانی که نقدینگی کاهش می‌یابد، تورم نیز کاهش می‌یابد. با این حال، باید توجه داشت که کاهش نقدینگی همیشه مثبت نیست. افزایش یا کاهش نقدینگی زمانی مطلوب است که با سرعت فعالیت‌های اقتصادی هماهنگ باشد. رشد نقدینگی زمانی به یک پدیده منفی تبدیل می‌شود که نتواند تولید را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه منجر به تورم شود. بنابراین، باید دلایل کاهش نقدینگی را بررسی کنیم. گاهی اوقات، کاهش



مجتبی کاروان، عضو اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

اقدامات بانک مرکزی جهش نرخ ارز را متوقف کرد

- یکی از اقداماتی که بانک مرکزی انجام داده، کنترل نقدینگی است که به کنترل نرخ ارز کمک کرده است
- انتظار می‌رفت نرخ دلار در بازار آزاد فراتر از عدد فعلی باشد اما با تمهیداتی که اندیشیده شد، نرخ ارز کنترل شد
- باید فضا را به سمتی هدایت کرد که نگاه ارزمحوری کم‌رنگ شود و ریال قوت خود را پیدا کند



۴۸



اقتصاد

• شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ •

در دو سال گذشته، بانک مرکزی به منظور کنترل نرخ ارز و تثبیت اقتصادی، مجموعه‌ای از سیاست‌های متنوع و هدفمند را به اجرا گذاشته است. این اقدامات به ویژه در شرایطی که کشور با چالش‌های اقتصادی و تورمی مواجه بود، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. یکی از اصلی‌ترین سیاست‌ها، مدیریت عرضه و تقاضای ارز از طریق مداخله مستقیم در بازار ارز بود. بانک مرکزی با فروش ارز در بازار و تأمین نیازهای ارزی واردکنندگان، سعی در کاهش نوسانات نرخ ارز داشت. همچنین، ایجاد بازار ثانویه ارز به منظور تسهیل دسترسی به ارز برای فعالان اقتصادی و کاهش فشار بر بازار آزاد، از دیگر اقدامات مؤثر این نهاد بود. علاوه بر این، بانک مرکزی با افزایش نرخ بهره و اعمال سیاست‌های پولی انقباضی، تلاش کرد تا نقدینگی را کنترل کند و از این طریق به کاهش فشار تورمی و نوسانات ارزی کمک کند. این سیاست‌ها به ویژه در سال گذشته تأثیرگذار بود و توانست تا حدی از افزایش بی‌رویه نرخ ارز جلوگیری کند. همچنین، بانک مرکزی با تقویت روابط خود با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت‌های تجاری، تلاش کرد تا منابع ارزی کشور را افزایش دهد. این اقدامات به همراه سیاست‌های اقتصادی دیگر، به تثبیت نسبی نرخ ارز و ایجاد شرایطی پایدارتر در بازار ارز کمک کرد. با این حال، چالش‌های ساختاری و تحریم‌های بین‌المللی همچنان بر بازار ارز تأثیرگذار بودند و نیاز به سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و مستمر برای حفظ ثبات اقتصادی و ارزی احساس می‌شود. در اینباره با مجتبی کاروان، عضو اتاق بازرگانی ایران به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

بانک مرکزی در دوره اخیر تلاش کرده دیپلماسی بانکی را تقویت کند و اقداماتی برای توسعه تجارت، به ویژه بین ایران و روسیه انجام شده است، این اقدامات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قطعاً باید در زمینه دیپلماسی فعال‌تر از گذشته عمل کنیم. اقداماتی در تجارت بین ایران و روسیه انجام شده که توانسته بخشی از نقل و انتقالات پولی را حل کند، این دیپلماسی باید در مورد سایر کشورها نیز گسترش یابد. در حوزه عراق، با

وجود آنکه لازم است تا همکاری بین بانک‌های ایران و عراق اتفاق بیفتد، این همکاری به خوبی شکل نمی‌گیرد و به دلیل تحریم‌ها، بانک‌های عراق همکاری لازم را ندارند. بنابراین، باید این دیپلماسی تقویت شود و نتایج آن را در آینده بررسی کنیم تا ان شاء الله شاهد شرایط بهتری در حوزه بانکی و مراوده با کشورهای همسایه باشیم.

اجرای سیاست تثبیت توسط بانک مرکزی با هدف تثبیت نرخ ارز و کنترل نرخ تورم انجام شد، این اقدامات چقدر به کنترل نرخ ارز منجر شده است؟

یکی از اقداماتی که بانک مرکزی انجام داده، کنترل نقدینگی است. انتظار می‌رفت نرخ دلار در بازار آزاد فراتر از عدد فعلی باشد، اما با توجه به تمهیداتی که اندیشیده شد، نرخ ارز کنترل شد. با این حال، سیاست تثبیت تبعاتی نیز داشت و مسئله‌ای که فعالان اقتصادی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش از سیستم بانکی است که با مشکلاتی مواجه شده‌اند. باید شرایطی را پیش‌بینی کنیم که هم فعالان اقتصادی، کارخانه‌داران و صنعتگران برای تأمین سرمایه در گردش دچار مشکل نشوند و هم بر کنترل نقدینگی و نرخ ارز تسلط داشته باشیم. تکنیک این دو موضوع کار سختی است، اما شدنی است. بدون شک، اقدام بانک مرکزی در رابطه با کنترل نرخ ارز مؤثر بوده است

تأمین ارز از بین و مراسم حج به ارزهای غیر دلاری، چقدر می‌تواند به ثبات نرخ ارز کمک کند؟

وقتی بانک مرکزی اعلام می‌کند که ارز آزاد نداریم، موظف است حداقل آنچه یک زائر یا مسافر نیاز دارد را در اختیارش قرار دهد. بانک مرکزی با این اقدام، جریان تقاضای بازار آزاد را کاهش داده و توانسته کنترل نرخ ارز را در دست بگیرد. بدون شک، هم سفر و زیارت وجود دارد و هم اینگونه اقدامات می‌تواند به کاهش تقاضا در بازار منجر شود و از افزایش کاذب قیمت‌ها جلوگیری کند.

اقدامات بانک مرکزی در راستای سیاست تثبیت، چقدر به پیش‌بینی‌پذیری بازار و تجارت و فعالان اقتصادی کمک کرده است؟

باید شرایطی را پیش‌بینی کنیم که فعالان اقتصادی برای تأمین سرمایه در گردش دچار مشکل نشوند



وقتی شرایط
برای فعالان
اقتصادی مهیا
شود، ارزآوری
بیشتری
خواهند داشت
و مشکل ارزی
مادر بازار تقاضا
حل خواهد شد

به دلیل متغیرهای متعددی که در جامعه وجود دارد و همچنین شرایط سیاسی برون مرزی ثبات اقتصادی، آنطور که باید و شاید شکل نگرفته است و همه انتظار تورمی را در ذهن خود دنبال می کنند. با این حال، بانک مرکزی در کوتاه مدت به سمت ثبات حرکت کرده است، اما آنچه که تاجر، صنعتگر و بازرگان ما به آن تکیه کند، عملاً امکان پذیر نیست و فعالیتهای اقتصادی نمی تواند به صورت کوتاه مدت برنامه ریزی شود.

قطعاً بانک مرکزی باید به سمت تک نرخی شدن ارز برود. وجود چند نرخ ارز برای فعالیتهای اقتصادی ریسک زیادی به همراه دارد و این سوال پیش می آید که امروز در کدام گروه قرار داریم، آیا ارز به ما تخصیص داده می شود، آیا نیمایی یک یا نیمایی دو هستیم، یا باید ارز حاصل از صادرات را دریافت کنیم؟ این مسائل، با توجه به تصمیمات خلق الساعه ای که در خصوص کنترل نرخ ارز اتخاذ می شود، فعالان اقتصادی را دچار بحران می کند و آنها نمی توانند تصمیم گیری حداقل میان مدتی داشته باشند. لذا شاید برخی اتفاقات در کوتاه مدت اثرگذار باشند، اما برای تکیه کردن فعالان اقتصادی بر ثبات بازار کافی نیست.

توصیه شما به بانک مرکزی در این زمینه چیست؟

با توجه به شرایط کشور، در عرضه دلار با محدودیت هایی مواجه هستیم. به دلیل کنترل تورم، نرخ هایی تعریف شده و از سوی دیگر، فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان مجبورند با نرخ های آزاد کالا تولید و صادر کنند و ارز خود را با نرخی که بانک مرکزی تعیین می کند، بفروشند. متأسفانه، جریان صادرات غیرنفتی ما به دلیل برخی مسائل کاهش یافته است. پیشنهاد مشخص من این است که ارز، به جز ارز معیشت و دارو، تک نرخی شود تا فعالان اقتصادی بتوانند براساس آن تصمیم گیری کنند. به جای اینکه ارز خود را با نرخ سنا عرضه کنند، باید هزینه هایی که در داخل کشور می کنند با نرخ ارز آزاد محاسبه شود. بانک مرکزی باید به این موضوع توجه کند که اگر اقتصاد بخواهد به ثبات برسد، باید ارز را تک نرخی کند. وقتی شرایط برای فعالان اقتصادی مهیا شود، ارزآوری بیشتری خواهند داشت و مشکل ارزی مادر بازار تقاضا حل خواهد شد. این مسائل به هم مرتبط هستند. وقتی بر صادرات غیرنفتی تأکید داریم، باید این اقدام برای فعالان اقتصادی توجیه پذیر

باشد. ما با تحریم ها و مشکلات نقل و انتقال پول مواجهیم، اما با وجود این مسائل و برخی ضوابط و مقررات، جذابیتی برای فعالان اقتصادی وجود ندارد. به همین دلیل، آنها ترجیح می دهند محصولات خود را در بازار داخلی بفروشند، به ویژه در مورد محصولات پتروشیمی و صنعت فولاد که شرایط بهتری در بازار داخل دارند. باید شرایطی را برای صنعتگران فراهم کنیم که مزیت صادراتی داشته باشند تا به سمت صادرات حرکت کنند، زیرا در نهایت ارز صادراتی وارد کشور می شود. به تدریج، خود بازار تنظیم می شود و نرخ دلار تنها به دلیل جریان عرضه و تقاضا افزایش می یابد. شرایط برای ارزآوری محدود است، اما تقاضا به قوت خود باقی است. ذهنیتی که در جامعه برای انتظارات تورمی و کاهش نرخ ارز وجود دارد، افراد را به سمت تبدیل ریال به ارز سوق می دهد و این امر منجر به تقاضای کاذب و افزایش نرخ ارز می شود. اگر ارز نرخ مشخصی داشته باشد و شرایط برای صادرات مهیا شود، و ارز وارد کشور شود، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد.

عده ای از ارز به عنوان لنگر اسمی اقتصاد ایران نام می برند، این مسئله چقدر بر نوسان نرخ ارز تأثیرگذار بوده است؟

متأسفانه شرایط بازار ما با نرخ ارز گره خورده است. با وجود اینکه ممکن است بخشی از فعالیت های ما با موضوع ارز مرتبط نباشد، اما بخش دیگری از آن به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می گیرد. فضای جامعه به شدت تحت تأثیر نرخ ارز قرار گرفته و این موضوع امروز نیست، بلکه در دهه گذشته با این مسئله به طور جدی درگیر بوده ایم و ذهن جامعه به این سمت هدایت شده است. فضا به گونه ای شده که ارزش ریال روز به روز کاهش می یابد و بنابراین افراد اقدام به تبدیل دارایی های خود می کنند که رایج ترین آنها ارز، طلا، خودرو و مسکن است. هر روز، هر کاسب و فعال اقتصادی و حتی افراد در رده خدمات، نرخ ارز را رصد می کنند. رسالت بانک مرکزی در این خصوص بسیار حائز اهمیت است. به نظر می رسد بانک مرکزی می تواند با برنامه ریزی و پایه ریزی یکسری مسائل در میان مدت و بلندمدت فضا را به سمتی هدایت کند که نگاه از محوری کمرنگ شود و ریال قوت خود را پیدا کند.



چرا بودجه سال ۱۴۰۴ مهم است؟

عبرت‌های بودجه ناتراز

- تدوین بودجه ناتراز در دولت و تشدید ناترازی در مجلس، تمام تدابیر سیاست‌گذار پولی برای کاهش تورم را بی‌اثر خواهد کرد
- روند ده‌ها سال بودجه‌نویسی نشان می‌دهد که دولت همواره بودجه را با ناترازی تدوین کرده و مجلس نیز همواره این ناترازی را تشدید کرده است
- حیاتی‌ترین اقدامی که سازمان برنامه و بودجه در تدوین لایحه بودجه سال آتی باید مدنظر قرار دهد، محدود کردن رشد سقف بودجه است
- مسئله بسیار مهم، رفع حداکثری ناترازی‌های تورم‌ساز در بودجه سال آینده است

۵۱



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

با وجود بهبود چشمگیر منابع درآمدی دولت و همچنین کنترل رشد هزینه‌ها در ۳ سال اخیر کسری تراز عملیاتی دولت در سال گذشته به نزدیک ۶۰۰ همت رسید

جزئیات دخل و خرج دولت در سال گذشته توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به تازگی منتشر شده است. طبق اعلام وزارت اقتصاد، حدود ۹۱ درصد منابع پیش‌بینی شده در بودجه سال گذشته وصول شده است. منابع عمومی وصول شده به ترتیب شامل درآمدها حدود ۵۰ درصد، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای حدود ۲۲ درصد و واگذاری دارایی‌های مالی حدود ۲۷ درصد بوده است.

درآمدهای مالیاتی بزرگ‌ترین منبع درآمدی دولت بوده که کمتر از درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده، وصول شده است. مالیات اشخاص حقوقی و مالیات بر درآمد بیشتر از میزان پیش‌بینی نهایی در بودجه سال ۱۴۰۲ وصول شده و سایر اجزای درآمدهای مالیاتی وصول شده کمتر از میزان پیش‌بینی نهایی در بودجه سال ۱۴۰۲ بوده است. منابع حاصل از فروش اوراق مالی اسلامی ۱۴.۸۴ درصد از منابع عمومی دولت در سال ۱۴۰۲ را تشکیل داده که این نسبت در مقایسه با سال قبل ۵.۷۸ درصد افزایش داشته است.

مقایسه گزارش عملکرد بودجه سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که نسبت مصارف هزینه‌ای به کل مصارف عمومی از ۷۴.۳۹ درصد به ۷۷.۶۲ درصد، نسبت مصارف تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به کل مصارف عمومی از ۱۶.۷۷ درصد به ۱۴.۰۲ درصد و نسبت مصارف تملک دارایی‌های مالی به کل مصارف عمومی از ۸.۸۴ درصد به ۸.۳۶ درصد رسیده است.

کسری تراز عملیاتی در سال ۱۴۰۲ مبلغ ۵۹۲ هزار و ۹۵۴ میلیارد تومان (حدود ۵۹۳ همت)، یعنی معادل ۳۰.۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۷.۲۷ درصد نیز عملکرد بودجه سال ۱۴۰۲ بوده است.

طبق اعلام وزارت اقتصاد، این میزان کسری از محل مازاد تراز سرمایه‌ای و مالی جبران شده است. همچنین کسری تراز عملیاتی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل مبلغ ۱۵۸ هزار و ۱۷۰ میلیارد تومان افزایش داشته است.

ارقام یاد شده در گزارش وزارت اقتصاد، به وضوح حاکی از تداوم کسری بودجه قابل توجه در ساختار بودجه کشور است. با وجود بهبود چشمگیر منابع درآمدی دولت و همچنین کنترل رشد هزینه‌ها در ۳ سال اخیر، کسری تراز عملیاتی دولت در سال گذشته به نزدیک ۶۰۰ همت رسید. طی ۳ سال اخیر، دولت از طریق احیای درآمدهای نفتی و مالیاتی، توانست بخشی از کسری بودجه

را جبران کرده و مانع از تشدید بحران ناترازی مالی سال‌های پایانی دهه ۹۰ شود. افزایش سهم منابع پایدار به بیش از نیمی از منابع بودجه، یکی از نشانه‌های همین تلاش‌ها برای ارتقای بنیه درآمدی دولت بود.

علاوه بر این، محدود کردن رشد هزینه‌ها به ویژه هزینه‌های جاری، اقدام دیگر دولت برای کنترل ناترازی از سمت هزینه‌ها بود. طی این سال‌ها، حقوق کارمندان دولت که سخت‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین بخش از هزینه‌هاست، همواره کمتر از تورم رشد یافت. با همه این اقدامات، گزارش وزارت اقتصاد نشان می‌دهد سهم هزینه‌های جاری از کل هزینه‌ها در سال گذشته افزایش یافته است.

انتشار گزارش وزارت اقتصاد از ناترازی شدید بودجه دولت در سال گذشته، درست در موعد شروع فرایند تدوین بودجه سال آینده، عبرت‌های ارزشمندی در اختیار مسئولان سازمان برنامه و بودجه و از همه مهم‌تر نمایندگان مجلس قرار می‌دهد. در شرایطی که کشور طی ۶ سال اخیر تورم بالا را تجربه کرده و پس از مدت‌ها روند نزولی تورم طی یکسال اخیر آغاز شده، تدوین بودجه ناتراز در دولت و تشدید ناترازی در مجلس، تمام تدابیر سیاست‌گذار پولی برای کاهش تورم را بی‌اثر خواهد کرد.

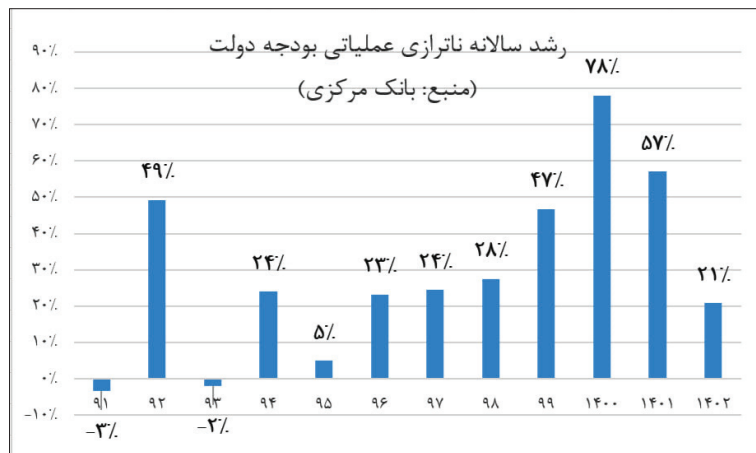
بر همین اساس لازم است سازمان برنامه در فرایند تدوین بودجه سال آینده، شاخص "کاهش حداکثری ناترازی مالی دولت" را نسبت به دیگر شاخص‌ها در اولویت قرار دهد. پس از تدوین بودجه توسط دولت، نوبت به نمایندگان مجلس می‌رسد که در اصلاح لایحه و تصویب قانون بودجه، از هرگونه افزایش هزینه خودداری کنند.

روند ده‌ها سال بودجه‌نویسی نشان می‌دهد که دولت همواره بودجه را با ناترازی تدوین کرده و مجلس نیز همواره این ناترازی را تشدید کرده است. اکنون و در شرایطی که کشور در بدترین دوره تورمی خود از لحاظ نرخ و مدت تورم به سر می‌برد، لازم است دولت و مجلس تمام تلاش خود را برای کاستن حداکثری از ناترازی بودجه به کار گیرند. بر همین اساس، چند نکته در تدوین و تصویب بودجه ۱۴۰۴ از منظر رفع ناترازی و کمک به کاهش تورم اهمیت می‌یابد.

محدود کردن رشد سقف بودجه

اولین، ساده‌ترین و البته حیاتی‌ترین اقدامی که سازمان برنامه و بودجه در تدوین لایحه بودجه سال آتی باید مدنظر قرار دهد، محدود کردن رشد سقف بودجه است. با توجه به رویه همیشگی





کاهش سهم اوراق از منابع بودجه

اقدام مهم دیگر سازمان برنامه برای تکمیل برنامه‌های ضدتورمی دولت، کاهش حداکثری وابستگی بودجه به انتشار اوراق است. هرچند طی ۳ سال اخیر وابستگی بودجه به انتشار اوراق کاهش یافته، اما ادامه این روند و حتی کاهش بیشتر سهم اوراق از منابع بودجه، کمک بسیاری به سیاست کاهش رشد نقدینگی بانک مرکزی خواهد کرد.

با توجه به کاهش نرخ رشد نقدینگی به ۲۶.۸ درصد در پایان خرداد ماه امسال، کنار کشیدن دولت از بهره‌مندی از جریان تسهیلات دهی بانک‌ها و جایگزین شدن دولت با بخش تولید و مصرف‌کننده نهایی در بهره‌مندی از جریان تامین مالی بانکی، کمک بسیاری به کاهش اثرات رکودی سیاست ضدتورمی بانک مرکزی می‌کند. در غیر این صورت، انتشار بی‌رویه اوراق بدهی، باعث کشیده شدن بیشتر جریان تسهیلاتی بانک‌ها به بودجه دولت و در نتیجه بی‌بهره ماندن بخش تولید و عموم جامعه از تامین مالی بانکی شده و در چنین شرایطی، فشار سیاست ضدتورمی بانک مرکزی به شکل تصاعدی بر تولید و مردم تحمیل می‌شود. این همان پدیده‌ای است که در ادبیات رایج علم اقتصاد، از آن به عنوان برون‌رانی بخش خصوصی (Crowding Out) یاد می‌شود. از همین رو، کاهش انتشار اوراق به ویژه اوراقی که بانک‌ها خریدار آن هستند، تدبیر مهمی در کاهش تورم و همچنین کاهش اثرات رکودی سیاست کنترل نقدینگی بانک مرکزی به شمار می‌رود.

مجلس در افزایش سقف بودجه و هزینه تراشی‌های گزاف، لازم‌است دولت برای جلوگیری از رشد شدید سقف بودجه، لایحه مذکور را با کمترین رشد هزینه نسبت به قانون سال جاری، تقدیم مجلس کند تا در صورت اضافه شدن هزینه‌ها، در سال آینده با بحران کسری بودجه و تبعات تورمی آن مواجه نشود.

رفع ناترازی‌های تورم‌ساز

مسئله بسیار مهم دیگر، رفع حداکثری ناترازی‌های تورم‌ساز در بودجه سال آینده است. چنانکه رئیس سازمان برنامه هم بارها بر ضرورت رفع ناترازی‌ها تاکید کرده، حل این مسئله یا حداقل کاستن از شدت آن، می‌تواند کمک بسیاری به کاهش تورم در کشور باشد. بر همین اساس انتظار می‌رود سازمان برنامه و بودجه در همکاری و هماهنگی با دستگاه‌های دیگر از جمله بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت رفاه، مهم‌ترین ناترازی‌های تورم‌ساز را شناسایی کرده و با برطرف کردن یا کاستن از آن ناترازی‌ها، نیروی تورمی آنها را تا حد ممکن کاهش دهد.

به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین ناترازی‌های تورم‌ساز، ناترازی بانک‌هاست. با توجه به بدهکاری دولت به شبکه بانکی، پرداخت بخشی از طلب بانک‌های ناتراز، می‌تواند به کاهش ناترازی آنها و کاهش اضافه برداشت آنها از ذخایر بانک مرکزی کمک کرده و علاوه بر بازپرداخت بدهی دولت، کاهش تورم را تسریع کند. مثال‌های دیگر در این رابطه، پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی، پیمانکاران و... است که می‌تواند به رفع ناترازی‌های تورم‌ساز کمک چشمگیری کند.



ضرورت خروج اقتصاد ایران از تورم‌های بالا

چرا کنترل تورم باید اولویت دولت چهاردهم باشد؟

- کاهش سلطه مالی و کنترل کسری بودجه، باید به عنوان یکی از راهبردهای اساسی در دولت چهاردهم دنبال شود
- سیاست گذار پولی با کنترل رشد نقدینگی و ایجاد ثبات ارزی، بستر مناسبی برای کنترل پایدار تورم فراهم کرده است
- استقلال بانک مرکزی برای ثبات قیمت‌ها مهم است و این ثبات برای رشد پایدار بلندمدت مهم خواهد بود
- بانک مرکزی باید با مدیریت صحیح و به موقع بازار ارز، از ایجاد نوسانات شدید جلوگیری کند

امیرحسین موسوی

پژوهشگر اقتصادی

۵۴



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

باتداوم
نرخ‌های تورم
بالا، دورقمی
و مستمردر
کشور، ضرورت
کنترل و کاهش
آن بیش از پیش
احساس شد

پایدار تورم فراهم کرده است. این اقدامات باید به طور مستمر ادامه یابد تا تورم روند نزولی خود را ادامه دهد و به سطوح پایدارتر و قابل کنترل‌تری برسد. سیاست‌های پولی محتاطانه نظیر کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها از یکسو و از سوی دیگر مدیریت دقیق بازار ارز و ایفای نقش فعال از سوی بانک مرکزی، می‌تواند به ایجاد اعتماد در میان کارگزاران اقتصادی و کاهش انتظارات تورمی کمک کند. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر اهمیت مهار تورم به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی کشور تاکید کرده‌اند و مجدداً در دیدار اخیرشان با اعضای دولت چهاردهم به این موضوع اشاره کردند. اشاره مجدد ایشان نشان‌دهنده ضرورت و اهمیت اقداماتی است که در جهت کنترل تورم بایستی انجام شود. بانک مرکزی و دولت باید با هماهنگی و همکاری، به این هدف مهم دست یابند و از تمام ابزارهای موجود برای کنترل تورم استفاده کنند.

لزوم وجود تعهد به کاهش تورم

متوقف شدن روند کاهش تورم ممکن است سرمایه‌گذاران و کارگزاران اقتصادی را غافلگیر کند، زیرا آنها به طور متوسط به دلیل تداوم روند نزولی تورم در طی یک و نیم سال گذشته، متقاعد شده‌اند که مقابله علیه تورم از قبل پیروز شده و نرخ‌های پایین‌تر می‌تواند حاکم شود. در اقتصادهایی که هنوز با تورم پایدار و بالای هدف مواجه هستند، بانک‌های مرکزی نباید به طور زودهنگام سیاست‌های ضدتورمی خود را تضعیف کنند تا از نیاز به بازگشت به عقب در آینده جلوگیری کنند. آنها همچنین باید در برابر انتظارات بیش از حد خوشبینانه سرمایه‌گذاران برای تسهیل سیاست‌های پولی ایستادگی کنند که منجر به برخی از شتاب‌زدگی‌ها در بازارهای مالی نشود. البته، در نقطه‌ای بهبود شرایط تورمی نمایان می‌شود که به طور پایدار به سمت هدف در حال حرکت باشد، بانک‌های مرکزی باید به تدریج به سمت موضع کمتر محدودکننده در سیاست حرکت کنند.

حفظ ثبات مالی در مراحل پایانی نیازمند یک رویکرد چندجانبه است. مقام پولی باید اقداماتی انجام دهد تا اطمینان حاصل شود که بانک‌ها و سایر نهادهای مرتبط می‌توانند در مسیر اهداف ضدتورمی سیاست‌گذار پولی همراهی کنند. ناظران باید اجرای کامل و سازگار استانداردهای احتیاطی توافق شده بین‌المللی، به ویژه نهایی کردن مرحله‌بندی Basel III را در اولویت قرار دهند. پیشرفت بیشتر در چارچوب‌های بازایی

تورم یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران است که تأثیر گسترده‌ای بر رفاه عمومی جامعه می‌گذارد، در یک دهه گذشته با تداوم نرخ‌های تورم بالا، دورقمی و مستمر در کشور، ضرورت کنترل و کاهش آن بیش از پیش احساس شد. بانک مرکزی به عنوان نهاد اصلی مسئول در حوزه سیاست‌های پولی، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. تورم علاوه بر تأثیر مستقیم بر زندگی روزمره مردم، می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش نرخ بیکاری و بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود. بنابراین در ادبیات متعارف اقتصادی، کنترل تورم نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز رشد پایدار و توسعه اقتصادی باشد. بانک مرکزی به عنوان نهاد اصلی در تعیین و اجرای سیاست‌های پولی، ابزارهای متعددی برای کنترل تورم در اختیار دارد که از جمله این ابزارها می‌توان به تغییر نرخ بهره، کنترل رشد نقدینگی و بازارسازی در بازار ارز اشاره کرد.

کنترل پایدار تورم، اولویت دولت چهاردهم

در دولت چهاردهم، یکی از اولویت‌های اقتصادی باید کنترل کسری بودجه و کاهش سلطه مالی باشد. کسری بودجه را می‌توان به معنای افزایش بدهی‌های دولت برای تأمین هزینه‌های جاری و نیاز به استقراض بیشتر دانست که می‌تواند به افزایش نقدینگی و در نهایت افزایش تورم منجر شود. دولت باید با کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش درآمدهای پایدار، به کنترل کسری بودجه بپردازد. این اقدام می‌تواند به افزایش اثربخشی سیاست‌های پولی بانک مرکزی و کنترل بهتر تورم کمک کند.

یکی از اقدامات مهم بانک مرکزی برای کنترل تورم، کنترل رشد نقدینگی است. رشد فزاینده نقدینگی یکی از عوامل اصلی ایجاد تورم در بازه بلندمدت است. بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست‌های پولی محتاطانه از افزایش رشد نقدینگی بیش از میانگین بلندمدت پرهیز کند. علاوه بر این، ایجاد ثبات در بازار ارز نیز نقش مهمی در کنترل تورم دارد. نوسانات شدید نرخ ارز می‌تواند به شوک‌های قیمتی و افزایش تورم منجر شود. بنابراین، بانک مرکزی باید با مدیریت صحیح و به موقع بازار ارز، از ایجاد نوسانات شدید جلوگیری کند.

سیاست‌گذار پولی با کنترل رشد نقدینگی و ایجاد ثبات ارزی، بستر مناسبی برای کنترل



از اقتصاد حمایت شود و ثبات اقتصادی را تقویت کند. مسئولیت دیگری که معمولاً با بانک‌های مرکزی مشترک است، حفظ یک سیستم مالی قوی و تنظیم شده است.

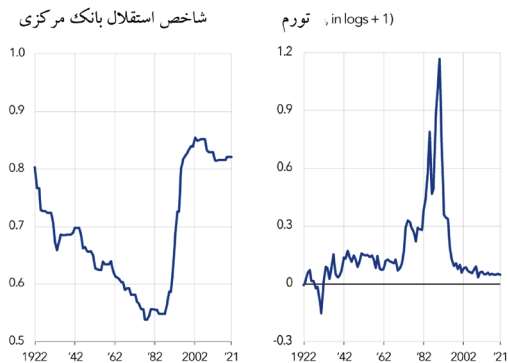
ثبات مالی به نفع کل اقتصاد است و خطر اینکه بانک مرکزی به دلیل ترس از ایجاد فروپاشی مالی، وادار به افزایش نرخ بهره شود را کاهش می‌دهد. در دنیا اقداماتی از زمان بحران مالی برای تقویت نهادهای مالی انجام شده است، از جمله اینکه در بازارهای نوظهور، به بانک‌های مرکزی این امکان داده شده تا بدون آسیب به سیستم مالی، نرخ‌ها را به طور چشمگیری تغییر دهند که این دستاورد باید حفظ شود. زمانی که بانک‌های مرکزی و دولت‌ها هر یک نقش خود را به درستی ایفا کنند، شاهد کنترل بهتر تورم، نتایج بهتر در رشد اقتصادی، اشتغال و کاهش ریسک‌های ثبات مالی خواهیم بود. تلاش برای بهبود حکمرانی و چارچوب‌های قانونی در بازار پول و ارز نیز در تحقق این اهداف جایگاه ویژه‌ای دارد.

استقلال بانک مرکزی برای مهار تورم و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در بلندمدت، امری حیاتی است. یک مطالعه صندوق بین‌المللی پول، با نگاهی به ده‌ها بانک مرکزی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱، نشان می‌دهد که بانک‌هایی که امتیازات استقلال قوی‌تری داشتند، در کنترل انتظارات تورمی مردم موفق‌تر بودند، که به پایین نگه داشتن تورم کمک می‌کند. استقلال مقام پولی بسیار مهم است و در بین کشورها در هر سطح درآمدی غالب شده است. مطالعه دیگری از صندوق بین‌المللی پول که ۱۷ بانک مرکزی آمریکای لاتین را در طول ۱۰۰ سال گذشته دنبال می‌کند، عواملی از جمله استقلال تصمیم‌گیری، وضوح مأموریت و اینکه آیا می‌توان آنها را مجبور کرد به دولت وام بدهند را بررسی می‌کند. همچنین دریافت که استقلال بیشتر با نتایج تورمی بسیار بهتر همراه است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی برای ثبات قیمت‌ها مهم است و ثبات قیمت برای رشد پایدار بلندمدت مهم است. حکمرانی قوی کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که سیاست پولی قابل پیش‌بینی و مبتنی بر دستیابی به اهداف بلندمدت الزامی است، نه دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت. این با یک دستور قانونی روشن شروع می‌شود که ثبات قیمت را به عنوان هدف اصلی تعیین می‌کند. (نمودار ۱)

تأثیر استقلال بانک مرکزی بر کنترل تورم

Higher central bank independence is associated with lower inflation.

100 years of central bank independence and inflation in Latin America



Source: Central bank legislation; IMF International Financial Statistics and World Economic Outlook data. See IMF Working Paper No. 2022/186 for details. Note: The correlation coefficient between the two variables is -0.5069.

IMF

و حل و فصل نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، تا تبعات ناشی از فروپاشی موسسات ناتراز را محدود کند. بانک مرکزی باید اطمینان حاصل کند که بانک‌ها در صورت نیاز به ذخایر مازاد به آن دسترسی دارند و آماده باشند تا به طور زود هنگام برای حل مشکلات تأمین مالی در بخش مالی مداخله کنند.

مسئولیت سایر نهادهای دولتی در همراهی بانک مرکزی برای مهار تورم

سایر نهادهای دولتی مسئولیت‌های جدی در کمک به بانک‌های مرکزی برای دستیابی به اهداف تعیین شده و مقابله با چالش‌های مهار تورم دارند. این مسئولیت‌ها شامل نه تنها قوانین اعلام‌کننده استقلال، بلکه رعایت دقیق و روح این قوانین نیز می‌شود. این امر همچنین به این معناست که باید در نظر گرفته شود که دیگر اقدامات سیاستی چگونه بر وظایف بانک‌های مرکزی تأثیر می‌گذارند.

اجرای سیاست‌های مالی محتاطانه که به حفظ پایداری بدهی دولت کمک می‌کند، به کاهش ریسک "سلطه مالی" کمک می‌کند، یعنی فشاری که بر بانک مرکزی برای ارائه تأمین مالی کم‌هزینه به دولت وجود دارد و در نهایت منجر به افزایش تورم می‌شود. احتیاط مالی همچنین فضای بیشتری در بودجه فراهم می‌کند تا در مواقع نیاز



نمودار ۱

تأثیر استقلال بانک مرکزی بر کنترل تورم

۵۶



اقتصاد

شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳



اعتبار بانک مرکزی در افکار عمومی افزایش یافت

سیگنال دهی منفی ارز به بازارها متوقف شد

- سرایت تورم از بازار ارز به دیگر بازارها عمدتاً از دو مسیر حقیقی و انتظاری رخ می‌دهد
- سیاست‌گذار با پذیرش اثرپذیری سایر بازارها از بازار ارز ثبات این بازار را، راهکار ثبات دیگر بازارها می‌داند
- بانک مرکزی با مداخلات مستقیم در بازار ارز، به کنترل نوسانات و ایجاد ثبات کمک کرده است
- نحوه مداخله سیاست‌گذار در بازار ارز دگرگون شده و از "ارزپاشی کور" به "بازارسازی" تغییر کرده است

۵۷



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

حمید کمار

پژوهشگر اقتصادی

سیاست‌گذار
برای
ثبات بخشی
به بازار ارز و
پیش بینی
پذیر کردن
آن، اقدامات
مختلفی در
دستور کار خود
قرار داد

بازار دارایی‌ها طی یکسال و نیم اخیر، شاهد ثبات بی‌سابقه‌ای از سال ۹۷ به این سو بوده‌اند. پس از بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه کشور، موج جهش قیمت تمام بازارهای کشور را فراگرفت. اولین بازاری که از تحریم‌ها متأثر و دچار جهش قیمتی شد، بازار ارز بود. نرخ ارز که در ابتدای سال ۹۷ حوالی ۵ هزار تومان بود، در میانه همان سال به بیش از ۱۵ هزار تومان هم رسید. همین جهش قیمتی در بازار ارز پس از مدت کوتاهی به سایر بازارها سرایت کرد و بدین ترتیب، موج تورمی حاصل از آن، اقتصاد کشور را درنوردید. همین وضعیت در سال ۹۹ و ۱۴۰۱ هم کمابیش تکرار شد. سرایت تورم از بازار ارز به دیگر بازارها عمدتاً از دو مسیر حقیقی و انتظاری رخ داد. مسیر حقیقی شامل اثرگذاری واقعی افزایش نرخ ارز بر قیمت تمام شده کالاهای وارداتی و در نهایت افزایش قیمت مصرف‌کننده این کالاهای داخلی با مواد اولیه وارداتی شد. مسیر دوم، اما شوک تورمی رخ داده در بازار ارز را به مراتب سریع‌تر به دیگر بازارها منتقل کرد. شکل‌گیری انتظارات تورمی در پی جهش قیمت ارز، سبب شد فعالان دیگر بازارها به پیشواز تورم رفته و قیمت‌ها در سایر بازارها متناسب با انتظارات جدید شاخص‌بندی شود. همین مسئله سبب شد شوک ارزی رخ داده در سال‌های اخیر، پیش از انتقال اثر حقیقی خود، قیمت‌ها در بازارهای دیگر را افزایش دهد.

آگاهی سیاست‌گذار به علامت‌دهی بازار

ارز به سایر بازارها

اثرگذاری نوسانات بازار ارز بر دیگر بازارها، موضوعی است که در اظهارات مقامات بانک مرکزی هم به آن اشاره شده و از قضا برای حل همین مسئله، سیاست تثبیت اقتصادی با محوریت تثبیت ارزی از دی ماه سال ۱۴۰۱ در دستور کار قرار گرفت. خرداد ۱۴۰۲ و در سی‌امین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی بود که رئیس کل بانک مرکزی به اثرگذاری نوسانات نرخ ارز بر دیگر بازارها تأکید کرد و گفت که نوسان نرخ ارز به سایر بازارها علامت می‌دهد و باعث بی‌ثباتی می‌شود. محمدرضا فرزین همچنین اظهار داشت که نرخ ارز در

اقتصاد ما عامل اصلی بی‌ثباتی اقتصاد و تثبیت اقتصادی در این زمینه ضروری است.

چرخه هراس و تورم باید متوقف شود

رئیس کل بانک مرکزی با مروری بر عملکرد اقتصاد ایران، گفت: عامل اصلی تورم در دهه ۹۰ در ابتدا ناشی از شوک ارزی بوده است، این شوک باعث ایجاد هراس و ترس در بازارها شده و این هراس به فرار سرمایه شدید انجامیده است. قرار سرمایه در ادامه به افزایش نرخ ارز منجر شده است. افزایش نرخ ارز باعث افزایش ارزش دارایی‌ها و افزایش تقاضای پول می‌شود و این عامل به افزایش عرضه پول منجر می‌شود که در نهایت به تورم می‌انجامد. او در این زمینه توضیح داد که وقتی افزایش تقاضای پول به وجود می‌آید، سیاست‌گذار ناچار به افزایش عرضه پول می‌شود که به تورم منجر می‌شود. تورم دوباره به هراس و ترس در بازارها منجر می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند و باید این چرخه شکسته شود. وی در ادامه با اشاره به محورهای سیاست تثبیت اقتصادی، گفت: یکی از سه محور اصلی سیاست تثبیت اقتصادی شامل ثبات بخشی و پیش‌بینی پذیر نمودن بازار ارز است. در صورتی که اقتصاد پیش‌بینی پذیر نشود، سیاست تثبیت موفق نخواهد شد. محور دوم کنترل نقدینگی است. اگر نقدینگی کنترل شود که هم با سیاست پولی و هم سیاست مالی کنترل می‌شود، پس از یک دوره زمانی این موضوع دوباره خود باعث افزایش نرخ ارز می‌شود. محور سوم که بسیار مهم است به تقویت نظام تنظیم‌گری در بازارهای مالی (پولی ارزی و اعتباری) برمی‌گردد. این اظهارات نشان می‌دهد سیاست‌گذار با پذیرش اثرپذیری سایر بازارها از بازار ارز، ثبات بازار ارز را، راهکار ثبات دیگر بازارها می‌داند و بر همین اساس، ثبات ارزی را محور برنامه تثبیت اقتصادی قرار داد. بر همین اساس، سیاست‌گذار برای ثبات بخشی به بازار ارز و پیش‌بینی پذیر کردن آن، اقدامات مختلفی در دستور کار خود قرار داد.

مداخله هدفمند به جای ارزیابی کور

بانک مرکزی با مداخلات مستقیم در بازار ارز، به کنترل نوسانات و ایجاد ثبات کمک کرده است. این مداخلات شامل عرضه ارز به نرخ‌های مشخص و تنظیم بازار ارز بوده است. در موضوع مداخله بانک مرکزی در بازار ارز می‌توان گفت که در دوره جدید، نحوه



شوک ارزی
رخ داده در
سال‌های اخیر
پیش از انتقال
اثر حقیقی خود
قیمت‌ها در
بازارهای دیگر را
افزایش داد

همچنین نرخ رشد پایه پولی پس از یک رشد مقطعی که بخش مهمی از آن به دلیل افزایش نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها بود، در پایان خرداد امسال به ۲۳،۳ درصد رسید.

تقویت دیپلماسی بین‌المللی بانکی

بهبود روابط اقتصادی و بانکی با کشورهای دیگر و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به کاهش فشارهای اقتصادی و افزایش ثبات ارزی کمک کرده است. توسعه روابط با کشورهای عضو سازمان شانگهای و پیمان بریکس، انعقاد پیمان پولی دوجانبه با روسیه و اتصال کارت‌های بانکی دو طرف به یکدیگر و طراحی سازوکار تسویه مستقل از غرب، برخی از مهم‌ترین مصادیق دیپلماسی بانکی در دوره جدید بانک مرکزی بوده است.

بودجه‌بندی ارزی و مدیریت عرضه و تقاضای ارز

یکی از اقدامات بانک مرکزی در این دوره، مدیریت عرضه و تقاضای ارز بوده است. بانک مرکزی با تدابیر مختلف تلاش کرده عرضه ارز را افزایش داده و در مقابل تا حد ممکن مانع رشد تقاضای ارز و برهم خوردن تعادل بازار شود. در همین راستا سیاست‌گذار با اجرای سیاست‌های محدودکننده در زمینه واردات کالاهای غیرضروری، تقاضای ارز را کاهش داده و این امر به کاهش فشار بر بازار ارز کمک کرده است. در حوزه مدیریت تقاضا، انتقال بخشی از تقاضای ارزهای پرمصرف به ارزهای محلی، از دیگر اقدامات سیاست‌گذار برای مدیریت تقاضای ارز بود. بارزترین مصداق در این موضوع، تخصیص دینار به جای دلار به زائران اربعین است. در مراسم اربعین سال جاری و سال گذشته، بانک مرکزی با تخصیص دینار عراق به جای دلار به زائران و البته هدایت این تقاضا به مرکز مبادله به عنوان بازار رسمی ارز، بخشی از فشار تقاضای دلار را کاهش داده و همچنین مرجعیت مرکز مبادله برای تامین نیازهای ارزی را ارتقا داد.

کاهش تدریجی فاصله نرخ ارز در بازار رسمی و آزاد

طی ۵ ماه نخست سال ۱۴۰۳ فاصله نرخ ارز مرکز مبادله و بازار آزاد به کمترین حد خود از زمان افتتاح این مرکز تاکنون رسیده است. تعدیل

مداخله سیاست‌گذار در بازار ارز دگرگون شده و از "ارزپاشی کور" به "بازارسازی" تغییر کرده است.

سیاست‌گذار در دوره جدید، در برابر تعدیل تدریجی نرخ در بازار رسمی و غیررسمی مقاومت نمی‌کند و قائل به حفظ نرخ اسمی ارز نیست. خط قرمز بانک مرکزی اما، رشد یکباره و جهشی نرخ ارز است. به بیان دیگر، سیاست‌گذار ارزی هدف خود را از یک نرخ اسمی ثابت، به یک روند باثبات تغییر داده است. تا زمانی که نرخ ارز در یک روند باثبات تعدیل شود، بانک مرکزی به بازار ورود نمی‌کند. تغییر یکباره و خارج از انتظار نرخ ارز، اما با واکنش و مداخله بانک مرکزی مواجه می‌شود. در این زمان بانک مرکزی با مداخله هدفمند در بازار ارز، نرخ را به کانال قبلی بازمی‌گرداند تا مانع شکل‌گیری انتظارات در جامعه شود. این رفتار سیاست‌گذار نشان می‌دهد بانک مرکزی از سیاست ارزپاشی کور فاصله گرفته و خود را در قامت بازارساز قرار داده است.

راه‌اندازی و توسعه مرکز مبادله ارز و طلا

راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا، اقدام دیگر بانک مرکزی بود که به منظور ایجاد یک بازار منظم و شفاف برای معاملات ارز و طلا و کاهش نوسانات و افزایش شفافیت در قیمت‌گذاری انجام شد. بانک مرکزی با راه‌اندازی این مرکز، تلاش کرد عرضه و تقاضای ارز را از بازار غیررسمی خارج و به یک بستر رسمی و قابل تنظیم‌گری منتقل کند. پس از راه‌اندازی این مرکز، رونق بخشی به آن از طریق توسعه ابزارهای معاملاتی در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت. بر همین اساس، بانک مرکزی اعلام کرده که در سال جاری ابزارهای معاملات آتی ارز و طلا را در این مرکز راه‌اندازی خواهد کرد تا فعالان اقتصادی بتوانند ریسک نوسان نرخ ارز را پوشش دهند.

تنظیم سیاست‌های پولی

بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای پولی مانند افزایش نرخ بهره و کنترل رشد ترانزنامه بانک‌ها، سعی کرده است تا عوامل پولی تورمی را مهار کرده و با کاهش فشارهای تورمی از این ناحیه، نوسانات نرخ ارز را مدیریت کند. آخرین آمارها نشان می‌دهد نرخ رشد نقدینگی که در مهر ۱۴۰۰ به ۴۲،۸ درصد رسیده بود، در خرداد امسال به ۲۶،۸ درصد کاهش یافته است.



اثرگذاری
نوسانات
بازار ارز بر
دیگر بازارها
موضوعی است
که در اظهارات
مقامات بانک
مرکزی هم به آن
اشاره شد

تدریجی نرخ ارز در مرکز مبادله از یک سو و بازسازی در بازار غیررسمی برای پیش بینی پذیر کردن (نه سرکوب نرخ)، باعث شد شکاف نرخ ارز در این دو بازار به تدریج کاهش یابد. علاوه بر کاهش فاصله نرخ های مختلف، اقدام دیگر بانک مرکزی برای مهار رانت ارزی، کم کردن دامنه شمول ارز ترجیحی بوده است. مجموعه این اقدامات نشان می دهد بانک مرکزی با وجود اعتقاد به ناممکن بودن تک نرخی شدن ارز در شرایط تحریم، تلاش می کند تا نظام ارزی کشور در کمترین فاصله با نظام تک نرخ قرار گیرد تا ضمن دستیابی به هدف تثبیت اقتصادی، هزینه های اجرای نظام چندنرخ به حداقل برسد.

توسعه ابزارهای مالی جدید

بانک مرکزی تلاش کرده با توسعه ابزارهای مالی جدید، اثربخشی سیاست های خود را افزایش دهد. طراحی ابزارهای تامین مالی زنجیره ای با همکاری وزارت اقتصاد از جمله برات الکترونیک، یکی از این اقدامات بود. طراحی و توسعه ابزارهای تامین مالی با هدف تامین نقدینگی بنگاه ها بدون نیاز تحمیل فشار بیشتر به شبکه بانکی انجام شد. با توسعه ابزارهای تامین مالی زنجیره ای، کارایی سیاست های پولی افزایش یافته و همچنین آثار رکودی این سیاست ها بر بخش حقیقی کاسته می شود. بانک مرکزی طراحی ابزارها را علاوه بر حوزه پولی، در حوزه ارزی هم در دستور کار خود قرار داده است. طبق اعلام مقامات بانک مرکزی، ابزارهای معاملات آتی طلا و ارز طی هفته های آتی در مرکز مبادله رونمایی شده و از این پس مورد استفاده قرار می گیرد. با اضافه شدن این ابزارها، امکان پوشش ریسک قیمتی برای فعالان اقتصادی فراهم شده و از این طریق تاثیر نوسانات ارزی بر اقتصاد کشور کمتری شود.

احیای اعتبار سیاست گذار و کاهش انتظارات تورمی

اثرگذاری تدابیر بانک مرکزی در حوزه پولی و ارزی، باعث شده انتظارات تورمی هم در این مدت تا حد زیادی فروکش کند. هر چند سیاست گذار به صورت مستقل هم برای اثرگذاری بر انتظارات و کنترل آن اقداماتی انجام داده که مداخله در بازار ارز و جلوگیری از رشد افسارگسیخته نرخ، یکی از این موارد است. آخرین شواهد حاکی از کاهش چشمگیر انتظارات تورمی است. جدیدترین آمارهای پولی نشان می دهد نرخ رشد حجم پول که شاخصی متأثر از انتظارات تورمی است، از ۷۵.۱ درصد در فروردین ۱۴۰۲ به ۲۱.۲ درصد در خرداد ۱۴۰۳ کاهش یافته است. افزایش اعتبار بانک مرکزی در افکار عمومی در پی اقدامات و دستاوردهای پولی، ارزی و تورمی ماه های اخیر سبب شده اثر شوک های مختلف بر بازارها به مراتب کمتر از سال های گذشته باشد. به نظر می رسد افکار عمومی به این باور رسیده که بانک مرکزی در دوره جدید، کارآمدی مقابله با نوسانات را داراست و بر همین اساس، بروز رفتارهای هیجانی به کمترین سطح خود در سال های اخیر رسیده است. در مجموع، سیاست های بانک مرکزی برای ثبات بخشی به بازار ارز، باعث برقراری ثبات در سایر بازارها و کلیت اقتصاد کشور شده است. به بیان دیگر، بانک مرکزی با ثبات بخشی و پیش بینی پذیر کردن بازار ارز، منبع تولید تورم و انتظارات تورمی را خنثی کرد و بدین ترتیب، سایر بازارها را به ثبات رساند. تاثیر این ثبات را می توان علاوه بر بازار دارایی ها، در شاخص های اقتصادی از جمله نرخ تورم مشاهده کرد. نرخ تورم طی یک سال اخیر روند نزولی را طی کرده و طبق آخرین گزارش مرکز آمار به ۳۴.۵ درصد در پایان مرداد امسال رسیده است.



بانک مرکزی منبع تولید تورم را خنثی کرد

بانک مرکزی با ثبات بخشی و پیش بینی پذیر کردن بازار ارز، منبع تولید تورم و انتظارات تورمی را خنثی کرد و بدین ترتیب، سایر بازارها را به ثبات رساند. تاثیر این ثبات را می توان علاوه بر بازار دارایی ها، در شاخص های اقتصادی از جمله نرخ تورم مشاهده کرد.



فشار بر بانک‌های لبنانی تشدید می‌شود

موج وسیع برداشت سپرده‌ها از بانک‌های لبنانی

- نظام بانکی لبنان با افزایش بی‌رویه وام‌های غیرجاری (NPL) و افزایش برداشت سپرده‌ها، دست و پنجه نرم می‌کند
- انجام اصلاحات اساسی در صنعت بانکداری و خدمات مالی لبنان، ضروری است
- چشم‌انداز کوتاه‌مدت صنعت بانکداری و خدمات مالی لبنان، همچنان با چالش‌های مهمی مواجه خواهد بود
- بدهی‌های قابل توجه دولت لبنان می‌تواند باعث بی‌ثباتی در صنعت بانکداری این کشور شود

۶۱



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

انتظار می‌رود که نوسانات بازارهای مختلف در بستر جامع خدمات بانکی و مالی لبنان هم در افق کوتاه مدت و حتی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۲۷، ادامه یابد

طبق داده‌ها و تحلیل ارائه شده از سوی موسسه اعتبارسنجی فیچ، چشم‌انداز کوتاه مدت صنعت بانکداری و خدمات مالی لبنان، همچنان با چالش‌های مهمی مواجه خواهد بود و تحولات و التهابات اقتصادی، وضعیت وخیم‌تری به خود خواهد گرفت. سال‌های متمادی افت رشد اقتصادی، کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی سیاسی، فضای عملیات مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری بسیار نامطلوبی را در لبنان ایجاد کرده است.

از یکسو، نظام بانکی لبنان با افزایش بی‌رویه وام‌های غیرجاری (NPL) و افزایش برداشت سپرده‌ها دست و پنجه نرم می‌کند که ثبات این صنعت را بیش از پیش تهدید خواهد کرد. فشارهای تورمی نیز ارزش بیمه نامه‌ها را کاهش داده و بر مشکلات صنعت بیمه لبنان خواهد افزود. علاوه بر این، اعتماد سرمایه‌گذاران بیشتر از گذشته کاهش خواهد یافت، زیرا رکود اقتصادی و نوسانات بازار سهام مانع از افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های بالقوه می‌شود.

برای معکوس کردن این روند چالش‌آفرین و ناگوار، انجام اصلاحات اساسی در صنعت بانکداری و خدمات مالی لبنان، ضروری است.

در حالی که لبنان برای رسیدگی به چالش‌های موجود مالی و اقتصادی، همکاری و مشارکت خود با صندوق بین‌المللی پول را آغاز کرده است، باین حال، پیشرفت این اصلاحات به دلیل عدم وجود یک راهبردی و مدیریت روشن و شفاف، به‌گندی صورت می‌پذیرد.

در نتیجه، انتظار می‌رود که نوسانات بازارهای مختلف در بستر جامع خدمات بانکی و مالی لبنان هم در افق کوتاه مدت و حتی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۲۷، ادامه یابد.

پیش‌بینی شده است که صنعت بانکداری لبنان همچنان در افق کوتاه مدت پیش‌رو، با چالش‌های دلبه‌آوری مواجه باشد. زیرا تحولات سیاسی و التهابات اقتصادی موجود، و خامت مولفه‌های تاثیرگذار نظام بانکی را تشدید خواهد کرد. از سوی دیگر، ما

معتقدیم که صنعت بانکی لبنان در پایان افق میان مدت ۲۰۲۷ نیز با وجود پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌بینی شده، همچنان در وضعیت بحرانی باقی بماند.

در حقیقت، پیامدهای متعدد و سهمگین ناشی از فروپاشی مالی این کشور و کاهش قابل توجه ارزش پول ملی لبنان، موج وسیعی از برداشت سپرده‌های بانکی را به راه انداخته و فشار بر بانک‌ها را تشدید کرده است. علاوه بر این، رکود اقتصادی منجر به افزایش شدید وام‌های غیرجاری شده که این امر، ثبات صنعت بانکی لبنان را در افق کوتاه مدت و میان مدت، به خطر می‌اندازد. از سوی دیگر، افزایش نگرانی‌ها در مورد گسترش روند پولشویی و رشد اقتصاد نقدی در لبنان، بر معاملات خارجی و روابط نظام بانکی این کشور با نهادها، موسسات مالی و بانک‌های خارجی تاثیر منفی خواهد گذاشت.

صنعت بیمه لبنان از نظر پتانسیل رشد واقعی در آینده نزدیک و تا پایان افق کوتاه مدت، با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد بود. اگرچه حق بیمه‌ها در هر دو بخش بیمه عمر و بیمه‌های عمومی و تخصصی در حال افزایش است، اما این رشد در درجه اول منعکس کننده ادامه روند نرخ‌های بالای تورمی پیش‌بینی شده در اقتصاد لبنان است.

صنعت بیمه لبنان مشتمل بر انواع بیمه‌گران داخلی و ارائه‌دهندگان خدمات بیمه‌ای چندملیتی است که سبد محصولات گسترده‌ای را به متقاضیان عرضه می‌دارند. از سوی دیگر، از آنجا که پیش‌بینی امکان رشد تدریجی و بهبود وضعیت ثبات اقتصادی در لبنان تا پایان افق میان مدت ۲۰۲۷ وجود دارد، بازار بیمه این کشور احتمالاً آماده بهره‌برداری از مزایای حاصل از این توسعه پایدار مالی و اقتصادی خواهد بود.

در سال‌های اخیر، صنعت مدیریت دارایی لبنان از نظر پتانسیل رشد حقیقی، با چالش‌های قابل توجهی روبرو بوده است. دوران متمادی و طولانی بی‌ثباتی اقتصادی در لبنان، اعتماد سرمایه‌گذاران را به صنعت مدیریت دارایی این کشور از بین برده و هم منجر به خروج سرمایه‌گذاران و هم صندوق‌ها و شرکت‌های خدمات سرمایه‌گذاری بین‌المللی مهم و مشهور



از این بازار شده که چنین رخدادی، انتخاب‌های پیش‌روی فعالان این صنعت را محدود کرده است.

علاوه بر این، نرخ تورم بالا و کاهش ارزش پوند لبنان، باعث تضعیف بیشتر نرخ تقاضای دریافت خدمات سرمایه‌گذاری و دارایی در افق‌های پیش‌رو در این کشور خواهد شد. با وجود همه این موانع و چالش‌ها، چشم‌انداز مثبتی نسبت به بهبود وضعیت صنعت مدیریت دارایی لبنان در افق میان‌مدت و بلندمدت ۲۰۳۲، منوط به بهبود کلی مولفه‌های کلان اقتصادی این کشور و افزایش تنوع‌پذیری محصولات و خدمات سرمایه‌گذاری، وجود دارد.

یکی دیگر از عواملی که مانع توسعه حوزه سرمایه‌گذاری در لبنان می‌شود، اندازه کوچک و محدود بازار سرمایه این کشور است. بورس بیروت، در حال حاضر به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی حاکم بر لبنان، با چالش‌های مهمی دست و پنجه نرم می‌کند.

این پلتفرم سهامی برای جذب و حفظ فهرست‌های جدیدی از صنایع و شرکت‌ها، با مشکلات عدیده مواجه شده است و در نتیجه کمتر از ۱۰ شرکت فعال در این بازار وجود دارد. در حالی که برخی از بانک‌های بزرگ لبنان و تعداد کمی از کسب‌وکارهای صنعتی این کشور در بورس بیروت نمایه شده‌اند، اما همچنان دامنه سرمایه‌گذاری در عرضه‌های اولیه به شدت محدود است. در نتیجه، انتظار می‌رود که در افق کوتاه‌مدت و حتی شاید تا پایان افق میان‌مدت پیش‌رو، بورس بیروت یکی از کوچک‌ترین بازارهای سهامی منطقه باقی بماند.

خلاصه چشم‌انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

با توجه به اینکه لبنان از آگوست ۲۰۱۹ شاهد تورم فوق‌العاده بوده است، انتظار می‌رود ارزش کل دارایی‌های نظام بانکی این کشور در پایان افق کوتاه‌مدت، با رشد ۵۴۱.۹ درصدی سالانه به ۱۶۳۵.۹ تریلیون دلار برسد و همچنین ارزش دارایی‌های بانکی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، از ۳۹.۴ درصد فعلی به ۱۱۲.۵ درصد در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت افزایش یابد که این نرخ رشدهای خیره‌کننده در صنعت بانکداری، به سبب تورم فزاینده و سوزان محقق خواهد شد.

انتظار می‌رود که ارزش مجموع حق بیمه‌های ثبت شده رسمی در صنعت بیمه لبنان در پایان افق کوتاه‌مدت، با رشد ۶۰.۷ درصدی نسبت به وضعیت فعلی، به ۶۰۸.۳ میلیارد لیر برسد. پیش‌بینی شده است در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت پیش‌رو، ارزش بازار بورس بیروت با ۱۸۰.۸ درصد رشد نسبت به ارزش فعلی این بستر سهامی، به ۱۸۰.۹ میلیارد دلار افزایش یابد.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی لبنان بر مبنای ماتریس SWOT نقاط ضعف

- بحران اقتصادی طولانی‌مدت لبنان همراه با تورم بالا، کاهش ارزش پول و عدم ثبات و آرامش سیاسی این کشور، به شدت بر ثبات صنعت خدمات بانکداری و مالی لبنان تأثیر گذاشته است.
- با وجود اینکه لبنان تقریباً یک دهه پیش مقررات بانکداری اسلامی را به تصویب رساند، اما حمایتی از سوی دولت در این بخش وجود ندارد.

پیش‌بینی
شده که صنعت
بانکداری لبنان
همچنان در
افق کوتاه‌مدت
پیش‌رو، با
چالش‌های
دلهره‌آوری
مواجه باشد



خطر از بین رفتن ثبات در صنعت بانکی لبنان

پیامدهای متعدد و سهمگین ناشی از فروپاشی مالی لبنان و کاهش قابل توجه ارزش پول ملی این کشور، موج وسیعی از برداشت سپرده‌های بانکی را به راه انداخته و فشار بر بانک‌ها را تشدید کرده است. علاوه بر این، رکود اقتصادی منجر به افزایش شدید وام‌های غیرجاری شده که این امر، ثبات صنعت بانکی لبنان را در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به خطر می‌اندازد.



- بیمه‌گران داخلی لبنان فاقد بازدهی‌های ناشی از مقیاس هستند و دسترسی محدودی به سرمایه دارند که همین امر مانع رشد موثر آنها خواهد شد.
- حجم کل دارایی‌های تحت مدیریت در صنعت مدیریت دارایی لبنان بر اساس استانداردهای جهانی، نسبتاً کم است.
- با کم‌تر از ده شرکت و صنعت نمایه شده، بورس اوراق بهادار بیروت (BSE) یکی از کوچک‌ترین بازارهای جهانی است.

نقاط قوت

- موقعیت استراتژیک لبنان، می‌تواند مزیت منحصر به فردی را برای این کشور به ارمغان آورد و به عنوان دروازه‌ای بین خاورمیانه و اروپا در جهت جذب سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و تسهیل مبادلات فرامرزی عمل خواهد کرد.
- سپرده‌گذاران وفادار و دارایی‌های کلان بانکی، ضربه‌گیر مهمی برای صنعت بانکداری لبنان در برابر خطرات سیستماتیک خواهند بود.
- درب‌های صنعت بیمه لبنان به روی بیمه‌گران منطقه‌ای و چند ملیتی باز است که این مسئله، عمق بیشتری را به تنوع محصولات و خدمات و کانال‌های توزیع می‌بخشد.
- در صنعت مدیریت دارایی لبنان، چندین شرکت مهم از جمله بانک‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی وجود دارند.
- بورس فعال بیروت، فرصت‌هایی را برای افزایش ارزش معاملات در بازار سرمایه این کشور ایجاد خواهد کرد.

تهدیدها

- بی‌ثباتی سیاسی لبنان، تنش‌های منطقه‌ای و خطرات ژئوپلیتیکی، تهدیداتی برای صنعت خدمات بانکداری و مالی این کشور است که بر اعتماد و ثبات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد.
- بدهی‌های قابل توجه دولت لبنان می‌تواند باعث بی‌ثباتی در صنعت بانکداری این کشور شود.
- شوک‌های متعدد اقتصادی، با افزایش ریسک حاکمیتی در نظام مالی و بانکی لبنان همراه خواهد بود.
- اصلاحات نظارتی در صنعت بیمه لبنان می‌تواند فشار بر فعالان کوچک‌تر را افزایش داده و آنها را از بازار خارج کند.
- سرمایه‌گذاران متمول ممکن است

تصمیم بگیرند که دارایی‌های خود را به بازارهای امن تر خارج از لبنان منتقل کنند.

- بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی داخلی لبنان، باعث تعلیق و گندی نرخ رشد در بورس بیروت خواهد شد.

فرصت‌ها

- بانک‌های لبنانی در بازارهای خاورمیانه و شمال آفریقا فعال هستند و از اینرو، موقعیت مناسبی برای توسعه فعالیت‌های منطقه‌ای خود دارند.
- تقاضای فزاینده‌ای برای دریافت بیمه‌های درمانی خصوصی و همچنین توسعه بیشتر بیمه وسائط نقلیه و بیمه دارایی‌ها در لبنان وجود دارد.
- وجود طیف وسیع‌تری از شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران بیشتر در بازار مدیریت دارایی لبنان کمک کند.
- خصوصی‌سازی بالقوه بورس بیروت می‌تواند سرمایه مورد نیاز را برای توسعه این بازار جذب کند.

بازار خدمات صنعت بانکداری در لبنان

بازار بانکی لبنان در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، با چالش‌های دلهره‌آوری مواجه است. زیرا تحولات سیاسی و التهابات اقتصادی موجود، وخامت مولفه‌های تأثیرگذار نظام بانکی را تشدید خواهد کرد.

همچنین انتظار می‌رود صنعت بانکداری لبنان در پایان افق میان‌مدت ۲۰۲۷ نیز با وجود پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌بینی شده، همچنان در وضعیت بحرانی باقی بماند. در حقیقت، پیامدهای متعدد و سهمگین ناشی از فروپاشی مالی این کشور و گاهش قابل توجه ارزش پول ملی لبنان، موج وسیعی از برداشت سپرده‌های بانکی را به راه انداخته و فشار بر بانک‌ها را تشدید کرده است. علاوه بر این، رکود اقتصادی منجر به افزایش شدید وام‌های غیرجاری شده که این امر، ثبات صنعت بانکی لبنان را در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به خطر می‌اندازد. از سوی دیگر، افزایش نگرانی‌ها در مورد گسترش روند پولشویی و رشد اقتصاد نقدی در لبنان، بر معاملات خارجی و روابط نظام بانکی این کشور با نهادها، موسسات مالی و بانک‌های خارجی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

صنعت
مدیریت دارایی
لبنان از نظر
پتانسیل رشد
حقیقی، با
چالش‌های
قابل توجهی
روبرو بوده است

بانک‌های عامل برتر لبنان در افق ۲۰۳۲

• بلوم بانک لبنان (Blom Bank)

بلوم بانک لبنان، با مجموع دارایی ۲۸۰ میلیارد پوند لبنان، بزرگترین بانک تجاری این کشور از نظر حجم و ارزش دارایی محسوب می‌شود. بزرگترین سهامداران این نهاد مالی، بانک نیویورک با ۳۴.۳۷ درصد سهم و بانک بانوریثنت فرانسه با ۱۷.۵۵ درصد از سهام این بانک هستند. بلوم بانک، مجموعه‌ای از خدمات بازرگانی، سرمایه‌گذاری و خدمات حوزه بیمه را ارائه می‌دهد و یک بخش مجزای بانکداری اسلامی پیشرفته و فعال نیز دارد. این بانک در تعدادی از بازارهای منطقه‌ای و اروپایی از جمله اردن، مصر، قطر، عراق، عربستان سعودی، امارات، فرانسه، سوئیس، رومانی، قبرس و بریتانیا نیز فعالیت می‌کند.

• بانک سوسیته جنرال لبنان (Société Générale de Banque au Liban)

بانک سوسیته جنرال لبنان، با ارزش دارایی ۳۹ میلیارد پوند لبنان، در جایگاه دومین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. این بانک در سال ۱۹۵۳ تأسیس شده و یکی از شرکت‌های بانکی تابعه گروه مالی SGBL است. بانک سوسیته جنرال لبنان طیف وسیعی از خدمات بانکی را به افراد و شرکت‌ها در خاورمیانه، حوزه خلیج فارس و اروپا ارائه می‌دهد. این بانک در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و از رقبای خود مانند بلوم بانک در حال پیشی گرفتن است.

• شرکت خدمات بانکداری و مالی لبنانی بانک عوده (Bank Audi)

شرکت خدمات بانکداری و مالی لبنانی بانک عوده، با ارزش کل دارایی ۳۹ میلیارد پوند لبنان، به عنوان سومین بانک بزرگ تجاری این کشور شناخته می‌شود. این بانک که در سال ۱۸۳۰ تأسیس شد، اکنون به عنوان یک شرکت سهامی خاص با مسئولیت محدود در لبنان فعالیت می‌کند. پایگاه سهامداران بانک عوده، از حدود ۱۵۰۰ سهامدار تشکیل شده و این بانک در بورس اوراق بهادار بیروت و بورس لندن پذیرفته شده است. این بانک علاوه بر حضور در بازار داخلی لبنان با بیش از ۸۰ شعبه، در بازارهای خارجی، به ویژه در خاورمیانه یعنی در اردن، مصر، قطر، عربستان سعودی و ترکیه، در مجموع با ۱۲۰

تخمین زده شده که ارزش زیان نظام بانکی لبنان در پایان افق کوتاه‌مدت، به بیش از ۸۰ میلیارد دلار برسد که این امر به شدت اعتماد مصرف‌کننده به صنعت بانکداری این کشور را از بین خواهد برد.

از سوی دیگر، انتظار می‌رود که نسبت وام‌های غیرجاری (NPL) به کل تسهیلات در بازار بانکی لبنان در افق کوتاه‌مدت، به دلیل بدتر شدن شرایط اقتصادی، کمبود دلار آمریکا و تضعیف ارز در بازار سیاه، بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد.

چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری لبنان

صنعت بانکداری در لبنان نسبتاً متنوع و رقابتی است. بیش از ۶۰ بانک دارای مجوز فعالیت در این بازار هستند که ترکیبی از موسسات داخلی و خارجی را تشکیل می‌دهند. بسیاری از بانک‌های داخلی لبنان در مقیاس محلی کوچک فعالیت می‌کنند و نمی‌توانند در همان سطح با رهبران بازار رقابت کنند. با گذشت زمان، احتمالاً این بانک‌ها در بانک‌های بزرگ‌تر فعال در بازار که پشتوانه سرمایه بیشتری دارند، ادغام می‌شوند. با وجود بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی لبنان، نظام بانکی این کشور همچنان با ثبات و پایدار است. طبق اعلام کمیسیون کنترل بانکی لبنان، ۶۶ بانک دارای مجوز برای ارائه خدمات در لبنان فعالیت می‌کنند. از این تعداد، ۴۳ مورد با مالکیت اکثریت داخلی و ۲۳ مورد با مالکیت اکثریت خارجی هستند. در حوزه بانک‌های خارجی، ۱۱ بانک به عنوان شرکت‌های مالی تابعه در لبنان و ۱۲ بانک، شعب بانک‌های خارجی در این کشور هستند. در حالی که تعداد بانک‌های داخلی در سال‌های اخیر ثابت بوده، اما تعداد بانک‌های خارجی فعال در لبنان کاهش یافته است. در حال حاضر، بانک‌های داخلی، بازار بانکی لبنان را هدایت می‌کنند. حضور بانک‌های خارجی، اعم از بانک‌های کوچک منطقه‌ای و چندملیتی بزرگ، نشانه مثبتی برای صنعت بانکداری لبنان خواهد بود. زیرا این موسسات و نهادهای مالی، توسعه و تنوع خدمات مالی و بانکی را در این صنعت افزایش خواهند داد و موجب بهبود سطح دسترسی فعالان و متقاضیان این بازار به سرمایه‌های بالقوه خواهند شد.



سپرده‌گذاران
وفادار و
دارایی‌های
کلان بانکی
ضربه‌گیر مهمی
برای صنعت
بانکداری لبنان
در برابر خطرات
سیستماتیک
خواهند بود

شعبه و نمایندگی شعب، فعالیت گسترده دارد. همچنین یک شرکت مدیریت دارایی و سرمایه‌گذاری وابسته به این بانک در سوئیس، فرانسه و موناکو فعالیت می‌کند. بانک عوده بیش از ۷۰۰۰ کارمند دارد و طیف وسیعی از خدمات بانکی را در حوزه بانکداری تجاری، شرکتی، خرده‌فروشی، شخصی، خصوصی و بانکداری سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد.

• شرکت خدمات بانکداری و مالی لبنانی بانک بیلوس (Byblos Bank)

شرکت خدمات بانکداری و مالی لبنانی بانک بیلوس، با مجموع دارایی ۲۶ میلیارد پوند لبنان، چهارمین بانک بزرگ تجاری در این کشور از منظر ارزش و حجم دارایی است. بیلوس یکی از بانک‌های جوان لبنان است که در سال ۱۹۶۳ تأسیس شده، اما حضور آن مانند سایر بانک‌های تجاری بزرگ این کشور، به سرعت در تعدادی از بازارهای خارجی نظیر سوریه، عراق، جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان، نیجریه، امارات، ارمنستان، بلژیک، قبرس، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا گسترش یافته است. این بانک طیف گسترده‌ای از خدمات بانکی، به ویژه در حوزه بانکداری شخصی و شرکتی و همچنین خدمات حوزه مدیریت سرمایه را ارائه می‌دهد.

بازار خدمات صنعت بیمه در لبنان

بازار بیمه لبنان، یک بازار نسبتاً بالغ است و سطح آگاهی قابل توجهی در مورد مزایای پوشش‌های بیمه‌ای در میان مشتریان بالقوه این صنعت وجود دارد. صنعت بیمه لبنان مشتمل بر انواع بیمه‌گران داخلی و ارائه‌دهندگان خدمات بیمه‌ای چندملیتی

است که سبد محصولات گسترده‌ای را به متقاضیان عرضه می‌دارند. از آنجا که پیش‌بینی امکان رشد تدریجی و بهبود وضعیت ثبات اقتصادی در لبنان تا پایان افق میان‌مدت وجود دارد، بازار بیمه این کشور احتمالاً آماده بهره‌برداری از مزایای حاصل از این توسعه پایدار مالی و اقتصادی خواهد بود.

پیش‌بینی شده است که در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تقاضا برای بیمه سلامت، بیمه حوادث شخصی، بیمه شخص ثالث و بیمه وسائط نقلیه موتوری، در اولویت باقی بماند. کاهش ارزش پول ملی لبنان و نرخ‌های بالای تورم به این معنی است که پتانسیل رشد واقعی در بازار بیمه لبنان محدود شده است. همچنین سال‌ها نوسانات اقتصادی و تنش‌های سیاسی، همچنان مانع از جذب سرمایه‌گذاران به صنعت مالی لبنان خواهد شد. با وجود همه موانع و مشکلات، انتظار می‌رود که با عبور از التهابات تورمی کنونی و با ورود به دوره‌های میان‌مدت و بلندمدت، نرخ رشد در هر دو بخش بیمه عمر و بیمه‌های عمومی و تخصصی در طول دوره پیش‌بینی تا پایان ۲۰۳۲، به یک روند معقول و پایدار برسد.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در لبنان

در سال‌های اخیر، صنعت مدیریت دارایی لبنان از نظر پتانسیل رشد حقیقی، با چالش‌های قابل توجهی روبرو بوده است. دوران متمادی و طولانی بی‌ثباتی اقتصادی در لبنان، اعتماد سرمایه‌گذاران را به صنعت مدیریت دارایی این کشور از بین برده و هم منجر به خروج سرمایه‌گذاران

ب‌رش



وضعیت بحرانی صنعت بانکداری لبنان

انتظار می‌رود صنعت بانکداری لبنان در پایان افق میان‌مدت ۲۰۲۷ با وجود پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌بینی شده، همچنان در وضعیت بحرانی باقی بماند. پیامدهای متعدد و سهمگین ناشی از فروپاشی مالی این کشور و کاهش قابل توجه ارزش پول ملی لبنان، موج وسیعی از برداشت سپرده‌های بانکی را به راه انداخته و فشار بر بانک‌ها را تشدید کرده است.



رکود اقتصادی
منجر به افزایش
شدید وام‌های
غیر جاری شده
که این امر ثبات
صنعت بانکی
لبنان را در افق
کوتاه مدت و
میان مدت به
خطر می‌اندازد

بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در لبنان

بورس بیروت، در حال حاضر به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی حاکم بر لبنان، با چالش‌های مهمی دست و پنجه نرم می‌کند. بورس اوراق بهادار لبنان در حفظ و جذب صنایع و شرکت‌های جدید، با مشکلات عدیده مواجه شده است و در نتیجه کمتر از ۱۰ شرکت فعال در این بازار وجود دارد. در حالی که برخی از بانک‌های بزرگ لبنان و تعداد کمی از کسب‌وکارهای صنعتی این کشور در بورس بیروت نمایه شده‌اند، اما همچنان دامنه سرمایه‌گذاری در عرضه‌های اولیه به شدت محدود است. به همین دلیل با توجه به شرایط موجود سیاسی و اقتصادی لبنان، به نظر می‌رسد که بورس بیروت تا سال‌های متمادی، یکی از کوچک‌ترین بازارهای منطقه و تحت‌الشعاع بورس‌های بزرگتر و پویاتر قاره آسیا باقی بماند.

به نظر می‌رسد در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت پیش‌رو، ارزش بازار بورس بیروت با ۱۸۰۸ درصد رشد نسبت به وضعیت فعلی، به ۱۸۰۹ میلیارد دلار برسد. همچنین انتظار می‌رود که ارزش معاملات این بازار در بازه زمانی فوق‌الذکر، به ۱۰۸ میلیون دلار برسد که شامل تبادل بیش از ۳۵ هزار سهم در قالب بیش از ۵۰۰ معامله خواهد بود.

آینده بازار سرمایه لبنان

لبنان خاستگاه یکی از قدیمی‌ترین بورس‌های منطقه یعنی بورس بیروت (BSE) است که در سال ۱۹۲۰ تأسیس شده است. تعداد بسیار کمی از شرکت‌ها و صنایع در بورس اوراق بهادار لبنان فهرست شده‌اند (۹ شرکت) که به همین دلیل، این بازار یکی از کوچک‌ترین بورس‌های نه تنها منطقه‌ای، بلکه در سطح جهانی است. بورس اوراق بهادار بیروت یک نهاد دولتی است که زیر نظر سازمان بازار سرمایه لبنان فعالیت می‌کند. با بالا گرفتن تنش‌های سیاسی و نظامی در لبنان، فعالیت بورس بیروت به طور کامل بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۶ متوقف شده بود. انتظار می‌رود که فهرست شرکت‌های نمایه شده در این پلتفرم سهامی در سال‌های آینده با بهبود مقررات بازار و با توسعه و تنوع فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در لبنان، افزایش یابد.

و هم صندوق‌ها و شرکت‌های خدمات سرمایه‌گذاری بین‌المللی مهم و مشهور از این بازار شده است. نرخ تورم بالا و کاهش ارزش پوند لبنان، باعث تضعیف بیشتر نرخ تقاضای دریافت خدمات سرمایه‌گذاری و دارایی در افق‌های پیش‌رو در این کشور خواهد شد.

یکی از پیشروترین شرکت‌های مدیریت دارایی و سرمایه‌گذاری در لبنان، بلوم است که یکی از شرکت‌های تابعه بلوم بانک محسوب می‌شود. این بانک قرار است که در آینده نزدیک، به تحکیم قدرت خود در بازار مدیریت دارایی لبنان ادامه دهد و در این مسیر برنامه‌هایی نظیر خرید بخشی از سهام بانک HSBC خاورمیانه به مبلغ نزدیک به یک میلیارد دلار را در نظر دارد. طبق گزارش آژانس مدیریت سرمایه لبنان، پیش‌بینی شده است که تا پایان افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، ۴۳ طرح سرمایه‌گذاری جمعی به مدیریت و رهبری برخی خدمات دهندگان بزرگ و مشهور لبنانی و خارجی از جمله Capital Group، Audi Capital، Credit Suisse به بهره‌برداری برسد.

چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت مدیریت دارایی لبنان

صنعت مدیریت دارایی لبنان یک صنعت نسبتاً توسعه یافته است، اما در مقایسه با بازارهای توسعه یافته اروپای غربی و برخی بازارهای منطقه‌ای بزرگ‌تر (مانند امارات و عربستان سعودی) کوچک و محدود است. همه فعالان این بازار اعم از شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت دارایی باید مجوزهای لازم برای آغاز فعالیت خود را از سازمان بازار سرمایه لبنان (CMA) کسب کنند. صنعت مدیریت دارایی لبنان ترکیبی از شرکت‌های خصوصی مدیریت دارایی و صندوق‌های مدیریت سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌های داخلی و خارجی است.

به گفته سازمان بازار سرمایه لبنان، ۱۶ صندوق و شرکت سرمایه‌گذاری در این صنعت به طور رسمی مجوز فعالیت دارند که بخش اعظمی از آنها، صندوق‌های وابسته به بانک‌های تجاری بزرگ لبنان و بخش کوچک‌تر آنها، برخی شرکت‌ها و صندوق‌های بین‌المللی هستند.





تجربه جهانی مدیریت بانک‌های مرکزی در بازار ارز

بانک مرکزی کانادا چگونه در بازار ارز مداخله می‌کند؟

- هرگونه مداخله رسمی در بازار ارز کانادا، توسط بانک مرکزی این کشور صورت می‌گیرد
- بانک مرکزی کانادا به نمایندگی از دولت فدرال این کشور، در بازارهای ارز خارجی مداخله می‌کند
- دلار ملی کانادا، به سبب ثبات بنیادین خود در دود دهه اخیر، یکی از محبوب‌ترین ارزهای مرجع جهان است
- ارزش دلار کانادا در بازار ارزهای جهانی، نسبت به دوره‌های پیشین، افزایش محسوسی نشان می‌دهد

۶۸



اقتصاد

• شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ •

در ادامه مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "تجربه جهانی مداخله بانک‌های مرکزی در بازارهای ارزی"، از شماره‌های پیشین هفته‌نامه به سراغ کشور کانادا رفته و به تبیین و بررسی نقش و عملکرد بانک مرکزی این کشور در مداخله موثر و مدیریت بهینه در حوزه سیاست‌های ارزی و اقتصاد بین‌الملل می‌پردازیم.

بانک مرکزی کانادا در خط مقدم کارآمدترین الگوهای مدیریت بحران‌های ارزی

حاکمیت اقتصادی کانادا یکی از سمبل‌های تعامل موثر چندگانه نیروهای مالی و بانکی در طراحی، تدوین و اجرای سیاست‌های کارآمد پولی، مالی و ارزی، هم در حوزه اقتصاد داخلی و هم حوزه اقتصاد بین‌الملل است. در این سال‌ها، این بستر هماهنگ، در قالب پیوستگی کامل فکری و عملیاتی نهادهای اقتصادی فعال در کابینه‌های مختلف دولت‌های کانادا، حرکات روبه جلوی خود را به راهبری بانک مرکزی این کشور، به ثمر نشانده است.

در حقیقت، به اذعان بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران اقتصادی، مقامات پولی و بانکداران مرکزی کانادا، به ویژه از آغاز هزاره جدید که جهان درگیر بحران‌های مالی و ارزی متعدد بوده، به خوبی توانسته وظایف مدیریت و پشتیبانی خود در حوزه‌های داخلی و خارجی کانادا را ایفا نماید.

در واقع، ارزیابی پژوهش‌ها و گزارش‌های جامع منتشر شده و به چاپ رسیده در وبگاه‌های نهادهای اقتصادی برجسته تحقیقاتی در سطح جهان نشان می‌دهد که کانادا، با وجود داشتن روابط مالی تنگاتنگ با شرکای تجاری و مالی بحران‌آفرین خود از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و روسیه، اما به سبب توانمندی بالای بانک مرکزی این کشور در طراحی و تدوین سیاست‌های انعطاف‌پذیر و پویایی عملکردی که مبتنی بر شرایط و موقعیت‌های موجود، تغییر نموده و اجرا می‌شدند، توانسته در بحران‌های پیشامد کرده هزاره جدید، مدیریت اقتصاد خود را در بالاترین استاندارد ممکن به دست گرفته و با کمترین هزینه، کشور را از تنش‌های به وجود آمده عبور دهد.

حتی یک مورد از این خاستگاه‌های ایجاد تنش‌های مهم ارزی در دوره‌های مختلف

طی ۲۵ سال گذشته همچون تنش ارزی ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا، تنش ارزی ۲۰۰۴ ایالات متحده، بحران ارزی ۲۰۰۶ چین و کره، بحران مالی ۲۰۰۸ جهان که از نیویورک آغاز شد، بحران بهداشتی پاندمی کرونا ۲۰۱۹ که از چین آغاز شد و تنش ارزی روسیه در سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ که ناشی از مناقشات نظامی با اوکراین بود، می‌توانست اقتصاد داخلی و بستر تجارت بین‌الملل کانادا را از پا درآورده و تا مرز نابودی کامل به پیش ببرد، اما در سایه استقلال عملیاتی حقیقی این نهاد و اختیارات کاملی که از سوی کابینه دولت‌های کانادا به بانک مرکزی این کشور در تصمیم‌گیری و عمل داده شده بود، بهترین اقدامات در مهم‌ترین زمان‌های ممکن و با موثرترین ابزارهای پولی و ارزی انجام گرفت تا بانک مرکزی کانادا در بین مقامات پولی اقتصادهای توسعه‌یافته و پیشرفته، در خط مقدم کارآمدترین الگوهای مدیریت بحران‌های ارزی قرارگیرد و نقش حیاتی در بهبود و حفظ پایداری مولفه‌های کلان ارزی این کشور ایفا نماید.

سیاست‌ها و اقدامات مدیریتی و مداخله‌ای بانک مرکزی کانادا در بازار ارز

طبق اعلام رسمی سایت بانک مرکزی کانادا، هرگونه مداخله رسمی در بازار ارز این کشور، توسط بانک مرکزی کانادا صورت گرفته و پس از انجام مداخله، شرح جزئیات، نحوه، نوع و میزان مداخلات انجام گرفته هم در بخش اطلاع رسانی وبگاه این نهاد و هم در نشریه ماهانه رسمی بین‌المللی فدرال رزرو دولت کانادا، در قالب یک گزارش تحلیلی، به اطلاع متخصصان مالی و عموم جامعه می‌رسد. سیاست کنونی بانک مرکزی کانادا برای مداخله در بازارهای ارزی، نه به صورت سیستماتیک، بلکه بر مبنای اختیارات کامل از سوی دولت این کشور برای ورود به بازار ارز ملی و ارزهای بین‌المللی در شرایط استثنایی و بحرانی است. در حقیقت، اساساً بازارهای ارزی کانادا می‌تواند به دلیل عوامل داخلی و خارجی، در دوره‌های مختلف زمانی دستخوش نوسانات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت شود و بانک مرکزی کانادا به نمایندگی از دولت فدرال این کشور در بازارهای ارز خارجی مداخله می‌نماید تا با تحركات مخرب و چالش‌آفرین ارز ملی خود یعنی دلار کانادا و ارزهای مرجع خارجی، به ویژه ارزهای خارجی شرکای تجاری خود، مقابله کند.

سیاست
بانک مرکزی
کانادا برای
مداخله در
بازارهای ارزی
نه به صورت
سیستماتیک
بلکه بر مبنای
اختیارات کامل
است



در ۱۱ مارس ۲۰۱۱
بانک کانادا
به فدرال رزرو
ایالات متحده
بانک انگلستان
بانک مرکزی
اروپا و بانک
ژاپن در یک
مداخله
همه‌هنگ برای
حمایت از این
ژاپن پیوست

به عنوان نمونه، اگر نشانه‌هایی از یک فروپاشی جدی قریب‌الوقوع در بازار ارزی، به ویژه بازار کوتاه‌مدت وجود داشته باشد، مثلاً نوسانات شدید قیمت ارزی با عدم تمایل فزاینده خریداران یا فروشندگان به معامله، که نشان‌دهنده کمبود شدید نقدینگی در بازار دلار کانادا است، بانک مرکزی کانادا مدیریت بازار را به دست گرفته و مداخلات خود را منطبق با نیازها و الزامات بازار، عملیاتی می‌نماید.

همچنین اگر تحرکات شدید ارزی، به طور جدی، شرایط و بستری که از رشد بلندمدت پایدار اقتصاد کانادا حمایت می‌کند را تهدید نماید، در این موقعیت نیز شاهد مداخله مستقیم بانک مرکزی کانادا در بازار ارزی خواهیم بود که هدف آن، کمک به تثبیت نرخ ارز و مقابله با اقدامات سیاسی شرکای تجاری و بازرگانی خود برای جلوگیری از فشار مضاعف بر ارز ملی کانادا خواهد بود.

هر اقدام مداخله‌ای، در قالب طراحی و تدوین یک سیاست مداخله‌ای مجزا، کارشناسی شده، منحصر به فرد، مبتنی بر شرایط و وضعیت شاخص‌های کلان ارزی موجود و پیش‌بینی‌های انجام گرفته نسبت به وضعیت آتی بازار ارز بین‌الملل توسط بانک مرکزی کانادا و با نظارت و تأیید دولت فدرال، انجام می‌پذیرد.

همچنین نوعی دیگر از سیاست‌گذاری و مداخله بانک مرکزی کانادا در بازارهای ارزی، به شکل مداخلات همه‌هنگ و یکپارچه با بانک‌های مرکزی سایر کشورها، هر از گاهی، کانادا با سایر کشورها در مداخله همه‌هنگ شرکت می‌کند. به عنوان مثال، در ۱۱ مارس ۲۰۱۱، بانک کانادا به فدرال رزرو ایالات متحده، بانک انگلستان، بانک مرکزی اروپا و بانک ژاپن در یک مداخله همه‌هنگ برای حمایت از این ژاپن پیوست.

مکانیزم، نحوه و شیوه مداخلات ارزی بانک مرکزی کانادا

بانک مرکزی کانادا به عنوان نماینده تام‌الاختیار دولت فدرال کانادا برای مداخله و مدیریت در بازار ارز، از دارایی‌های دولت این کشور در حساب صندوق مبادله، استفاده می‌نماید. این صندوق، محل واریز، جمع‌آوری و در واقع، خزانه ارزهای خارجی دولت کانادا است که بخش اعظم آن در دلار ایالات متحده، یورو، پوند انگلیس و ین ژاپن تشکیل داده است.

اگر دولت و بانک مرکزی کانادا بخواهند روند کاهش نسبی قیمت دلار کانادا را تعدیل و متوقف نمایند، بانک مرکزی، دلار کانادا را در بازارهای ارز خارجی در ازای سایر ارزها، که عمدتاً دلار آمریکا است، از حساب صندوق مبادله و بستر بازار خریداری و جمع‌آوری می‌کند.

این امر تقاضا برای دلار کانادا را افزایش داده و به حمایت از ارزش دلار ملی این کشور کمک می‌نماید. برعکس، اگر دولت بخواهد نرخ افزایش ارزش پول ملی کانادا را کاهش دهد، بانک مرکزی با مداخله در بازار ارزی، دلار کانادا را به نمایندگی از دولت می‌فروشد و سایر ارزهای خارجی را خریداری می‌نماید. بانک مرکزی با این اقدام، عرضه دلار کانادا را در بازارهای ارزی افزایش داده و این امر مقاومتی در برابر حرکت صعودی ارزش دلار کانادا ایجاد می‌نماید.

تمرکز بر ارتقاء شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های پس از بحران مالی ۲۰۰۸

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های دولت کانادا در سال‌های پس از بحران مالی ۲۰۰۸، روند چالش برانگیز و رو به زوال رشد اقتصادی این کشور بود. استافان پولوز، رئیس وقت بانک

بـرش



شرایط مداخله مستقیم بانک مرکزی کانادا در بازار ارز

اگر تحرکات شدید ارزی، به طور جدی، شرایط و بستری که از رشد بلندمدت پایدار اقتصاد کانادا حمایت می‌کند را تهدید نماید، در این موقعیت شاهد مداخله مستقیم بانک مرکزی کانادا در بازار ارز خواهیم بود که هدف آن، کمک به تثبیت نرخ ارز و مقابله با اقدامات سیاسی شرکای تجاری و بازرگانی خود برای جلوگیری از فشار مضاعف بر ارز ملی کانادا خواهد بود.



یکی از
مهم‌ترین
نگرانی‌های
دولت کانادا
در سال‌های
پس از بحران
مالی ۲۰۰۸، روند
چالش برانگیز
ورو به زوال رشد
اقتصادی این
کشور بود

تقویت ارزش مبادله‌ای ارز ملی کانادا در مناسبات بین‌المللی و بازارهای ارزی جهان

یکی از مهم‌ترین اقدامات مداخله‌ای بانک مرکزی کانادا در سال‌های اخیر، به ویژه در حوزه مدیریت جهانی ارز ملی خود، تقویت ارزش دلار کانادا در بازارهای ارزی بین‌المللی و دستیابی به یک توازن منطقی در رابطه بین دلار کانادا و دلار آمریکا بود.

استفان پولوز در اولین روزهای پس از انتصاب در جایگاه رئیس بزرگترین نهاد مالی کانادا اعلام کرد که بسته اجرایی سیاست‌های پولی و مالی ما، ناظر بر به کارگیری تمامی ابزارهای ممکن در جهت تقویت ارزش دلار کانادا در مقابل ارزهای خارجی، به ویژه دلار ایالات متحده است. وی در ادامه افزود که اگر بتوانیم با سیاست‌های در دست اجرا، توان بنیادین ارز ملی کانادا را افزایش دهیم، از صدمات ناشی از بحران‌های پولی و مالی دهه‌های آتی، لطمه کمتری خواهیم خورد.

پولوز معتقد بود که به موازات حفظ رابطه گرم اقتصادی-سیاسی با آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای توسعه یافته جهان می‌بایست قدرت و سلطه ارزهای ملی و منطقه‌ای خود را در برابر دلار آمریکا افزایش دهند تا بتوانند در سطحی نسبتاً برابر، از تن دادن به سیاست‌های اقتصادی ناگزیر که می‌تواند موجب آشفتگی آتی اقتصادی و پیدایش بحران بدهی شود، جلوگیری کنند. همین تفکر عملیاتی سیستماتیک موجب شد که دوگانه دلار کانادا-دلار آمریکا، در این دوره در سطحی قابل قبول قرار گرفته و ارزش دلار کانادا در بازار ارزهای جهانی، نسبت به دوره‌های پیشین، افزایش محسوسی یابد.

منابع:

1. Alpanda, Sami & Alexander, Patrick & Kabaca, Serdar (2022), "Foreign Exchange Interventions: The Long and the Short of It", Staff Working Paper/Document de travail du personnel, No.25, Bank of Canada, DOI: <https://doi.org/10.34989/swp-2022-25> | ISSN 1701-9397
2. <https://www.theglobeandmail.com/business/article-how-does-the-bank-of-canada-work/>
3. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2023-08-17/ex-bank-of-canada-governor-stephen-poloz-sees-cracks-in-consumer-resilience>
4. <https://www.elibrary.imf.org/display/book/9781589064218/ch02.xml>
5. <https://www.bankofcanada.ca/rates/ex-change/foreign-exchange-intervention/>

مرکزی کانادا در یکی از اولین کنفرانس‌های مطبوعاتی خود پس از قرار گرفتن در جایگاه ریاست این نهاد و در حضور اعضای کابینه دولت این کشور، اطمینان داد که با ابتکار عمل و تغییر رویه‌های پیشین در این حوزه، روند کاهش رشد اقتصادی کانادا را متوقف خواهد کرد. رویکرد جدید بانک مرکزی کانادا برای مداخله و مدیریت در بازار ارزی، در قالب تمرکز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. تیم آنالیز داده و اطلاعات این نهاد اعلام کرده بودند که بستر اقتصادی کانادا در بین اقتصادهای توسعه یافته، همچنان قابل اعتمادترین و جذاب‌ترین محیط برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دارای تقاضای فرامرزی با ضریب اطمینان بالا است. همچنین دلار ملی کانادا، به سبب ثبات بنیادین خود در دو دهه اخیر، یکی از محبوب‌ترین ارزهای مرجع برای انجام مبادلات تجاری در بین کشورهای جهان است.

همین امر موجب شد که تیم اجرایی بانک مرکزی کانادا به سرعت با سرمایه‌گذاران بزرگ حقیقی و حقوقی جهان، به ویژه سرمایه‌گذاران حاشیه خلیج فارس، در جهت جذب منابع مالی آنها، جلسات متعددی برگزار کند. بسته‌های پیشنهادی اغواکننده و ترسیم چشم‌انداز رو به رشد از وضعیت آتی اقتصاد کانادا، اعلام گسترش زنجیره‌های ارزش جهانی توسط دولت این کشور، اعلام ادغام تولیدکنندگان کم‌هزینه در اقتصاد جهانی، اعلام امکان تخصیص منابع و امکانات داخلی با شرایط ایده‌آل به سرمایه‌گذاران خارجی، اعلام تسریع روند رقابت‌پذیری برخی بازارهای نوظهور کانادا در جهان و پیش‌بینی تقویت ارزش دلار کانادا و رشد فزاینده و چشمگیر تجارت فرامرزی صنایع و خدمات این کشور در جهان، از جمله موضوعات و مواردی بود که تیم اجرایی بانک مرکزی کانادا برای جذب حداکثری منابع خارجی، به آن پرداخت و به کار گرفت.

استناد به آمار، ارقام و گزارش‌های جامع رسمی منتشره شده حاکی از آن است که تصمیمات عملیاتی و اجرایی بانک مرکزی کانادا در باب مداخلات و مدیریت ارزی در این دوره با تمرکز بر شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب شد که در یک بازه زمانی هفت ساله، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کانادا به بالاترین حد در طول تاریخ اقتصادی خود برسد.





ناترازی بانکی به صفر رسید

دستاوردهای یک بانک تخصصی و توسعه‌ای

- براساس برنامه تکلیفی عملیات ارزی، بانک توسعه تعاون در سال جاری باید یک هزار میلیارد ریال سود را به ثبت برساند که با توجه به روند جاری، تحقق این موضوع دور از دسترس نیست

عملکردی رو به رشد در شبکه بانکی

بانک توسعه تعاون با درک عمیق نسبت به اهمیت بخش تعاون و وظیفه ذاتی خود، اقدامات شاخصی را در این حوزه انجام داده است، به طوری که می‌توان عملیات اعتباری و تامین مالی از طریق ابزارهای نوین را مزیت مهم رقابتی این بانک توسعه‌ای قلمداد کرد. نیمه مردادماه سال جاری مجمع سالیانه بانک توسعه تعاون با عملکرد شایسته مجموعه به نحو مطلوب برگزار شد، مجمعی که نشان می‌داد

بدون شک بخش تعاون، نقش غیرقابل انکاری در توسعه اقتصادی کشور دارد و اصولاً تصور کشوری توسعه یافته بدون توجه به رشد اقتصادی غیرممکن است. از همین رونقش مهم تعاون در فرآیند توسعه جوامع نیز باید معطوف به توسعه اقتصادی آن جوامع باشد. همچنین در دنیای امروز، تعاونی‌ها نقش حیاتی در ارتقای توسعه پایدار، توانمندسازی جوامع و تقویت تاب‌آوری اقتصادی دارند.

۷۲



اقتصاد

● شماره ۵۷ - شهریور ۱۴۰۳ ●

این بانک طی ۱۵ سال فعالیت و تجربه ۲۰ سال فعالیت در قالب صندوق تعاون کشور، خدمات ارزنده‌ای را به فعالان اقتصاد و تعاونی ارائه داده است.

نگاهی به عملکرد بانک توسعه تعاون نشان می‌دهد ۵۰ درصد مجموع عملکرد بانک در حوزه منابع و مصارف از ابتدای فعالیت تاکنون، طی دو سال به تحقق درآمده است، همچنین ۶۴ درصد مجموع عملکرد بانک در حوزه مصارف و منابع طی تمامی ادوار در ۳ سال اخیر محقق شده است. این آمار عملکردی رو به رشد در سطح شبکه بانکی، دستاوردی بسیار ارزشمند و کم‌نظیر به شمار می‌آید.

بهره‌وری بالا در ابزارهای نوین مالی

عملکرد بانک توسعه تعاون در حوزه ابزارهای نوین مالی هم قابل توجه بوده است، به طوری که سهم عملکردی بانک در موضوع روش‌های نوین تامین مالی و ابزارهای نوین حتی از سهم بانک در بازار پولی و بانکی کشور به لحاظ منابع و مصارف نیز بالاتر است. این عملکرد مناسب نشان دهنده بهره‌وری بالای بانک در انجام عملیات مرتبط با ابزارهای نوین است. عملکرد بانک توسعه تعاون در حوزه فناوری به ویژه در مقایسه با ۲ سال گذشته، رو به رشد بوده که محصولات فناورانه بانک به ویژه «بانکواره» گویای این واقعیت است. در واقع پیشرفت‌های فناورانه به عنوان ضرورت اجتناب‌ناپذیر و همچنین مزیت رقابتی این بانک برای تحقق چشم‌انداز، ماموریت، فعالیت‌ها، راهبردها و تحقق سند استراتژیک بانک محسوب می‌شود.

سوددهی ۳۱۷ شعبه در ۵۰ درصد استان‌ها

طی سال‌های گذشته، سودآوری همواره دغدغه اصلی این بانک بوده و طبق گفته مدیران این بانک، در دو دوره اخیر علاوه بر ایفای نقش موثر توسعه‌ای، دستاوردهای خوبی در حوزه سودآوری حاصل کرده است. در دوره مدیریت جدید بانک توسعه تعاون زیان انباشته بانک پوشش داده شد و بانک وارد سوددهی مستمر شده است. آمارها بیانگر آن است که در حال حاضر ۳۱۷ شعبه بانک توسعه تعاون به مرحله سوددهی رسیده‌اند و ۵۰ درصد استان‌ها نیز سودده هستند و برنامه مدیران این مجموعه بر این مبنا قرار گرفته که در آینده نزدیک تمام شعب بانک سودده شوند. البته قاعدتاً رویکرد این بانک در سطح کشور، توسعه‌ای و مبتنی بر حمایت است و از همین

رو در مناطق کمتر برخوردار به صورت فیزیکی و حضوری شعبه دارد. این در حالی است که تمرکز اصلی نقدینگی در اقتصاد کشور در پایتخت و شهرهای بزرگ است و بانک توسعه تعاون با حضور در مناطق کمتر توسعه یافته به رغم توجیه پایین مالی، موجبات اثربخشی و حمایت موثر از تعاونی‌ها و کارآفرینان و ایجاد اشتغال را فراهم کرده است.

تمرکز بر ایجاد تراز مثبت

بانک توسعه تعاون دارای چندین شرکت تابعه دارای مجوز است که این شرکت‌ها علاوه بر تکمیل زنجیره ارزش می‌توانند در ایجاد تراز مثبت بانک نیز راهگشا باشند. ارتقای دوبرابری سهم بانک توسعه تعاون در شبکه بانکی، موضوع دیگری است که باید مورد اشاره قرار داد. در حالی شاهد برنامه ریزی برای دستیابی به سهم بانک توسعه تعاون از یک درصد به ۲ درصد در شبکه بانکی هستیم که این بانک در همین سهم پایین نیز، اثربخشی بالایی داشته و منشأ خیر و اثر مثبت برای توسعه مناطق مختلف کشور بوده است. بر همین اساس، در سال ۱۴۰۲ ناترازی بانکی توسعه تعاون به صفر رسید.

رکورد زنی پرداخت ۳۵ همت تسهیلات بانکی

نگاهی به آمار نشان می‌دهد که بانک توسعه تعاون در پرداخت تسهیلات بسیار چابک و موثر عمل کرده است. میزان تسهیلات پرداختی این بانک در سال گذشته از ۴۲۰ هزار میلیارد ریال فراتر رفت. در سال جاری نیز از فروردین ماه تا مردادماه، ۳۵۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات توسط بانک توسعه تعاون پرداخت شد که به این ترتیب می‌توان گفت این بانک به لحاظ پرداخت تسهیلات از برنامه جلوتر است.

جهش ۹۱ درصدی عملیات ارزی

افزایش ۹۱ درصدی حجم عملیات ارزی بانک توسعه تعاون در شش ماه ابتدای امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، از دیگر اقدامات شاخص بانک توسعه تعاون به شمار می‌آید. این میزان عملیات، سوددهی مناسبی برای بانک به دنبال داشته است. همچنین بر اساس برنامه تکلیفی عملیات ارزی، بانک توسعه تعاون در سال جاری باید یک هزار میلیارد ریال سود را به ثبت برساند که با توجه به روند جاری، این موضوع دور از دسترس نیست.

پنجاه درصد
مجموع
عملکرد بانک
توسعه تعاون
در حوزه منابع
و مصارف از
ابتدای فعالیت
تاکنون طی دو
سال محقق شد،
همچنین ۶۴
درصد مجموع
عملکرد بانک
در حوزه مصارف
و منابع طی
تمامی ادوار
در ۳ سال اخیر
جامه عمل
پوشید

بانک‌واره توسعه تعاون

شعبه غیر حضوری شما



بانک توسعه تعاون
TOSE'E TA'AVON BANK



- افتتاح حساب آنلاین پرداخت انواع تسهیلات و اعتبارسنجی آنلاین
- صدور گواهی امضاء دیجیتال ارائه خدمات کیف پول الکترونیکی
- و بسیاری از مزایا و خدمات بانکی دیگر

نسخه PWA برای گوشی های غیر اندرویدی، تبلت و رایانه به آدرس Bankvareh.ttbank.ir

نسخه اندرویدی از    www.ttbank.ir ۰۲۱-۶۴۳۸۰۰۰۰

وام مهربانی شما واریز شد

واریز: 3,000,000,000 +

حساب: 12005

بابت: وام مهربانی ملی

02/10/23 13:07

وفادار به مهربانی...

متفاوت ترین وام قرض الحسنه

۳۰۰ میلیون تومان

بدون چک، سفته و گواهی کسر حقوق

مهربانی ملی

www.bmi.ir 021-64140

in 88 bankmelli1307



بانک ملی ایران

قرعه کشی بزرگ حساب های قرض الحسنه پس انداز بانک سپه



جایزه ۲۵۰ میلیون تومانی

و میلیاردها تومان جوایز نقدی دیگر

برای افتتاح حساب یا تکمیل موجودی
به شعب بانک یا omidbank.ir مراجعه فرمایید

با این حساب همه برنده‌اید

پرداخت ۳۵ هزار میلیارد تومان وام قرض الحسنه
ازدواج، فرزند آوری، تحصیل، درمان و اشتغال





ریال دیجیتال

ورود به عصر جدید پرداخت
با امنیت و سرعت بیشتر



بانک ملت
bank mellat

اعطای تسهیلات تجاری و خرد (غیرتجاری)
به عموم مشتریان در قالب

طرح حرکت

اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی (مجموع تسهیلات تجاری و غیرتجاری) حداکثر تا سقف

۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

اعطای تسهیلات (تجاری) به اشخاص حقوقی حداکثر تا سقف

۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نرخ سود تسهیلات:

- نرخ ترجیحی بین ۴ تا ۲۲ درصد

اولویت‌های پرداخت:

- اعطای تسهیلات بر حسب میانگین ۶، ۳ و ۹ ماهه حساب جاری یا سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت با مدت بازپرداخت حداکثر ۳۶ ماهه

مشمولان طرح:

- تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی
- کارکنان اشخاص حقیقی و حقوقی

حداکثر مدت بازپرداخت:
۳۶ ماه



کسب
اطلاعات بیشتر





برای کار خیر سبق‌ت بگیرید

سپرده حساب‌های قرض‌الحسنه صرف چه اموری می‌شود؟

www.Karafarinbank.ir

۰۲۱-۲۳۳۵۰



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

جشنواره حساب های قرض الحسنه پس انداز ریالی



با "های بانک" غیر حضوری افتتاح حساب و در قرعه کشی شرکت کن

Hibank.ir



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

جهت نصب آخرین نسخه لطفاً اسکن فرمایید



۵ جایزه ۲/۵ میلیارد ریالی
۱۵ جایزه ۱ میلیارد ریالی
۲۵ جایزه ۵۰۰ میلیون ریالی
۱۲۵ جایزه ۱۰۰ میلیون ریالی
و میلیاردها ریال جوایز نقدی دیگر